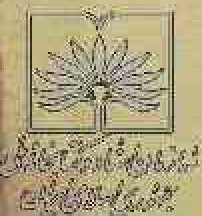
کتاب رهنماي سفرا





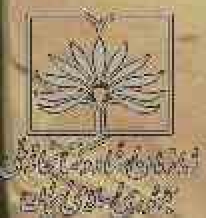


در ایام سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه

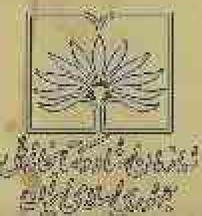
سلطان ناصرالدین شاه

پادشاه ایران









کتاب رهنمای سفرا

در اوان سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه

صاحبقران ناصر الدّین شاه

پادشاه ایران

بحسن اهتمام و تشویق میرزا یوسف خان مستشار الدّوله

کمترین چاکر دولت میرزا عبد الرّسول منشی تبریزی

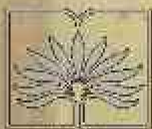
ترجمه نموده بتاریخ شهر ذی قعده سنه ۱۳۰۱ هجری

سنه ۱۸۸۴ میلادی در بندر بمبئی

بطبع رسیده

فهرست رهنمای سفرا

مشتمل بر ۳۷ فصل است در ضمن شش باب





غلط‌نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۹	۱۰	مستخدیم	مستخدم	۴۵	۱۳	بستند	نه بستند
۲۰	۱۱	سمت	صفت	۴۷	۶	سفیر	یک سفیر
۲۱	۹	نمایند	ننمایند	۴۷	۱۴	سعادت	سفارت
۲۲	۵	بهیت	بهیئت	۵۰	۴	دقوع	وقوع
۲۶	۵	که	......	۵۱	۷	الفاده	العاده
۲۶	۸	ترقیه	شرقیه	۵۴	۱	میگذاشتند	نمیگذاشتند
۲۸	۷	شروع	مشروع	۵۴	۳	تر	به نیرزد
۲۸	۷	آیا یا حکمه ار	ویا یا حکمه ار	۵۴	۳	گردید	گردیده
۲۸	۱۰	مشروع یا قطع	مشروع قطع	۵۴	۸	بسمت	بصفت
۳۰	۲	استرداد	استرداد	۵۵	۹	مسله	مسئله
۳۴	۲	مستر انگلیس	مستر قوالقهوان انگلیس	۵۶	۳	سفرا	سفرا
۳۴	۳	قوالقهوان	......	۶۱	۱۳	ساعدت	مساعدت
۳۷	۲	نبرد	نیرزد	۶۸	۴	درجهٔ ثانیه	درجهٔ ثالثه
۴۱	۱	بستند	نبستند	۶۹	۹	وزیر مختار یا	ایلچیهای و وزرای مختار
				۷۰	۱۰	تقدیم	تقدم
				۷۱	۲	تقدیم	تقدم
				۷۱	۹	توجه میشود	توجه میتوانند
				۷۸	۱۱	[illegible]	[illegible]

۵

۷۹

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷۹	۷	ازسال	ارسال	۹۲	۸	میباشند در	میباشند و یا در
۸۲	۴	دکر	و اگر	۹۴	۵	سایهٔ مظهر	سایهٔ نیّر مظهر
۸۲	۱۰	الّا	.....	۹۴	۹	و محال رسمیه	و مجالس رسمیه
۸۴	۱	خالیه	تنها	۹۸	۱۱	اگرچه	اگر
۸۷	۴	برور	برور	۹۸	۱۲	نشده است	نشده باشد
۸۷	۱۰	در اثنای معلومه	در اثنای معلومه [illegible]	۱۰۰	۳	متحذه	متخذه
۸۷	۷	گردید	گرد	۱۰۰	۱۵	نبوده	نموده
۸۹	۱	.....	فصل ۲۳	۱۰۰	۶	میراند	میزند
۹۰	۱۴	دولتها سرکات	دولتها بسرکات	۱۰۲	۴	معافیت	معافیتی
۹۱	۱۲	نماید بسرکات	نماید ابدولت ببرکات	۱۰۳	۱	بسمت	بصفت
۹۲	۱۱	کرده است	میکرده است	۱۰۳	۱۳	در رسمی شدن	و برسمیت قبول شدن
۹۲	۱۲	میکند	میکرد	۱۰۶	۳	محل	مخل
۹۳	۹	میدارد	میداشتند	۱۱۱	۲	حقوق ملل	حقوق ملل کافه
۹۳	۷	هستند	بودند	۱۱۵	۳	دوربیرا	روبرو



صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۱۵	۴	لوود هارتکتون	لورد هارتکتون	۱۲۵	۱۱	مادهٔ	مادّهٔ
۱۱۵	۱۲	آنشخص را	آنشخص	۱۲۷	۱۱	اجری شود	اجری بود
۱۱۵	۱۴	بود	بوده	۱۲۸	۱۰	حصوصات	خصوصات
۱۱۶	۱۰	ومحل	ومخلّ	۱۳۰	۹	پروسما	پروسیا
۱۱۷	۱۳	مأموریتی را	مأموریتی راهم	۱۳۰	۹	مباحثه	مباحثهٔ
۱۱۸	۲	سوار دمیخواست	سوار کرده میخواست	۱۳۱	۱۱	بغوض	بعوض
۱۲۰	۵	ازتبعت	ازتبعیّت	۱۳۳	۱۵	ادا	اداء
۱۲۰	۷	بمعیّت	معیّت	۱۳۶	۱۲	مشود	میشود
۱۲۰	۱۲	میشد خواه	میشد) خواه	۱۳۶	۱۲	استقلالیت	استقلالیّت
۱۲۱	۱۰	بشود بالعکس اگرچه	اگرچه برخلاف او تنیفر	۱۳۹	۱۰	مجازات	مجازات
۱۲۱	۱۳	ولیکن دولت	معهذا دولت	۱۴۰	۴	بانهانکه	باآنهائیکه
۱۲۲	۳	مدخلّت	مدخلیّت	۱۴۱	۲	تحقق	تحقیق
۱۲۲	۶	واستحضال	واستحصال	۱۴۱	۱۴	معاینه	معاینهٔ
۱۲۴	۵	ژنتلیاس	ژنتیلس	۱۴۱	۱۵	برکس	برکس

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۴۵	۹	اتّباع	اَتْباع	۱۱۱	۱	ظاهر گردید	ظاهر شد
۱۴۹	۴	بواسطه	بواسطهٔ	۱۱۱	۲	واقع گردید	اتفاق افتاد
۱۴۹	۱۳	رسورم	رسوم	۱۴۱	۶	ولوانکه	اگرچه
۱۵۶	۷	سفیرٔ	سفیر	۱۴۱	۸	لاکن	معهذا
۱۵۷	۹	رهبابانیکه	رهبانانیکه				
۱۵۷	۱۳	بدارد	ندارد				
۱۵۹	۶	سقیر	سفیر				
۱۵۹	۱۳	تسویه	تسویهٔ				
۱۶۰	۱۴	زوجهای	زوجه‌های				
۱۶۰	۱۵	زوجهای	زوجه‌های				
۱۶۱	۶	حقیقهّ	حقیقیّه				
۱۶۲	۱۱	توقیف رد	توقیف او				
۱۶۶	۳	کرده	گردیده				
۱۶۷	۱۴	داده سده	داده شده				





صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۶	۴	خارجه مناسبات	خارجیه مناسبات	۱۳	۲	بارسال	بار سال
۱۳	۱۴	مفخرت	و مفخرت	۲۵	۶	مصلحتکدار	مصلحتکدا
۳۳	۳	سفارت	سفیر	۳۳	۴	آنهار العنوان	انهار آنها بعنوان
۴۳	۳	جمعیت عمومیه	جمعیت عمومیّه	۴۵	۱۲	مکرر	تکرر
۴۹	۱۱	سفارت	سفارت را	۵۹	۱۵	سفیر	سفرای
۶۰	۱	سفرایکدیگر	سفرای یکدیگر	۷۴	۷	قرالیچه	قرالیچه که
۹۴	۱	بسفات	بسفارت	۱۰۵	۱۱	نالایقه را	نالایقه
۱۱۹	۴	جنابایتکه	جنابا اینکه	۱۱۹	۵	ادعانکرده	ادعا کرده نشده
۱۲۳	۱۰	دخالت	وخامت	۱۳۰	۱۱	ذلیل	ذیل
۱۳۲	۶	سنه ۱۷۷۳	سنه ۱۷۷۲	۱۳۲	۹	ورعایت	ورعایت را
۱۳۴	۴	از اعتبار بست	از ماده است	۱۳۴	۵	باید باور قمار شود	باید اعتبار شود
۱۳۷	۱۱	دعوای	دعوائی	۱۳۷	۱۱	شدن	کردن
۱۳۷	۱۲	شدن	نمودن	۱۴۰	۱۲	مرات	مراتب
۱۶۴	۴	کرده شده	کرده است				

جلد اوّل

رهنمای سفرا

ترجمهٔ عبد الرّسول منشی

در بمبئی ۱۳۰۱



دولتها بجهة اینکه بحسن جریان مناسبات موجوده و تبلیغ مطالب واقعهٔ یکدیگر واسطه بشود به مملکتهای همدیگر مأمورینی راکه حائز صفت سفارت باشند تعیین و اعزام مینمایند و چون اصول و مراسمی راکه این قبیل مأمورین دیپلوماتیکی در نزد دولتهائیکه مأمور با نجا هستند اجرا مینمایند از فروع حقوق دولیه بوده و علم مخصوص موسوم به دیپلوماسی است لهذا دائر باین علم در فرانسه و انگلیس و آلمان کتب متعدده جمع و تألیف کرده شده است .

و چون علم دیپلوماسی محض تأمین صورت جریان مناسبات خارجیه که مستلزم منافع ملک و ملت است موضوع شده و جامع اصول و مراسم دیپلوماتیکی است و برای کسانیکه در خدمت دولت هستند نهایت لزوم را دارد بناء علیه مسیو مارتنسک نام که در خدمات سفارت دولت آلمان بوده و بنظریات و عملیات این علم کسب معلومات تامه نموده است دائر باین علم کتابی بعنوان رهنمای سفرا ترتیب و تألیف کرده است و ادیب اریب شکیب افندی هم که از ادبای عثمانیست ان را از زبان [illegible] ترجمه

و این بنده میرزا عبدالرسول منشی تبریزی نیز بامر و اشاره جناب فخامت نصاب آقای میرزا یوسفخان مستشارالدوله در هنگام اقامت بمبئی در تاریخ شهر رجب ۱۲۰۱ بفارسی ترجمه نمود امید قوی دارد که این خدمت محقر من که محض محبت دولت و ملت و وطن مقدس مبادرت بآن کرده ام در نظر اولیای امور مطبوع و پسندیده آید

این جلد اول منحصر بوظایف و تکالیف سفارت جلد دوم آن مشتمل بدستور العملهای جنرال قونسولها و قونسولها است که آن نیز ان شاء الله تعالی ترجمه و چاپ خواهد شد



جلد اوّل رهنمای سفرا

مقدّمه

علم دیپلوماسی

موضوع علم دیپلوماسی عبارت از اصول و قواعدی است که در حق صورت جریان مناسباتیکه در میان دول مختلفه موجود بوده و یا آنکه ایجاد آن اقتضا نماید دستور العمل اتخاذ کرده شود نظر بمعنای عمومی کلمهٔ دیپلوماسی عبارت از علم خارجیهٔ مناسبات دولیّه است و مغایرت این مناسبات نسبت به تشکّل و هیئت دولتها است و اصول موضوعهٔ ادارات آنها و قوّت و مکنت و درجهٔ تقدیر و تبدّلاتیکه در حال و مواقع آنها ظاهر میشود و بارتباط و افتراقیکه در میانهٔ آنها موجود بوده و نسبت باقتضای وقوعات است . چون حالات مذکوره که اساس مناسبات خارجیهٔ دولتها بوده و به بعض وقوعات عدیده استناد کرده میشود و استخراج نتیجهٔ آنها باجرای تحقیقات و مطالعات منوط و مربوط است

بناءً علیه مطالعهٔ مجموعه های دیپلوماتیکی و محرّرات و معاهدات و لوایح
و تألیفاتیکه دائر بتاریخ است در اطّلاع بهمرسانیدن باساس مناسبات
دولتها کافی تواند بود . نظر باجراآت علم دیپلوماسی کسانیکه دیپلومات
میشوند باید در اکثر احوال محض جبر و اکمال نقصان قواعد نظریّه از اصحاب
امتحان و تجربه بشوند و در انشاء و تحریر محرّراتیکه تعاطی میکردد و یا آنکه
بسفرای دول خارجه فرستاده میشود بعضی اصول و قواعدی است که باید ازرا
تحصیل کرده و تقاریر و تحریرات را موافق حال و مصلحت انشا نماید
و این از اصول و فروع علم دیپلوماسی است چونانکه در امور خارجیّه مستخدم
میشوند علاوه برانکه لازم است از اصحاب عقل سلیم باشند باید صفات
آتی را نیز متّصف و حائز شوند اوّلاً باید حقوق ملل و حقوق طبیعیّه را
که شامل قواعد صحیحهٔ پولتیکی است تحصیل نمایند ثانیاً تعدیل قواعد
اساسیّه خواه در حضر و خواه در سفر حقوق ملل موضوعه را که از روی
عادات و معاهدات تأسیس کرده شده و دستور العمل مناسبات
واقعهٔ دولتها است بدست بیاورند ثالثاً حقوق دولیّهٔ دول
اوروپ را که از روی قوانین موضوعهٔ هر دولت تأسیس شده است

بیاموزند رابعاً محض اطلاع بحرکات و تمایلات واقعهٔ دولتها محاربات و مکالمات و تواریخ معاهداتی را که درین عصر حاضر منعقد شده است مطلع باشند خامساً صور مختلفهٔ پولتیکیه را که قابل آن باشد بموقع اجرا گذاشته شود تحصیل کنند سادساً صورت حصول ثروت ملیه و انقسام آنرا بافراد ملت و بجهة دانستن راه صرف نمودن آن علم ثروت ملل را تحصیل نمایند سابعاً احوال جغرافیه و ملکیهٔ دولتها بدانند ثامناً اصولی را که در حق مکالمات تسویهٔ مصالحی که میان دولتها متکوّن میشود و مرعی الاجراست در خاطر داشته باشند تاسعاً راه نوشتن بعضی تقاریر و تحریراتی را که لاجل المصلحه در میان دولتها تعاطی و ردّ و بدل میشود بدانند.

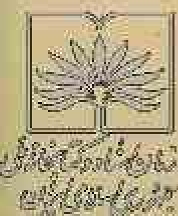
بعد از آنکه موضوع علم مذکور عرض شد و علومیکه برای جوانان دیپلوماسی لازم است تعداد و بیان گردید اینک شروع بمقصد و بحث مینمائیم

باب اول

فصل اول

در بیان مناسبات خارجیه و وزارت امور دول خارجه است





از روزیکه در ممالک اوروپ اصول پولتیک ظاهر شده و دول معظّمه در میان خودشان لزوم جریان مناسبات متوالیه را درک وحس نموده اند برای واسطه و آلت بودن به بیان تبلیغات متقابله خودشان وبرای اینکه بروش پولتیکیه یکدیگر احاله نظر دقّت نمایند نزد یکدیگر اصالةً یا موقتا مأمورین تعیین وارسال کرده اند از مصالحه (وستفالیه) باینطرف که بجنگ و منازعه سی ساله که در میان دولتهای اسوج و آلمان و اوستریا و فرانسه امتداد یافته بود ختام داده شده و در تاریخ ۱۶۴۸ میلادی منعقد گردید وحتّی از تاریخ یکهزار وششصد عیسوی که قاردینال (ریشیلی) به (لوی) سیم از پادشاهان فرانسه صدارت داشت تا این زمان ممالک اوروپ در زیر نفوذ و تأثیرات مأمورین پولتیک که باسم (دیپلومات) معروف هستند مانده است .

بدین قرار در میانه کافّه دول مناسبات خارجیه رفته رفته ترقّی نموده به تشکیل واحداث یک اداره مستقله که مخصوص مخابرات

پولتیکیه و امور خارجه باشد لزوم دیده شد . باین جهة اجراآت خارجه اولا در اداره دپ کاه باسم (مدیریه تحریرات امور خارجه) وگاه به (مذاکرات صدر اعظم یا وزیر اول دولت) معروف شده پس از ان بعنوان (مناسبات خارجیه) و یا (دایرهٔ وزارت امور خارجه) مسمی و احداث گردید (۲)

فصل دوم

(در بیان صفت و وظایف وزیر امور خارجه است)

چون اجرا و عدم اجرای نیات و تصورات خارجی هر دولت بسته باصابت و عدم اصابت مسلک متخذهٔ شخصی است که وزارت امور خارجه بکف کفایت آن مودوع و معوض است و چون مثل اینکه شرف و حیثیت ملت و حقوق و منافع و آسایش آن از ثمرهٔ عقل و کیاست آن شخص محافظه و وقایه میشود قصور و خطائی هم که از و سر میزند ملت را دوچاره مشکلات عظیمه مینماید ناچار

(۲) مقصودش این است که سابقاً در فرنگستان اسم وزارت خارجه بود بعد احداث شد



بیان ملاحظاتیکه دائر باین خصوص است در اینجا مناسب دیده شد
مثلا در ملکی که اداره امور داخلیه عموماً بموجب نظامات موضوعهٔ
ثابته جریان مینماید اگر بسبب اتفاق سهو وخطائی واقع بشود چون فقط
بافراد ملت راجع است تعمیر واصلاح آن باسهل وجوه امکان پذیراست
وهمین قدر کافی تواند شد که بصورت جریان امور ومصالح معتادهٔ
دقت ونظارت کرده شود ودر حالات فوق العاده باحزم و
احتیاط تمام بقوهٔ جبریه مراجعت میشود واحتیاج باستمزاج افکار
حکومتهای خارجه نبوده وملاحظ حرمت ورعایت از آنها وخوف و
حذر واین قبیل چیزها ابداً لزوم نخواهد داشت .
ولاکن امور خارجه بامور داخله قیاس کرده نشده طلب وخواهش
نمودن بعض امور ومصالحی را ازطرف مقابل که عاید بامور خارجیه است
بطور اصرار موافق حال ومصلحت ندیده بلکه اکثر اوقات استدعا
والتماس ومکالمه واسطه ووسیلهٔ حصول مقصد تواند گردید واز
امور مسلّمه است که تکلم بکلمه بدون تأمل وخیال مستلزم تأثر وانفعال
یک ملت بوده ویک مطالعه وتدبیر غیر صائبه حیثیت دولت



و منافع ملت را قرین انحطاط و اضمحلال تواند کرد

و چون پولتیک خارجی دولتها متحوّل و در هم و داعی انواع موانع و مشکلات است معلوم است وظائف شخصی که باداره این امر مأمور و معین میشود در چه درجه باید دقیق و مشکل باشد وزیر مشارالیه درصورت ایفاء اجرای وظایف موکوله خود بهیچگونه در تحت مسئولیت معینه نبوده و بدیهی است که در تمیز تصمیمات واقعه بجز محکمهٔ عقلیهٔ خود و تصدیق منبوع متفخم خویش و تصویب و قبول آرای عمومیّهٔ ملت بهیچ وجه محک و معیاری نخواهد داشت

چون معمول و معتاد است خط حرکتی که وزیر امور خارجه در صورت اداره و تمشیت مصالح خارجیه قبول و اتخاذ مینماید با فکار مخصوصه و خصایل ذاتیهٔ آن استدلال کرده میشود بناءً علیه عزل و نصب وزرای امور خارجه دائماً از توهمات پولتیکیّه معدود میگردد و اجرای تدابیر لازمه و اختیار مسلکی که مقتضی منافع حقیقیّهٔ مملکت و استحصال نتیجهٔ حسنه ازین مسلک پولتیک است داخل در دایره وظایف وزیر امور خارجیه میباشد . و و . . بود محض

وصول باین مقصود تاریخ قرون حاضره را که اساس موازنهٔ عمومیّه و علم حقوق ملل است باید تحصیل و مطالعه نماید .

وزیر مزبور باید بامورات آتیه کسب وقوف و اطلاع کند اوّلاً بامور تجارت که واسطهٔ حصول تقرّب بابین دولتها است . ثانیاً بهر قسم اسباب مادّیهٔ ثروت که اساس قوّت و مکنت حکومتها است ثالثاً بعهود و مقاولاتیکه رابطهٔ بین الدول است رابعاً بافکار و نظریاتیکه محور پولتیک دول را تدویر مینماید خامساً بوکلای دولت که این پولتیک را اداره میکنند و برقابت دولیه که حکم و جریان پولتیک دولت خود را به اشکال می اندازد .

وزیر مزبور باید از کافّهٔ وقوعاتیکه مایهٔ اخلال منافع دولت تواند شد در اخذ معلومات صحیحه سریعه اهتمام کرده و تمایلات و افکار دول خارجه را در حق ممالک خود تفحص و غور رسی نماید و نظر به نتایج این تدقیقات محض استحصال اسباب جریان مناسبات خارجیّه که در حق مملکت خود صورت مفیده داشته باشد باید تمایلات



مذکوره را حساب و تدقیق کنند که درجه درجه از قوه بحیز فعل تواند
آورد .

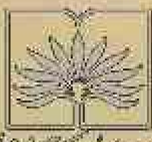
وزیر امور خارجه برای اینکه در اخذ معلومات صحیحه و اجرای تصمیمات
خود معاونینها و مشاورها داشته باشد باید مأمورین چندی را
از ارباب لیاقت و اهلیت استخدام کرده و چون در مناسبات
خارجیه حفظ و وقایه شرف مملکت و منافع عمومیه بخود او مودوع
و موکول گردیده است باید مأمورین و ایلچیهائی را که بممالک
خارجه تعیین و اعزام خواهد نمود بوجه لایق انتخاب کرده و نگاهداری
این قبیل وقایع مهمه را باصحاب وقع و درایت و ارباب عقل و
کفایت مفوض دارد وزیر امور خارجیه کسانی را که در خدمات
سفارتها مسبوق بوده و بتجارب مکتسبه و اهلیت و لیاقت معروف هستند
بمأموریتها بگمارند و چون برای حسن جریان امور و مصالح تنها تعیین
و انتخاب ارباب لیاقت حصول مطلب را کفایت نخواهد کرد
بلکه باید اینها را در هر امری ارائه طریق کرده دستور العملهای کافی
بآنها داده و بآنها بقدر شأن دولت و کفایت گذران معاش بدهد



و علاوه برانکه باید در مذاکرات و مکالمات بآنها تعلیمات داده و متمادیاً با ارسال تحریرات به تشبثات و اجراآت آنها دقت نمایند نیز لازم است که بآنها در کافهٔ امور که راجع بمنافع مملکت است معلومات و اطلاعات بدهد و دیگر یک صورت تحریرات مهمهٔ سفرای خارجه را بآنها ارسال نموده و محض اینکه آنها بامور پولتیکیهٔ دولت متبوعهٔ خودشان واقف بشوند تحریرات عمومیه را که مشعر باحوال داخلی و خارجی مملکت است بآنها بفرستد سفرا نیز این تبلیغات را اساس اتخاذ کرده در حق مواد مبحوث عنه بلا محذور شروع بمکالمه نموده و درخصوص افکار دول مختلفه بدین واسطه اخذ معلومات دقیقه کرده و در این قبیل مکالمات افکار دولت متبوعهٔ خودشان را ترویج بدهند بدیهی است که ترویج و بیان صورت افکار و مطالعات در حق احوال و مسائلیکه نظر دقت عامه را دعوت و جلب مینماید بواسطهٔ سفرای مسموع الکلم در پای تختهای بزرگ روی زمین بچه درجه موجب شأن مفخرت دولت تواند بود الحاصل سفرا هر قدر از ادارهٔ وزارت امور خارجه اخذ تحریرات و مکاتبات کرده و به بینند



که وزارت خارجه آنهارا فراموش نکرده بشوق و غیرت خود می افزایند
همچنین اگر احوال عمومیّه پولتیکیّه را اطّلاع بشوند کیفیّت حسن جریان امور
وادارهٔ آنرا بخوبی تمیز و تفریق توانند کرد .
واز وظایف وزیر امور خارجه است که باسفرای دول خارجه شروع
به مکالمات نماید و تکلیفات و مستدعیات آنهارا استماع و با آنها
بنام دولت متبوعه و یا متبوع معظّم خود جواب داده و منافع طرفین را
مباحثه و تدقیق نماید والحاصل باید باسفرای دول خارجه باجرای
مکالمات مباشرت کرده و برابطهٔ خوبی مربوط دارد .
و نیز از وظایف مرجوعه بوزیر امور خارجه است که مصالحه و عهد
نامهای اتّفاق و تجارت راکه دائر بمصالح عمومیّه بوده و از طرف
حکمدار صادر و اعلان خواهد شد و مقاوله نامهائیراکه دائر به
تخطیط و تنظیم حدود است و اعلان نامه های جنگ و تحریراتی را
که متضمّن اسباب حرب است و تدابیر خصومت آمیز حکمدار راکه
درحق دولت دیگر حقّا اتّخاذ شده و جوابهائی راکه تحریرات رسمیّهٔ
خارجه داده خواهد شد و تحریرات سایره را باید خود بنویسد و یا اگر



بتحریران بنماید و از امور مرجوعه بوزیر خارجه است که اگر اوقات
در هنگام وقوع عقد ازدواج شاهزادگان اجرای مکالمات نمود
و در وقت وقوع تولدات و وفیات در خاندان حکمداری اگر از
طرف پادشاه نامه مخصوص نوشته نشود وزیر خارجه بدول خارجه
بیان و اطلاع بدهد در اکثر مملکتهای اروپا قونسولها در زیر ریاست
وزارت خارجه میباشند و حکم مأموریت اینها هم از طرف وزارت
مزبوره داده میشود اگرچه در بعض ممالک قونسولها مخصوصاً در زیر
ریاست وزارت بحریه هستند ولیکن تعلیمات و دستور العمل
آنها از طرف وزارت امور خارجه داده میشود .

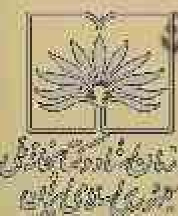
محافظهٔ اوراق و دفاتر دولت بعضاً از وظایف وزیر امور خارجه است
ولیکن علی العموم اوراق و دفاتر در زیر ادارهٔ وزارت عدلیه
و داخلیه است اوراق و تحریرات مهمه که دایر بمقاولات
و معاهدات دولیه بوده و کلیهٔ محررات که مخصوص مکالمات سیاسیه است
و تحریرات مأمورین دیپلوماتیکیهٔ وزارت امور خارجه که در
ممالک خارجه است و اوراق سؤال و جواب سفرائیکه در نزد



دولت متبوعهٔ او هستند باید در پیش وزیر امور خارجه محفوظ و مکنوز باشد.

هر دولتی با دولت دیگر رسوم و تشریفات مخصوصه دارد و مراسم و اصولیکه در القاب و تعبیرات رسمیه و در انشاء و تحریر مراسم محررات خارجیه که رعایت نمودن آن واجب است باید مجموعه مانندی شده و در خزینهٔ اوراق دولت موجود باشد.

پس از آنکه وزیر خارجه منصوب گردید باید مأموریت خود را بسفرائیکه در پای تخت دولت متبوعهٔ خود هستند و بایلچیها و قونسولهای دولت خود که در نزد دول سائره اقامت دارند تبلیغ و اشعار کرده و اگر ریاست مجلس را نیز حائز باشد در حین اجتماع رؤسای قوانین مجلس آنها نیز باید اطلاع بدهد وزیر مشار الیه پس از آنکه باشخاص لازمه اجرای تبلیغات نمود بملاقات ایلچیهای دول خارجه منتظر میباشد و بعد از آن سفرای دول خارجه را بشخصه بازدید کرده و مصلحت گذاران را فقط بارسال کارت ویزیت بازدید مینماید و سفرای کبار را که حائز صفت وکالت هستند



همان روزیکه بباز دید آمده اند ووزرای مختار وایلچیهای مقیم راهم
پس ازچند روز باز دید میکنند .
وزیر امور خارجه بجهة پذیرائی کسانیکه بملاقات خواهند آمد هفته
یک یا چند روز معین میکند ولیکن در هنگام لزوم غیر از ایام
واوقات معینه تحریرًا یا شفاهاً از ایشان وقت خواسته خواهش
ملاقات میشود .
وبرای اینکه وزیر امور خارجه مصالح امور خارجه را تواند رؤیت
وتسویه نماید اتخاذ وقرار اصول مذکوره از لوازم است ولیکن
در وقت خواهش ملاقات نمودن بعض اشخاص که اهمیت دارند
معلوم است که اصول تعیین وقت در حق این قبیل اشخاص بزرگ
مرعی الاجرا نتواند گردید وزیر امور خارجه در هنگام وقوع استعفای
خود باشخاصیکه نصب مأموریت خودرا تبلیغ واشعار کرده بود
در ازاء معاونتی که از آنها مشهود داشته اظهار تشکر وامتنان
کرده واستعفای خودرا اطلاع میدهد .



(فصل سیم)

(در بیان تشکیل وزارت امور خارجه است)

مستغنی از بیان است که وزیر امور خارجه شخصه بایفای کلیه وظایف شکلهٔ جسیمه که موکول بعهدهٔ اوست وفنش کافی نبوده فقط امور جاریه را بطور عموم نظارت و دقت تواند کرد چون وزیر امور خارجه اکثر اوقات از اعضای هیئت دولت بوده و شخصه تحریر محررات و رؤیت مصالح جاریه اختلاس و تحصیل وقت تواند نمود و اگر بجزئیات امور و مصالح یومیه نظارت و اعتنا نماید بهیئت عمومیهٔ امور و مصالحی که مأمور بمحافظهٔ آن است دقت و نظارت نتواند کرد لهذا لازم است که تنها محور امور را اداره نمود و باجرای یک نظارت مؤثره اکتفا کند و اجرای اوامر و تنبیهات خود را بمأمورینیکه در زیر حمایت خود دارد محول و موکول میدارد و هم مأمورین که در معیت او هستند منشی اول عمومی سرکاتب عمومی بوده و اگر وزیر مزبور مانعی داشته باشد سفرا را او پذیرائی کرده و محررات را امضا و مصالح جاریه را رؤیت و اظهارهای تحریرات را

نظارت و بکارهای مستخدمین دقت کرده و مطابقت نسخ تحریرات را
با اصول آنها تصدیق مینماید.
و لازم است که منشی اول عمومی وزارت خارجه یا باصطلاح دیگر معاون
و یا مستشار امور خارجه احاطه و آشنائی مخصوص بکارها داشته باشد
و کافه مصالح وزارت امور خارجه را بیکدیگر تطبیق و موافق اصول
پولتیک متخذه عمومی دولت براه بیندازد. وظایف مأموریت
معاون یا مستشار بکافه اقسام وزارت امور خارجه شامل خواهد گردید
بالعکس مدیرهای اطاقهای تحریرات تنها بکارهای تجارت و دعاوی
نظارت نموده و در معیت اینها نیز رؤسای تحریرات و مأمورین
جزو مستخدم خواهند گردید.
ترتیب و تنظیم مراتب این سلسله در صورت حسنه و دقت در انتخاب
و تعیین مأمورین بوظایف متنوعه از جمله موادی است که حسن موفقیت
وزارت امور خارجه را داعی و حاوی خواهد گردید و چون خارجاً حسن جریان
مصالح و امور موافق اقداماتی خواهد شد که از مرکز وزارت امور
خارجه نموده شود بنا علیه در داخله وجود بعضی از مشاورین که از صاحبان



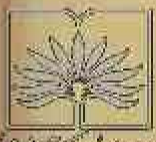
درایت و فطانت باشند عدم کفایت سفرا در ممالک خارجه مدار
وکافی تواند گردید وزیر امور خارجه علاوه بر مأمورین رسمیه محض نوشتن
محررات شخصی و تدقیق مصالح و امور یک منشی اول که مخصوص بخود
او باشد لازم خواهد داشت .

(باب دوم)

(فصل چهارم)

(در حق عموم سفرا است)

مأمورین دیپلوماتیک که از طرف حکمداری بحکمدار دیگر تعیین بشود
و یا آنکه بجهة مذاکرهٔ مصالح عمومیه به مجلس (کونفرانس) دولتیه فرستاده
شود و حامل اعتماد نامها و رخصت نامها بوده و بقاعدهٔ حقوق ملل مظهر
امتیازاتی باشد که عائد صفت رسمیت است ایلچی و سفیر اطلاق میشود
معافیات و امتیازات این سفرا از مباحث علم حقوق ملل است
اگرچه در این زمان محض اجرای رسم و اصول ارسال سفیر بمأموریت
مخصوصه مسبوق است ولیکن از وقتیکه اصول ارسال سفیر و اقامت
دائمهٔ آن در نزد دولتها اتخاذ کرده شده است وظیفه و تکلیف



سفرائیکه در نزد حکمدار و یا حکومت معیّن میشوند مخصوصاً دقّت به بقای حسن اتّفاق و اتحاد طرفین و حمایت و بصاحب تبعهٔ دولت متبوعهٔ خود بوده و بیان و اظهار کافهٔ منافع مهمّه ایست که بدولت خود راجع خواهد گردید ..

(فصل پنجم)

(در بیان ارسال سفرا است)

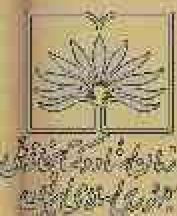
چون ارسال و قبول سفرا بحکمداران مخصوص است این حقوق را حکومات مستقله مظهر توانند شد و حکوماتیکه نیم مستقل هستند تا از دول متبوعهٔ خود استحصال رخصت نمایند نمیتوانند قبول و یا ارسال سفیر نمایند اگرچه در ممالک خارجه بعضی کومپانیهای حرف و صنایع مأمور روانه میدارند ولیکن هرقدر درجات و حالات آنها عالی باشد صفت رسمیه را حائز نگردیده در حقّ امور و مصالح خودشان بسفیر دولت متبوعهٔ خود که در انجا است مراجعت مینماید و بسفیر فرستادن حکومات متفقّه بیکدیگر و بممالک خارجه بنسبت بدرجه اتّفاق و اتحادیست که درمیان انها حاصل است



اگرچه دولت و حکومتهائیکه در یک هیئت متفقه هستند حق و صلاحیت آزادارند که نزد یکدیگر سفیر ارسال نمایند ولیکن بتعیین و اعزام سفرا بممالک خارجه عائد بمرکز آن هیئت بوده و باینکه این امر درمیان آنها در حکم قاعده عمومیه شده بود از مصالحه (وستفالیه) باینطرف چون حکومتهائیکه بهیئت اتفاقیه آلمان داخل شده اند حائز حقوق سفارت هستند بناء علیه کافه آنها سفیر اعزام و ارسال مینمایند .

اگرچه بالفعل هیئت متفقه آلمان حق و صلاحیت آزادارند که سفرا ارسال و قبول نمایند ولیکن جمعیت عمومیه که (دیت) نامیده میشود در ممالک خارجه درصورت دائمه سفیر نداشته فقط در سال هزار و هشتصد و شصت و چهار از طرف جمعیت مذکوره (بارون دبایست) بمأموریت فوق العاده بمکالمات مجلس لندن مأمور و اعزام گردیده است .

در تاریخ هزار و هشتصد و چهل و هشت درهنگامیکه پارلمنت آلمان بتشکیل و تنظیم هیئت متفقه تشبث میکرد شخص اول حکومت امپراطوری حقوق فرستادن



سفرا را بممالک خارجه غصب و تصرف نمود .

در جمهوریت فلمنک قدیم که بنام ایالات مجتمعه مشهور بود حقوق سفارت مخصوص بحکومت مرکزیه بوده فقط ایالات (هولاند) و (سیلاند) بتقدیم کردن سفرا به مجلس جمهوریت مظهر امتیاز میشدند اوقاتیکه جمهوریت اسویچره از اتفاق بعض ایالات مختلفه عبارت بود هر یک از ایالات به تنهائی حق و صلاحیت فرستادن سفیر را داشت و هیئت متفقهٔ مذکوره را در ممالک خارجه در صورت دائمه سفرائه بوده و اگر ارسال سفیری از جانب هیئت مزبوره بنزد دولتی اقتضا میکرد از طرف ایالات متحده یک مبعوث و یا مبعوثین متعدده تعیین و ارسال میکردید .

حتی در سال یکهزار و ششصد میلادی از پادشاهان فرانسه (هنری) چهارم هیئت سفارتیکه عبارت از سی و نه مرد بود فرستاده شده بود .

مثل این سفرای دول خارجه که در اسویچره بودند هم بمجلس عمومی هیئت مذکوره که (دیت) گفته میشد و هم خطاب بهر یک از ایالات متحده اعتمادنامهای متعدده را حامل میشدند و چون از تاریخ یکهزار و ششصد و پانزده هیئت مذکوره صلاح و تنظیم شد ارسال سفیر



بهیئت مرکزیه واگذاشته شد بناءً علیه در پاریس و وین باقامت
و تعیین یک ایلچی قرارداده شد و باهمهٔ اینها ایالات متحده حقوق
عقد و امضای معاهدات را با دول خارجه محافظت نمود .
بموجب نظامنامه که در تاریخ هزار و هشتصد و چهل و هشت هیئت
متفقه را تاسیس و تشکیل نمود کلیّةً ارسال سفرا از جانب ایالات
لغو و باطل گردیده و این حق بحکومت مرکزیه واگذاشته
گردید .
بحکم نظامات اساسیهٔ موضوعهٔ حکومات مجتمعهٔ جمهوریت
آمریک هیچ یک از حکومات متفقه تا از جانب جمهور مشارالیه
موافقت و رغبت نشود نمی توانند با حکومات داخلهٔ در جمهوریت
و دول خارجه عقد اتفاق و معاهدات و مقاولات نمایند و چون
عهدنامهٔ حمایت مغایر حقوق استقلالیت نیست حکومتی که
حمایت کرده میشود تا از حقوق ارسال سفیر بالصراحه فراغت
ننماید حق مذکور را از خود سلب نتواند کرد در باب پنجم و ششم
قسم اول کتابیکه (واتل) نام مؤلف دار الحقوق ملل

نوشته

نوشته است بوجه آتی مذکور گردیده است

اگر حق و صلاحیت حکومتی در ارسال و قبول سفرا مشکوک بشود

و یا آنکه نظر باحوال پولتیکیه در این امر محذورات و مشکلات

مشاهده گردد آن حکومت میتواند بعض مأمورین که صفت رسمیهٔ

سفارت را حائز نباشند قبول و ارسال نماید

(استطراد) و از این قبیل است مصلحتگذار انگلیس که در روما

اقامت دارد با اینکه صفت سفارت را حائز نیست باز باقتضای

احکام حقوق ملل مظهر امتیازات اصلیهٔ خود میگردد

در محاربهٔ اخیره که در آمریک درمیان جنوبیها و شمالیها واقع گردید

دولتهای انگلیس و فرانسه تبلیغات واقعهٔ مأمورینی را که از طرف

جنوبیها فرستاده شده بود من غیر رسم قبول نمودند . انتهی

ارسال و قبول سفیر فقط مخصوص حکمداران بوده و صورت اجرای

این وظیفهٔ حکمرانی مربوط باحکام و قوانین و نظامات موضوعهٔ

اساسیهٔ مملکت است

(استطراد)



حکّام ولایات جسیمه وسرداران اردو که در اقطار بعیده واقع

میشوند حق وصلاحیت آن را دارند که بعضا از طرف دولت

متبوعه خودشان در ارسال ایلچی وخاصّةً در قبول آن وکالت

نمایند .

مثلا در ایّام ماضی ولات مملکتهای فلمنک وسیچلیاتین

که بدولت اسپانیا تابع بودند وحکّام مستملکات دولت پورتکیز

که در آسیا وامریکا اقامت داشتند حقوق قبول وارسال

سفرا را مظهر میشدند وقونسول ژنرالهای دول معظمه که در ممالک شرقیّه

وآمریک وممکتین اقامت دارند بالفعل صفت مأموریت

پولیتیکیه را حائز هستند . (انتهی)

هیچیک از دولتها مجبور نیست که بنزد حکومت ویا دولتی سفیر

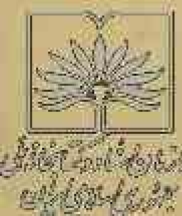
ارسال نماید مگر اینکه معاهده نامهٔ مخصوصی داشته باشد .

چون ارسال وقبول سفیر از حقوق اصلیّهٔ حکومت بوده در حالتیکه

مسند حکومت از وجود حکمران خالی بماند ویا انکه شخص حکمدار در حالت

طفولیت وصباوت باشد ویا در محاربه اسیر بشود ویا انکه هنل

جـ



جورج سیم از پادشاهان انگلیس و فردریک چهارم از حکمداران روس بقوهٔ عقلیهٔ حکمدار ضعف و خلل طاری شده و از اجرای حکومت موقتاً کف نفس نماید در این قبیل اوقات اجرای حقوق مذکوره بعهدهٔ مراقبت و اهتمام هیئتی عاید میشود که زمام اختیار امور را در دست داشته باشند جمهوریت قدیم لهستان که مسند حکومت از وجود پادشاه خالی بود سفیر ارسال و قبول کرده است .

اگر حکمدار در سن طفولیت بوده و یا آنکه هیئت وکالت در حالت ضعفیت باشد باز عهود و سندات و اعتماد نامها و محررات سایره که عائد به حقوق حکمرانی است بنام حکمران امضا و اعلان کرده میشود .

حکمدار در مدت نزول و خلع از مسند حکومت و یا اسارت در اثنای محاربه نمیتواند سفیر قبول و ارسال نماید مثل اینکه حکمدار مشروعی که از مقام حکومت خود منفک شود قاعدةً از حقوق ارسال و قبول سفیر ساقط نیست حکمداری هم که بالقوه بمسند حکمداری تعود نماید این صلاحیت را اجرا توانه نمود در این امر با مثال عدیده

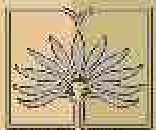


خود در تواریخ از حالات محققه و ثبته است .

باین جهة است که قبول کردن دولتی سفیر دولت آخر را بسفارت ثابت میکند که از طرف آن دولت که سفیر بجانب او فرستاده شده است بحکومت شناخته گردیده است .

آیا بنزد حکومتی که در مملکتی بالقوة متشکّل میشود سفیر فرستاده شده و سفرای آنرا قبول کرده و آنچنان حکومت را میتوان شناخت و یا با حکمدار سابق آن که مشروع شمرده میشود کمافی السابق مناسبات دولیه مداومت توان نمود و یا اینکه هیچیک ازین دو شقّ را بهمدیگر ترجیح نداده با حکومتی که بالقوّه تأسیس یافته و با حکومت مشروع قطع مناسبات لازم است درحق این خصوصات لازم است که هر دولتی قراری علیحده اتّخاذ و قبول نماید ولاکن هیچ دولت سفیر حکمدار مخلوع را با سفیر حکومتی که در اجرای حقوق حکومت قایم مقام آن حکمدار است در عنوان و سمت رسمیه برابر و یکسان نمیتواند شناخت حرکتی که عکس این امر باشد باعث حدوث مشکلات عظیمه و شکایات محقّه میگردد .





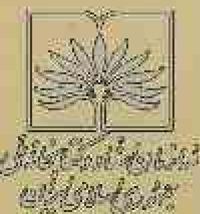
(استطراد)

در سال هزار و هشتصد و شصت و یک که دولت انگلیس دولت ایطالیا را تصدیق کرد (لورد رسل) که آنوقت وزیر امور خارجهٔ دولت انگلیس بود به مصلحت گذار دولت ناپولی که آنوقت در لندن اقامت داشت در بیستم شباط مینویسد که بعد از آن بوحی الیه بصفت وکالت دولت مستقل نخواهد شناخت (انتهی) نشناختن دولتی صفت و حقوق ملک داری دولتی را موجب انقطاع مناسبات دولتیه میگردد.

(استطراد)

مثلا در سال یکهزار و هشتصد و شصت و یک که سفرای دولتهای (باویرا) و (ورتمبرغ) و (مکلمبورغ) که در فرانقفورت اقامت داشتند از نشناختن دولت ایتالی گفتگو نموده تبلیغات واقعهٔ (قونت بارال) سفیر دولت مشار الیها را قبول نکردند (کنت گاوور) وزیر امور خارجه دولت ایتالی هم قونسلهای دول مشار الیهم را که در ایتالیا بودند نشناخته و اسناد اجرای مأموریت آنها را که حامل بودند از مشار الیهم استرداد نمود





(انتهی)

در حالتی که بقاء محافظهٔ مناسبات دولیه التزام کرده شود
به بعضی وسایط متنوعه مراجعت میشود .

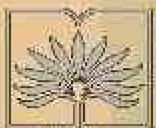
(استطراد)

هنگام اجرای رسم تاجگذاری گلیوم پادشاه پروس که دولت
مزبوره هنوز دولت ایتالیا را تصدیق نکرده بود جنرال
دللا روقه از جانب دولت ایتالیا به تهنیت تاجگذاری
مأمور گردید چنین قرار داده شد که پادشاه پروس اورا
مثل سفیر شخص ویکتور امانوئل قبول نماید)

(قونت بارال) که از طرف پادشاه ساردین به صفت
سفارت بفرانقفورت فرستاده شد اگرچه دولت ایتالی را
سنه حکومت آلمان تصدیق نمود معهذا امشار الیه تا سال ۱۸۶۵
درفرانقفورت اقامت داشت .

هنگامیکه ببرلین سفیر تعیین میشد چون رئیس (دست) آلمان
اعتماد نامههای سفیرا که از طرف ایتالی فرستاده میشد

قبول



قبول نمیکردند ناچاره بجای (قونت بارال) مزبور سفیر دیگر معیّن نشده

درصورت موقتّه مصلحت گذاری معیّن گردیده و بمعرفت کُنتِ

مشارالیه بحکومت تقدیم کرده شد.

فصل ششم

در بیان حقوق ومجبوریّت قبول سفراست

چنانکه در فصل پنجم ذکر شد هریک از دول مستقلّه حق وصلاحیّت

قبول سفرای خارجه را دارد مگر اینکه عدم قبول سفیررا بدولت آخر تعهّد

نماید همین قدراگرچه دولتی که صلاحیّت قبول سفرارا دارد تا بموجب

معاهده نامه متعهّد نشود نمی تواند که سفیر قبول ننماید و مجبور نیست که

موقّتاً اقامت سفرای دولت دیگر را در مملکت خود رخصت بدهد

(استطراد)

ازاین قبیل است باوجود سفیرداشتن دولتهای روس وپروس در

روما تاحال ازطرف پاپ ایلچی قبول نکرده اند.

درسال ۱۸۵۴ میلادی مسیو (سوله) که ازطرف حکومات مجتمعهٔ

آمریکا به (مادرید) پای تخت دولت اسپانیا سفیر معیّن شده بود



به اقامت چند روزهٔ او در پاریس از طرف دولت فرانسه رخصت داده نشده حتی تا عدم توقف خود را در عرض راه تعهد نکرد بعبور از فرانسه اذن و رخصت ندادند . (انتهی)

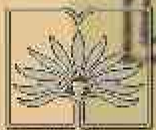
چون تعیین و ارسال ایلچیهای مقیم الیوم در یک صورت قوّیه تأسیس کرده است با اینکه حکمداریکه او را فرستاده است تصدیق کرده شود باز مقبول نشدن سفیر از جانب دولتیکه به نزد او فرستاده شده منوط بایراد و بیان سببهای موجّه است

(استطراد)

چون استماع و قبول تبلیغات واقعه سفرا از مقتضیات اصول موضوعهٔ دولتیه است اگر دولتی در قبول کردن سفیری در داخل مملکت خود محذوراتی قوّیه مشاهده نماید در این هنگام برای این قسم سفیر در حد حد محلی تعیین کرده و محض اطلاع به تکلیفات واقعهٔ آن مأموری بنزد او تعیین و اعزام مینمایند



در فصل شصت و پنجم باب چهارم کتاب حقوق ملل و از نام مؤلف این قسم نوشته شده است (انتهی)



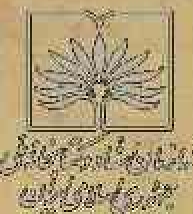
اگر دولتی در قبول مأمورین دیپلوماتیک دولتی دیگر موافقت نماید
میتواند که به بعض شرایط و قیود مشروط دارد همچنین همهٔ دول تبعهٔ اصلیّهٔ
خودشان را در نزد حکمدار خودشان بصفت سفارت نشناخته
ولیکن بشرط تبعیّت بقوانین و نظامات مملکت قبول اظهار العنوان
مصلحت گذاری از اصول و قواعد متخذه معدود داشته اند .

(استطراد)

در شهر (فرانقفورت) که مرکز حکومات متحدهٔ آلمان بوده و اکنون
منفسخ است به مجلس کبیر آنجا از اهالی همان شهر سفیر تعیین و ارسال کرده
مجلس مزبور عدم قبول آن سفیر را بیان و اعلان نمود .
ولیکن در حق کسانیکه بممالک خارجه عزیمت نموده و در آنجا تبدیل
تابعیّت کرده و بجرگهٔ اهالی اصلیّهٔ آن مملکت درآیند قاعدهٔ مزبوره
جاری نخواهد گردید چنانکه مقبول شدن دو سفیر که عن اصل فرانسه بوده اند
از دولت فرانسه مشهود گردیده است .



یکی از اینها سفیر دولت روس (قونت پوزودی بورغو) و
دیگری وزیر مختار دولت باویرا (قونت دوبری) نام است



اگر حکومات صغیرهٔ آلمان در (وین) از اهالی اوستریا ایلچی دارند

تا سال هزار و هشتصد و پنجاه و پنج مستر انگلیس از طرف شهرهای

(ولفهون) و (آلشه اتیق) در لندن مصلحت گذار بود و

مسلم است که اینچنین ایلچی حکومت دیگر در هر خصوصی که بمأموریت

او عائد نیست بقانون مملکت خود تابع خواهد گردید . (انتهی)

رتبهٔ سفری که از طرف دولتی ارسال شده است باعث عدم

قبول آن از طرف دولت مرسول علیه تواند شد چون از

لوازم است که هر دولت مستقل بعدم مداخلهٔ دولت دیگر در

امور داخلیهٔ آن اعتنا و دقت نماید لهذا هیچ دولت مجبور نیست

سفرای پاپ را که حائز امتیازات و حقوق مذهبیه بوده و مخل اجرای

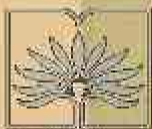
استقلالیت و حامل تعلیماتیکه مضر نظامات مملکت باشد

قبول نماید .

(استطراد)

چون جناب پاپ لقرال دانمارق و حکمدار اینکه در مذهب [illegible]

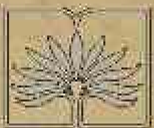
بودند صفت اولادیت داده و در ادعای مرتبت روحانیه بود



سفرای پاپ مشارالیه در نزد حکمداراینکه در مذهب پروتستان بودند
مقبول نگردید مقدّماً در حالتی که باقتضای احکام قوانین موضوعهٔ انگلیس عقد
مناسبات باجناب پاپ ممنوع بود در تاریخ یکهزار و هشتصد و چهل و سه ۱۸۴۳
میلادی بموجب قرار پارلمنت انگلیس این ممنوعیت لغو و ابطال شد
ولیکن اصول اینکه نباید اززمرهٔ رهابین احدی بصفت سفارت مقبول کرد
ابقا گردید در فرانسه ازسفرای پاپ نامهائیکه بموجب معاهده نامهٔ
مذهبیّه رخصت کاملهٔ آنها محدود و معیّن شده است در اول امر مطالبه
بشود (انتهی)

غیرازاین قیود و شروط چون مخصوص لشخص سفیر نیز بعضی قیود و شروط است
یک دولت سفیر دولت دیگر را که ازروی حسن مناسبات بوده است
مقتدر است که باعتذار فقدان آن قیود قبول ننماید چنانکه یک ایلچی که
مأمور در نزد دولتی است محض برای منظوریّت او بحرمت و رعایتی که
لازم صفت رسمیّت است باید ازارباب حیثیّت و اعتبار بشود
بناءعلیه اگر حکمداری در حق سفیری اظهار نفرت نماید اصرار کردن
در قبول آن خطا و ناپسندیده است و اگر برای بعض حالات مخصوصه





در قبول ایلچیان سفیر اجبار کرده شود چون این امر در حق آن دولت اجرای یک تضییق معنوی است معلوم است که ایلچیان مأموری در نزد دولت مظهر حرمت و رعایت نشده و بحسن ایفای امور موکوله خود مقتدر نخواهد گردید .

اگرچه برای بعض حالات ضروریه سفیر قبول میشود ولیکن چون این موافقت و قبول ضروریّ الوقوع است علاوه برآنکه بحسن جریان و تمشیت امور و مصالح جاریه مضر خواهد گردید و بشأن حکمداری هم که از طرف او وکالت دارد میکاهد .

حرمت و رعایت دولتی در حق دولت دیگر که مناسبات ودادیه با او دارد حکم و تأثیر آنرا نخواهد داشت که فرستادن سفیری را نزد او برأی و انتخاب آن دولت احاله نماید ولیکن محض برای آنکه در آتی محذوری واقع نشود سفیری را که معین شده است بدولت مرسول الیه میتواند ایما و بیان نماید و این فقره از عادات جاریه شده است آن دولت نیز تعیین همین سفیر و انتخاب دیگر را میتواند بیان و آرزو نماید و دولتی هم که نزد او سفیر فرستاده میشود میتواند

انتخاب دیگری را ترجیح داشته در ابتداء بیان و اظهار دارد و در تبلیغ

و بیان تعیین سفیری بنزد دولتی که فرستاده میشود بهیچوجه مراسم وصول نیست

(استطراد)

در ایام ماضی در میان دولتهای اوستریا و اسپانیا و پرتگیز و روما

در خصوص قبول سفرای پاپ رسم مخصوصی بوده مثلا پاپ هر وقت

که بدول مشارالیهم سفیر میفرستاد اسم سه شخص را در قطعه کاغذی نوشته

و ارسال میکرد حکمداری که سفیر نزد او فرستاده میشد از این سه شخص

دلخواه خود را انتخاب و قبول مینمود . (انتهی)

حکمداران در خصوص تعیین سفرا نادراً مداخله مینمایند .

بعض اوقات سفیری که عزل شده و یا مصلحت گذار موقتی سفیری را

که تازه معین شده است بدولتی که در نزد او مقیم خواهد بود معرفی

می کند .

و بعضاً هم وزیر امور خارجیه سفیری را که فرستاده خواهد شد بسفیر یکه

نزد اوست اخطار و بیان مینماید .

در حق سفیر یکه معین خواهد شد از طرف دولتی که بنزد او فرستاده

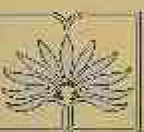


میشود بیان بعض مطالعات محض برای اینکه بشأن دولتی که سفیر میفرستد نقصانی وارد نیاید شفاها مذاکره میشود .

(استطراد)

اگرچه کافهٔ دول سفیر را که میفرستد قبول و عدم قبول او را از دولتی که نزد او میفرستد استمزاج مینمایند و لیکن در این باب دولت انگلیس مستثنا بوده در صورت عدم قبول سفیر یکه میفرستد بیان و ایضاح جهات آن را از دولت مرسول الیه مطالبه مینماید و اگر از طرف دولت مرسول الیه در حق آن سفیر چیزی گفته شود که عدم وثوق و امنیت او را بفهماند دولت انگلیس قبول نکرده اظهار بعض اسباب و دلایل قویه را که مستند بحرکات سابقهٔ آن سفیر باشد ادعا نموده و سفیر معین نمی نماید و امورات سفارت را موقتاً بمعرفت سر کاتب اداره میکند .

در تاریخ یکهزار و هشتصد و سی و دو امپراطور روس سفیر انگلیس (لورد استراد فورت کانینغ) را قبول نکرده در پطربورغ سفارت انگلیس خالی ماند در سال ۱۸۳۵ که (لورد پالمرستون) از وزارت خارجه انفصال نموده و بجای او (دک ولینگتون) منصوب و معین



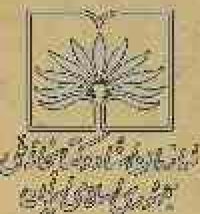
گردید آنوقت به پطربورغ سفیر فرستاده شد . (انتهی)

اگر دولتی که سفیر میفرستد اخطارات واقعهٔ دولت مرسول الیه را اصغا نماید آنَدولت حق و صلاحیت آن را دارد که عدم قبول آن ایلچی را به صفت سفارت بالتصراحه بیان نماید اگرچه رد و عدم قبول مبتنی باسباب مهمهٔ پولیتیک نبوده ولیکن بی مآل خواهد بود زیرا که اجرای اینچنین تدبیر باعث قطع مناسبات دولیه میشود .

(استطراد)

در سال هزار و هفتصد و پنجاه و هشت میلادی سفیری که از طرف دولت انگلیس بشهر (استوتولوم) پای تخت دولت اسوج فرستاده شد مقبول نشده مجبور بمعاودت گردید هم چنین در سال ۱۷۹۲ قرال ساردینیا سفیر فرانسه مسیو (سیمونویل) را قبول نکرد در سال ۱۱۲۰ قرال ساردینیا بارون (دومارتنس) سفیر پروسیا را باعذر اینکه زوجهٔ آن دختر یکنفر قاتل فرانسوی است قبول نکرد .

در سال ۱۸۴۷ قرال (هانوور) (قونت وشتالین) سفیر پروسیا را بعذر و بیان اینکه از مذهب قاتولیک است رد نموده است



(انتهی)

فصل هفتم

(در بیان درجات مختلفهٔ مأمورین دیپلوماتیکیه است)

اگرچه اکثر اوقات درجهٔ که سفیر باید حائز آن شود برأی و اختیار دولتی که او را میفرستد منوط است ولیکن چون درجات مختلفهٔ سفرا بموجب مراسم و تشریفات دیپلوماتیکی است که بین الدول مراعات کرده میشود و این رسوم و تشریفات متفاوت بوده و بجهة اینکه هر دولت در حق هر سفیری که قبول مینماید در اجرای مراسم و اعتبارات آن مختار است بعض اوقات رای و اختیار دولتی در تعیین درجهٔ سفیری که ارسال مینماید محدود و معین است .

حق فرستادن سفرای کبار علی العموم مخصوص تاجداران و حکمداران است نسبت که حقوق و تشریفات پادشاهی را حائز است و بجماهیر کبیره و به پاپ که صفت حکمداری جسمانی داشته باشد اختصاص دارد .

(استطراد)

دولتیکه مالک تشریفات پادشاهی است بدولتهائیکه حائز این



تشریفات هستند تقدّم مینماید جمهوریهای اندیک وجوه سفرای کبار میفرستاد فی زماننا هذا بزرگترین جمهوریتها که ممالک متحدهٔ آمریک است وزیر مختار را مأمور مینماید . (انتهی)

دولتی که حائز رسوم و تشریفات پادشاهی باشد از طرف جماهیر صغیره و حکومتهائیکه الیوم نیم استقلالیّت دارند سفرای کبار قبول نمی نمایند .

(استطراد)

در زمان (لوئی فلیپ) قرال فرانسه ایلچیهای مقیم و مصلحت گذاران والیهای بزرگ قبول شده و اگر از طرف آنها وزیر مختار فرستاده میشد مقبول نمی افتاد . (انتهی)

در حالتی که یکدولت سفیر کبیر دولتی را قبول نکرده و در ان باب اعتراض نماید خود آندولت در فرستادن سفیر کبیر نزد آن دولتیکه سفیر کبیر او را قبول نمینماید احتراز و دوری میکند .

باقتضای قاعدهٔ مقابله بالمثل حکمداریکه از یکدرجهٔ معلومه سفیر قبول نمینماید نزد آن دولتیکه سفیر میفرستند باز از همان درجه



ایلچی باید مأمور کنند

بجهة مذاکرهٔ بعض مصالح مخصوصه و برای ایفای یک مأموریت بزرگ رتبهٔ سفیر ترفیع میشود یعنی بیک مصلحت گذار و بیک ایلچی مقیم رتبهٔ وزیر مختاری اعطا میگردد .

(فصل هشتم)

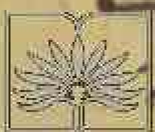
(در بیان مقدار سفرائی است که مقبول خواهند گردید)

خواه هرکدام یک مأموریت مخصوصه داشته باشند و خواه همه بجهة مذاکرهٔ یک مطلب مأمور شوند هر دولت حق و صلاحیت آنرا دارد که نزد دولت دیگر سفرای متعدده تعیین و ارسال دارد این حق و صلاحیت که بقاعده و اصول ممتنع الاعتراض است در مکالمهٔ مجلس مصالحه و یا در بعض مکالمات مهمهٔ دولیه و سایر احوال استثنائیه مجری میشود سفرای مزبوره کافة صاحب یکدرجه و یا مراتب مختلفه توانند شد .

(استطراد)

سفرای مزبوره در حالتیکه از یکدرجه باشند از طرف دولتی که مأمور





هستند در حق اینها اصول تشریفات در یکدرجهٔ متساویه مجری میشود در
ایام قدیمه در آلمان مخصّص انتخاب و تتویج شخصی که میخواست بمسند
حکمرانی صعود نماید از طرف منتخبین به جمعیّت عمومهٔ انتخابیه سه
یا چهار نفر سفیر فرستاده میشد و همهٔ اینها در (ویَن) منظر حقوق
متساویه هستند در کونگرهٔ (وِیَن) دولتهای فرانسه و انگلیس چهار
و دولتهای پرتکز و روس سه و دولتهای اوستریا و پروسیا دو نفر
سفیر مرخص داشتند در سال ۱۸۵۶ به مجلس مکالمهٔ که در پاریس منعقد
گردید از طرف هر دولتی دو نفر سفیر مرخص معیّن گردیده بود (انتهی
بمجالس مکالمهٔ دول معظمه اکثر اوقات وزرای امور خارجه را سفیر
مرخص اوّل و سفرائی را که در نزد دولتی که محلّ اجتماع مجالس مکالمه است
بصفت سفیر مرخص دوم تعیین و اعزام مینمایند و چون نظارت
یکی از مرخّصین بصورت جریان مذاکرات و مکالمات از لوازم است
و بایفای اینچنین وظیفه مهمه بجز وزیر امور خارجه الیق و سزاوار
پیدا نتواند شد بناءً علیه قاعده و اصولیکه مذکور گردید الحق موافق
عقل و حکمت خواهد بود .



(استطراد)

(دیکفور) نام میگوید (که بمکالمهٔ مجلس مصالحه که در تاریخ ۱۶۴۸

میلادی در شهر (مونستر) پروسیا منعقد گردید از طرف حکومات

مجتمعهٔ فلمنک قدیم هشت ایلچی فرستاده شده بود لیکن نمیدانم که آیا

اینها مصالح مأمورهٔ خود را در حسن صورت ایفا نمودند یا خیر چون

دو نفر از این ایلچیها مقدّما چند دفعه بمذاکرات و مکالمات مأمور

شده بودند میخواستند که برفقای دیگر خود تقدّم و برتری نمایند) انتهی

در اوایل محض اینکه در مراسم عظیمهٔ ازدواج و تتوّج حکمداران حضور

داشته باشد سفرای متعدّد فرستاده میشد ولیکن این اوقات غالبا

یک سفیر اکتفا کرده میشود.

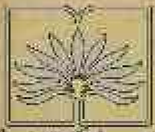
مثل اینکه بعض دولتها از قبول سفرای متعدّده که از درجهٔ اولی هستند

امتناع میکردند بعض دولتها هم بالعکس در تعدّد سفرای مرسوله

اصرار نموده اند.

وچون معلوم است که اگر از جانب دولتی برای مأموریت دائمه

سفرای متعدّد فرستاده شود در میانه آنها رقابت و محاسدت



حاصل شده و بحسن ایفای امور مأموره خودشان مظفر خواهد گردید
لهذا برای اینچنین مأموریت ارسال سفرای متعدد نادر الوقوع است

(استطراد)

در زمان ماضی جمهوریت وندیک برای تبریک قعود یک
امپراطور و یا یک قرال بمسند حکومت دو نفر سفیر سفیر میفرستاد و
بجناب پاپ چهار ایلچی هم فرستاده است حکومات متحده
فلمنک قدیم صعود قرالهای انگلیس را بمسند حکومت بواسطهٔ
سه نفر ایلچی تبریک و تهنیت مینموده است در سال ۱۷۴۱ میلادی
دولت فرانسه در رسم تتوج امپراطور آلمان که (قارلوس هفتم)
بود سفرای متعدده را که از طرف یک حکمدار منتخب فرستاده شده
بود نخواسته است قبول نماید ولیکن بعد برای اینکه یکدفعه بوده و
تکرر نخواهد داشت آنها را پذیرفته است .

در ازمنهٔ سابقه پاپها که بمسند حکومت روحانی متمکن میشدند
برای عرض مطاوعت نمودن حکمدارانی را که در آئین قتولیک
بودند مطالبهٔ ارسال سفیر و در این باب اصرار میکردند .



چنانکه امثال عدیده‌ای مضبوط در صحایف تواریخ است برای
تضیه نیز سفرای متعدد فرستاده میشود در سال ۱۶۸۵ میلادی
از طرف جمهوریت جنوه به (لوئی) چهاردهم قرال فرانسه
و در ۱۷۰۹ بجهة تحقیری که در لندن برای سفیر دولت روس
واقع شد بملاحظه اعطای ترضیه لازمه از طرف دولت انگلیس
(موسقو) سفرا مأمور و ارسال گردید .
اگر چه حال سفرای متعدده بمأموریت دائمه فرستاده میشود
ولیکن دولتهای روس و پروس نزد همدیگر هم سفیر عسکری و هم
پولیتیکی مأمور و اعزام مینمایند . (انتهی)
اگر دولتی بخواهد در مملکتی در حق یک مادهٔ مخصوصه اخذ معلومات
نماید در معیت سفیری که خواهد فرستاد یکنفر آتشه و یا یک
معاون تعیین مینماید که اینها مستقیماً با دولت متبوعهٔ خودشان
مخابره مینمایند .

(استطراد)

مثل اینکه دولتهای اوستریا و فرانسه در برلین که مقر حکومت

پروسیا است از آتشه های عسکری مامور دارند دولت پروس هم در پاریس و وین مامورهای عسکری دارد دولت روس برای امور و مصالح تجارت در برلین یک مامور مخصوص دارد .

(انتهی)

چنانکه اکثر اوقات یک سفیر نزد چند دولت مامور میشود اکثری از حکمداران هم مشترکا در نزد یکدولت سفیر دارند .

(استطراد)

در آلمان سفیر بودن یک شخص بنام یکدولت در نزد دولتهای متعدد کثیر الوقوع است ایلچیهای (بلجیک) و (اسوج) و (ورتمبرغ) و (باد) و حکومات سائره که در برلین اقامت دارند در نزد دولت (ساقسونیا) نیز بصفت سفارت مامور هستند بر حسب قراری که در هیجدهم آغوست سال ۱۸۵۶ داده شد بسفرای حکومات متحده جمهوریت امریک علاوه بر آن ماموریت هرگاه سفارت یکدولت دیگر نیز داده شود سفرا برای آن ماموریت نصف معاش میگیرند .



چون از طرف جمهوری (بوینوس ایرس) که در امریکای جنوبی
واقع است بدولتهای فرانسه و انگلیس یک سفیر معیّن شده
بود بناء علیه دولت انگلیس نخواست اینچنین سفیر را که بدو دولت
معیّن شده است قبول نماید در این باب ارائهٔ مشکلات
نموده و (لورد) کابنغ گفت که جداگانه سفیر خواستن برای
دولت انگلیس از رسوم تشریفات و فرط مراعات نیست .
دیگر پس از آن دولت انگلیس در آن خصوص ایقاع مشکلات نکرد
از طرف حکومات عدیدهٔ امریک بلندن و پاریس تنها یک
سفیر فرستاده شده است مثل اینکه از طرف یک دولت
بجانب دول چند یک سفیر فرستاده میشود چند حکومت
هم متحداً به نزد بعض دولتها می توانند یک سفیر فرستاد .
مثل اینکه خواه در برلین و خواه در وین (بر و نزدیک) (ناسو)
و (تورنج) و (التنه ایتق) حکومات صغیرهٔ المان یک
سفیر دارند . (انتهی)

(فصل نهم)





(در بیان صورت انتخاب سفرا است)

مقدم از هر چیز لازم است سفیری که معین میشود باید از کسانی باشد که بتواند وظایف سفارت را ایفا نماید و در هر جا نجابت و دیانت و ثروت و سامان و این قبیل احوال مخصوصه در خصوص تعیین سفیر حکم و تأثیر داشته اگر چه اینها از قبیل جزئیات است ولیکن از اسبابی است که مستلزم حصول موفقیت بر وظایف موکوله او است .

مثل اینکه پاپ تا حال مجری داشته است بعض حکمداراینکه در آئین قتولیک هستند فقط از کسانی سفیر انتخاب و تعیین مینمایند که در آئین مزبور باشند بر عکس این جمهوریت قدیم وندیک اصلاً مأموریت سفارت بگروه ربابین توجیه و محول نکرده است (ویکفور) نام مؤلف گفته است کسانیکه از اولاد و احفاد محروم هستند بدان جهة مملکتی را که وطن خود میشمارند بالطبع میل و محبت نخواهند داشت و کسانیکه ارتباط بکلیسا ها دارند از اتباع یک دولت خارجی معدود میشوند)



همانا عدم تعیین سفیر جمهوریت قدیم و ندیک از گروه رهابین مبنی بدین سبب بوده است

بسفارت مأمور شدن بعضی از زنها در تواریخ دیده شده است فقط در حال حاضر مدنیت و اخلاق تکرر وقوع این قبیل مادهٔ استثنائیه مشکوک و غیر محتمل الوقوع است .

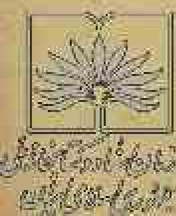
(استطراد)

خیلی از زنها مأموریت سفارت را ایفا نموده اند .

چنانکه والدهٔ فرانسوای اول از قرالهای فرانسه و دشس بزرگ فلمنک قدیم بصفت سفرای مرخص عهدنامه (قامبری) را که معروف به (مصالحه نسا) است عقد و امضا نموده است

در عهد حکومت شارلکن دوم از قرالهای انگلیس دشس (اورلیان) در میان دولتهای فرانسه و انگلیس بعقد و امضای عهدنامه موفق شده اند که از نتیجهٔ عقد این عهدنامه دولت فلمنک از اتفاق دولت انگلیس مهجور شده است .

حقیقة زنیکه سفیر تعیین شده است فقط مترو که مارشال (کبریان)



نام شخص بوده مشارالیها در سال ۱۶۴۶ از طرف (لوی) چهاردهم قرال فرانسه بطرف (ولادیسلاو) چهارم پادشاه (له) فرستاده شده است .

(فصل دهم)

(در انواع مختلفه سفارتها است)

سفارتها عبارت از سه قسم است سفارت عادیه و سفارت فوق العاده و سفارت خفیه .

اگرچه این سفارتها فقط بیک و یا بچند شخص موکول میشود ولیکن از روز اتخاذ اصول ارسال و تعیین سفرای مقیم این طرف تعیین یک سفیر در حکم اصول معتاده در آمده است .

در حالتی که مدت اعتماد نامها منقضی بشود و یا رخصت نامها الغا و ابطال و یا سفیر به مجبوریت و یا باختیار و یا بجهه وقوع وفات حکمداریکه او را فرستاده است انفصال یابد مأموریتهای این سفارت معطل و یا منقضی خواهد بود .

(استطراد)



چون مأموریت یک سفیر بوقوع وفات حکمداریکه مأمور نزد
او است مفسوخ میشود لازم است بحکمداریکه قاعد مسند حکومت
شده است از تازه اعتماد نامها تقدیم نماید .

(فصل یازدهم در بیان سفارت خفیه)

دیده شده است بعض اشخاص که دارای امنیت هستند
در حالتی که عاری از صفت رسمیه باشند بخدمت
سفارت خفیه تعیین میگردند و برخی از آنهاکه بصفت
رسمیه بسفارت خفیه مأمور میشوند هنگام لزوم برای
تسهیل حصول امور مأموره خودشان بابراز و اظهار صفت
رسمیهٔ خود مأذون میباشند وهمچنین مسبوق الأمثال است اگر
بملاحظهٔ بعض جهات قبول کردن دولتی سفیر را رسماً و علناً موافق
مصلحت نباشد دولتی که سفیر میفرستد عاری از صفت رسمیه
بفرستد دولت مرسول الیه نیز او را قبول نماید .

(استطراد)

در عهد حکومت (لوی) چهاردهم و پانزدهم از ایلچهای فرانسه

و در اثنای محاربه امریک و مخصوصاً در سنوات اولیهٔ جمهوریت فرانسه امثال عدیدهٔ اصول بار الذکر مشهود و مرئی گردیده است

(انتهی)

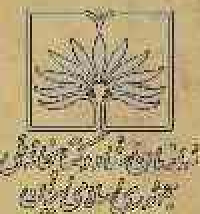
سفرا اعم از اینکه صفت رسمیه را حائز و یا آنکه از اینچنان صفت عاری باشند و دولتهائیکه نزد آنها مأمور هستند بمحض اینکه از ماهیت حقیقیهٔ آنها کسب اطلاع نمودند باید در حق آنها ابراز مآثر حرمت و حمایت نموده فقط سفرا به هیچوجه در ادعای اجرای مراسم و تشریفات نخواهند گردید .

(باب سیم)

(در بیان مراتب سفرا است)

(فصل دوازدهم در بحث صورت ظهور صنوف مختلفهٔ سفرا است)

در ازمنهٔ عتیقه و اعصار وسطی مثل اینکه هر دولت و حکومتی نباید مصلحت گذار یکنوع ایلچی داشت نه رومانیان که وزر واعیهٔ جهانگیری بودند و نه امپراطورهای آلمان لزوم ارسال و تعیین ایلچیان مقیم را درک و یقین نکرده و آنوقت فرقی مابین



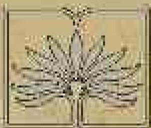
کبیر و ایلچی مقیم میگذاشتند لیکن بعد از مصالحهٔ (وستفالیه)
دولتها در تعیین ایلچیهای مقیم نزد یکدیگر مباشرت نموده از آن زمان
هم تعیین و اقامهٔ سفیر دائمی و هم ترتیب عساکر منتظم علی العموم معمول و اتخاذ
گردید و سفرا نیز بصنوف عدیده منقسم شده چنانکه سفرای کبار در نزد
دولتهائیکه اقامت دارند وکیل مطلق متبوع مفخم خودشان بوده و
ایلچیان مرخص و وزیر مختارها و ایلچیان مقیم نیز تنها صفت وکالت حکومتی را
که منسوب باو هستند حائز گردیدند تا بعد از آنکه مأمورین دیپلوماتیکیه
بصنوف مختلفه منقسم گردیده بنسبت رسمیت آنها قدر و حیثیت
و مناسب آن بعض مراسم و تشریفات معین شد .
لیکن باقتضای این ترتیب تقدم سفرائیکه از درجهٔ اول هستند بسفرای
درجهٔ دوم و مسابقت سفیر کبیر جمهوریت قدیم وندیک بوزیر مختار
دولت آلمان لازم آمده و تقدم و تفوق سفرائی که از یکدرجه هستند
بهمدیگر باید موقوف باختلاف مراتب حکمداران آنها دانست
و حال آنکه تعیین مراتب حکمداران از مواد مشکله بوده و وقایع تاریخهای
عصر هفدهم و هیجدهم اکثر اوقات نتایج وخیمه را منتج شده و حملواز



منازعات بعضی رسوم و تشریفات است .
حتی انو قتها مثل اینکه سفرای کبار اسپانیا تقدّم سفرای فرانسه را از حدود قبول و همواری نمودند سفرای حکمداران اینکه امپراطورهای قدیم آلمان را انتخاب کرده بودند مدّعی آن شدند که بسفرای جماهیر کبیره و سایر حکومات تقدّم و برتری جویند بالآخره بموجب نظامنامه که در مجلس مکالمات وین از طرف هشت دولت که امضا کننده عهدنامه پاریس بودند که در سی ام ماه مایس سال ۱۸۱۵ منعقد گردیده بود منازعات مذکوره بآخر رسید چنانکه از درجات دولتهائیکه متبوع سفرا بودند صرف نظر کرده شده حلّ و تسویه مسئله تقدّم و تأخّر سفرا بصورت آخر التزام گردید اصناف سفرا معیّن و بالنّسبه بقدمت سفرای هر صنف یعنی نظر بتاریخ اعتماد نامههای آنها تقدمشان بیکدیگر مقرر شد لاکن درین باب بطور استثنا تقدّم سفرای پاپ بکافه سفرای دیگر از اصول متخذه است .

(نظامنامه ایست که دائر بدرجات سفرا در مجلس مذکور تنظیم شد)

بجهه رفع و ازاله مشکلات و محاذیریکه برای تقدّم سفرا بیکدیگر کثیر الوقوع و تکرار وقوع آن نیز محتمل بود مرخصهای دولتهائیکه امضا کننده مصالحه



نامهٔ پاریس بودند بخصوصات آتیه قرار داده و تکلیف قبول و اتخاذ
این نظامنامه را بسفرای دول از لوازم شمرده اند .

مادهٔ اوّل سفرا بسه قسم منقسم شده اوّلا سفرای کبار و سفرای پاپ
ثانیاً ایلچیهای مقیم و وزیر مختارهائیکه به نزد حکمداران معیّن میشوند ثالثاً
مصلحتگذارانیکه نزد وزیر امور خارجه مأمور میکردند .

مادهٔ دوم تنها وزرای کبار و ایلچیهای پاپ بالذات صفت
وکالت متبوع مفخّم خودشان را حائز میکردند

مادهٔ سیم سفرائیکه بمأموریت فوق العاده ارسال میشوند بسایر سفراکه در این
صفت هستند بهیچ جهة حقّ تفوّق و مزیّت نخواهند داشت .

مادهٔ چهارم هر صنف سفرا نسبت بتاریخ تبلیغ و بیان بوصلت
بمحلّ مأموریّت خودشان بیکدیکر تقدّم خواهند جست این نظامنامه باعث
احداث اصول جدیده در حقّ سفرای پاپ نتواند کردید .

مادهٔ پنجم در خصوص قبول هر صنف سفرا هر دولت یک اصول
و قاعدهٔ علیحده اتّخاذ خواهد کرد .

مادهٔ ششم قرابت صهریّه که در میان خاندانهای حکمداران باشد



مثل اینکه موجب تقدّم سفرای آنها بیکدیگر نتواند شد مادّه های اتحاد و
اتفاق هم که در میان دولتها رابطه پذیر است در این باب ابداً تأثیر
نخواهد داشت .

مادّهٔ هفتم ترتیب وضع امضای سفرا بمعاوله و عهدنامهائیکه در میان این چند
دولت عقد و تنظیم شده و قاعدهٔ متناوبه را قبول و اتخاذ کرده اند بکشیدن
قرعه معین خواهد شد .

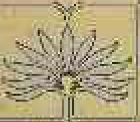
این نظامنامه بمضبطهٔ اجتماع مرخصهای هشت دولت که عهدنامهٔ پاریس را
امضا کرده بودند و آن مضبطه در تاریخ ۱۹ مارت سال ۱۸۱۵ نوشته شده
بود مندرج گردید بر این نظامنامه ایلچیهای مرخص دولتهای اوستریا و
اسپانیا و انکلیس و پورتکیز و پروسیا و روسیه و اسوج امضا کذاشتند
در اجتماع روز بیست و یکم تشرین ثانی سال ۱۸۱۸ در مجلس مکالمه که در فرانسه
در شهر (اکس لاشاپل) از مرخصهای دول خمسهٔ معظمه منعقد شده بود
قرارنامهٔ آتی که در آن مجلس مقرر گردید ضمیمهٔ نظامنامهٔ مزبوره معدود میشود
در مجلسی که برای نظامنامهٔ ترتیب درجات سفرا در وین منعقد گردید در
حق بعضی خصوصات تصریحی نشده و ممکن بود که در آتی مستلزم بعض



مباحثات و منازعات بشود محض رفع آن مقرر گردید که در میان ایلچیهائیکه
در نزد دول خمسه مشار الیهم اقامت دارند و وزیر مختارها و مصلحت گذارها
از حیثیت رتبه و مقام صنف متوسطی تعیین بشود این قرارنامه از طرف
مرخصهای دولتهای روس و پروس و انگلیس و فرانسه و اوستریا ممضی گردید
اگر این قرارنامهها اساس اتحاد بشود الیوم سفرا بچهار صنف منقسم است
اول سفرای کبیر و سفرای پاپ دوم وزیر مختارها و ایلچیهای
مرخص سیم سفرای مقیم. چهارم مصلحت گذارها.
چون کافهٔ دول این احکام را ضمناً و صراحةً قبول کرده اند سفیری که بنزد دولتی میآید بدرجهٔ
اهمیت دولتهائیکه متبوع آن سفرا هستند اعتنا نکرده فقط تاریخ مأموریت
آنها را که درجهٔ قدمت آنها باشد تحقیق مینمایند در این صورت سفیری که بعد از همه
معین شده است پائین تر از همه واقع میشود. و چون دولتها هم تاریخ مأموریت
سفرائیرا که معین کرده اند سند اتحاد مینمایند اگر سفرای دولتهائی هم ۴

---

۴ مثلاً دولت یونان را هنوز دولت روس نشناخته و ایلچی هر دو در پاریس است
ولی ایلچی یونان زودتر از ایلچی روس اعتبارنامهٔ خود را تقدیم وزارت خارجه
فرانسه کرده است معهذا دولت روس مساعدت میکند که ایلچی یونان بر ایلچی روس مقدم باشد



که رسماً دولت متبوعهٔ او را نمی‌شناسند و از حیثیت مأموریت
قدیم باشد در مقامات رسمیه مساعدت مینمایند که بر سفرای خود شان
مقدم باشند

علاوه

اگرچه در سال ۱۸۴۶ میلادی (قونت استرازی) که از
طرف دولت اوستریا بشهر (لاهای) که پای تخت دولت
فلمنک است سفیر ارسال شده بود تقدم ایلچی حکومت (ناسو)
را در مقامات رسمیه بخود که قبل از او ارسال و قبول شده بود قویاً
ایراد و اعتراض نمود ولیکن قرال فلمنک سفیر حکومت (ناسو) را
بصفت وزیر مختاری قبول کرده و چون جائز بودن بکافه امتیازات
مخصوصه بصفت مذکوره را تصدیق نموده اعتراض کردن باین
امتیازات هم در حق دولت فلمنک یکنوع عدم مراعات بود
ناچار تعریضات واقعه سفیر موحی الیه قبول و پذیرفته نشد پیش
از آنکه جمهوریتهائیکه در امریک هستند از طرف دولت اسپانیا
تصدیق کرده بشوند در میان سفرای اینها و سفیر دولت اسپانیا



که در نزد دول سایره بودند در مسئلهٔ تقدم سفرا بیکدیگر گفتگو
شده است در زمانیکه دولتهای اسپانیا و پورتکیز از طرف دول
شمالیه تصدیق نشده بود در میان ایلچیهای مقیم اسپانیا و پورتکیز
و دول شمالیه که در نزد دول سایره مقیم بودند و الحال در میان
سفرای ایتالی و سفرای دولتی که هنوز دولت مشار الیها را
تصدیق نکرده اند بالدفعات در خصوص تقدم بیکدیگر مذاکره
شده .

بمناسبت وفات یک حکمدار و یا تبدل هیئت حکومت
سفرائیکه در مأموریت هستند مجدداً در تقدیم اعتمادنامهای
آنها بچه صورت باید این مادهٔ تقدم جریان نماید آیا بتاریخ
تقدیم اعتمادنامهای قدیم و یا تاریخ تقدیم اعتمادنامهای جدید
باید اعتبار شود چون این قبیل حالات در نظامنامهٔ سالف
الذکر مذاکره و تصریح نشده بود این مسئلهٔ تقدم در میان سفرا قرار
داده گردید .



در وفات (فردریق) چهارم از قرالهای پروس مادهٔ تقدم

بین

بین السفرا قرار داده شده .
ولیکن در فرانسه بعد از اختلالی که در سال ۱۸۴۸ میلادی ظهور کرد و بعد از وقعهٔ سال ۱۸۵۲ سفرائیکه در پاریس بودند نسبت به تواریخ اعتماد نامههای خودشان بسلک مراتب داخل شدند . باقتضای احکام نظامنامهٔ سالف الذکر چون ایلچیهای مرخّص فوق العاده با سفرای عادیه غیر از اساس مأموریتشان فرقی ندارند بسفرائیکه از درجهٔ اولی باشند حق تقدّم نخواهند داشت بنابر این اگرچه درحق ایلچیهای مرخّص فوق العاده احترامات مخصوصه اجرا کرده میشود و تقدّم اینها از طرف سفرای دول سائره موافقت و همراهی میگردد ولیکن قبول تقدّم از قبیل یک نوع رعایت بوده و موجب استحقاق و صلاحیت تقدّم اینها نخواهد گردید بلکه از طرف سائر سفرا مظهر یکنوع مراعات و مساعدت میشوند .

(فصل سیزدهم)

(در بیان سفرای درجهٔ اولی است)



سفرای درجهٔ اوّل ایلچیانی هستند که دارای صفت وکالت باشند مثل سفرای کبار و سفرای روما . اینها سوای اینکه مظهر مراسم و تشریفاتیکه در حق حکمداران لازم الاجری است میباشند در مواقع رسمیه هم بعد از وزیر امور خارجه می ایستند متعهد بالذّات وکیل حکمدارانی که متبوع معظّم آنهااست محسوب میشوند .

بجهه اینکه فی الاصل سفرای درجهٔ اول بالذّات مستقیماً با حکمدار مأمور بمکالمه محسوب و قیاس میشوند امتیازات آنها مبنی بهمین سبب میباشد شخصی که دارای این مراتب است بواسطهٔ کسب استحقاق با قصا درجات وثوق واعتماد با نایل شدن باحترامات فائقه باید تحصیل شرف درزنیّت کند .

فقط امروزه سفرای درجه اوّل علی العموم مانند سفرای درجهٔ دوم با وزیر امور خارجه مکالمه میکنند حتّی در سلطنت مستقله چنین ملاقات سفرای کبار با حکمدار بجهت حاضر بودن وزیر امور خارجه با مأموریت سفرای کبار را در مکالمه بلا واسطه با حکمداران صوری باید دانست . در تسویهٔ امور امتیازاتیکه سفرای کبار حائز آن هستند عبارت از



که هر وقت بخواهند بتوانند به حضور حکمداران رفت چنانکه یک سفیر کبیر بدون اینکه بهیچ طرفی اخبار و اشعار نماید حق و صلاحیت آزادارد که بشخصه بعمارت حکمداری رفته و بلاواسطه با او ملاقات و مکالمه نماید .

(استطراد)

چون دربار پاپ در دوایر حکومت امور و مصالح ببطائت جریان مینماید محض تسریع کارها لازم است که سفرای کبار بدون رخصت نیز دپاپ بروند همین قدر که حکومت روما مقدار سفرای کبار را تحدید کرده فقط از دولتهای اوستریا و فرانسه و اسپانیا و پورتکیز که در مذهب قتولیک هستند بارسال سفرای کبار مساعدت نموده است سفرای فرانسه در روما عبارت از قاردینالها بوده از پنجره اطاقیکه جمعیت روحانیه در آنجا تجمع کرده است مأذون هستند با کسانیکه در داخل مجلس میباشند مکالمه نمایند .

(انتهی)



سفرائیکه در درجهٔ ثانیه و ثالثه هستند محض دخول حضور حکمداران

باید از وزیر امور خارجه تحریراً استیذان نماید .

سایر امتیازات سفرای درجهٔ اولی عبارت از بعض مراسم و تشریفات بوده در بعض احوال تشریفات مذکوره بر حسب پولتیک دارای اهمیت تواند شد بحکم نظامنامهٔ سالف الذکر چون حق تقدم سفرای پاپ بسفرای سائره ابقا گردیده است اگر اینها بعد از سایرین هم آمده است باز بکافهٔ سفرا تقدم مینمایند .

(استطراد)

حکومت روما از فوائد حکومت روحانیه و جسمانیه استفاده کرده بسفرائیکه بممالک خارجه تعیین و ارسال مینمایند هم صفت روحانیه و هم صفت پولیتیکیه داده و بتزییید قدر و اعتبار اینها صرف مقدرت کرده و محض وصول باین مقصد این قبیل سفرا نزد دولتهائی که از آیین قتولیک هستند ارسال نموده و احکامیکه باینها میدهد کلیتاً مغایر اعتمادنامهائی میباشند که سفرای دول سائره حامل آن هستند .

(انتهی)



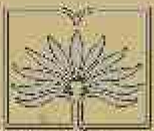
سفرای درجهٔ اولای پاپ سفرائی هستند که (لغالاتره) و (نونس) و (لغا) گفته میشوند ایلچیهائیکه (لغا) گفته میشود از قاردینالها انتخاب کرده شده فقط بممالک قتولیک که ریاست روحانیهٔ پاپ را تصدیق کرده اند فرستاده میشوند و ایلچیهائیکه (نونس) گفته میشوند از سفرای کبار معمولی بوده نزد هر دولت مأمور میکردند و ایلچیهائیکه (لغا) گفته میشوند از سفرای فوق العاده بوده و بمأموریت مخصوص معین میکردند .

(فصل چهاردهم)

(در بیان سفرای درجهٔ ثانیه است)

مبنی برانکه در سال ۱۵۰۰ میلادی و علی الخصوص در سال ۱۶۰۰ دولتهای اروپ شأن و مزیت سفرای کبار را بدرجهٔ اعلی الصیال نمودند چون تشریفات و مراسم فوق الغایه و کمال دبدبه و احتشام آنها باعث مصارف کلیه میشد اینحال مستلزم آن گردید که بعض ایلچیانی را که مادون آنها هستند تعیین و ارسال نمایند چون این ایلچیها صفت وکالت متبوع مفخم خود را حائز نیستند اجرای مراسم و تشریفات

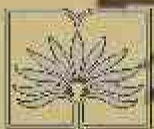




فوق العاده در حق آنها اقتضا نکرده فقط بآنها صفت ایلچی مقیم اعطا کردید.

بعد ها دولتهای اوستریا و فرانسه ایلچیهای مقیم را از ایلچیهای مرخص فوق العاده تفریق کرده و بهر یک از آنها قدر و اعتبار مخصوص داده شد و دول سایره هم بحرکات و آثار آنها اقتفا و تبعیت نمودند. (رئال) که از مؤلفین علم اداره دولت میگوید (صفت ایلچی مقیم شروع بتدنی نمود سفرائیکه باین صفت معین میشوند عنوان وزیر مختاری را گرفتند علی التدریج برای سفرای درجه ثانیه بعض مراسم و تشریفات مخصوصه وضع و تأسیس گردید این مراسم و تشریفات در اوایل حال معین نگردیده از صد سال باینطرف مقرر شد)

چون معدود شدن ایلچیهای مقیم و وزیر مختارها که نزد حکمداران تعیین و ارسال میشوند از سفرای درجه ثانیه در نظامنامه سالف الذکرین مصرح است همچنین سفرائیکه بالذات حائز صفت وکالت حکمدار متبوع مفخم خود بوده و نزد حکمداران مأمور هستند



کلیه از سفرای درجهٔ ثانیه معدود میشوند .

وچون در سال هزار و هشتصد و هیجده میلادی مخصوصاً نظامنامهٔ ترتیب وتنظیم و احوال و مواقع ایلچیهای مقیم تعیین شده است وزیر مختارها و ایلچیهای مرخّص و وزیر مختارهای پاپ از درجهٔ ثانیه معدود میگردند .

تنها دولت فرانسه وزیر مختارهائی را که مقام آنها غیر معین است قبول مینماید

(استطراد)

وزیر مختارهای پاپ از سفرای درجهٔ ثانیه بوده مثل (نونس) نمیتوانند بسفرای دول سایره تقدّم نماید اگرچه در سال ۱۸۴۹ میلادی سفیر پاپ که در نزد دولت فلمنک بود میخواست که به (سرفرونویل) ایلچی انگلیس که پیش قدم سفرای سایره بود تقدّم نماید ولیکن ایلچی موحی الیه مقاومت کرد و بجهة اینکه اوّلاً قاعدهٔ استثنائیّه که در نظامنامهٔ (وین) مندرج است تنها در حق سفرای کبار پاپ جاری شده و ثانیاً چون قاعدهٔ استثنائیه سالف الذّکر حقوق تقدّم سفرای کبار پاپ را که خاصّه از قدیم



حائز بودند تصدیق و تایید می نمودند بناء علیه لورد (پالمرستون)
این حرکت ایلچی مزبور را تحسین و تصویب نمود

(فصل یازدهم)

(در بیان سفرای درجهٔ ثانیه است)

در اوایل عنوان ایلچی مقیم بکافهٔ سفرائیکه از درجهٔ ثانیه بودند شامل بوده بعدها مبنی بر اینکه ایلچیها رفیع مراتب خودشان را بدرجهٔ مرتفعه طلب و استدعا نمودند بناء علیه پاپ و جمهوریت قدیم وندیک و سائر حکومتها استدعای ایلچیان را قبول و درجات وزیر مختارها را رفیع نمودند علی التدریج عنوان ایلچی کری مقیم از نظر اعتبار افتاد مبنی باین سبب است که در نظامنامهٔ (وین) ایلچیهای مقیم (بعبارت سفرائیکه نزد حکمداران مأمور میشوند) سابق و بسلک درجهٔ ثانیه سفرا داخل کردیدند و وقوع مباحثات غیر مرضیه که در حق ایلچیهای مقیم محتمل بود در هنگام تنظیم نظامنامهٔ مذکوره بخاطر نیامده و اگرچه در قرارنامه که در سال ۱۸۱۸ مندرج کردید کرچه کاهی شده و کرنه سفرائیکه برای ترتیب و تنظیم نظامنامه

مذکوره در (وین) تجمع نموده بودند منازعات نامتناهیه که از صد
سال باینطرف که در حق درجات ایلچیهای درجه ثانیه در بین شان
بود واقف بودند در قراریکه در (اکس لاشاپل) داده شد یعنی
در قرارنامهٔ که بنظامنامه (وین) منضم گردید سفرای درجه ثالثه
احداث شد (غارچیا) نام مؤلف گفته است که (برای احداث
سفرای درجه ثالثه الیوم لازم است که ایلچیهای مقیم را نه بصفت
سفارت بل بنظر مصلحت گذاری باید دید)

در واقع اگرچه درجات ایلچیهای مقیم متوسط است ولی باقتضای
نظامنامهٔ که صفت آنها را تصریح کرده است آنها مصلحت گذار
نبوده بلکه صفت ایلچیگری را حائز میباشند قرارنامهٔ که در
سال ۱۸۱۸ نوشته شد اصول و قواعدیرا که در نظامنامه سال ۱۸۱۵
میلادی در (وین) تنظیم شده و تصریح بآنها گشته است لغو
و ابطال ننموده بل تنظیم و تنسیق نمود

دولتهای فرانسه و انگلیس ایلچیهای مقیم ارسال نکرده ایلچی
فوق العاده تعیین مینمایند.

(فصل شانزدهم)

(در بیان مصلحت گذارهاست)

مصلحت گذارانیکه مخصوصاً به مأموریت دائمه تعیین میشوند از طرف دولت خود بوزیر امور خارجهٔ دولتی که بنزد او مأمور میشود تقدیم یکقطعه تحریرات بایفای مأموریت خود مباشرت مینمایند دولتهای انگلیس و فرانسه مصلحت گذار نداشته فقط در جاهائیکه مجمع مصالح پولتیک و تجارت است یک قونسل اوّل دارند در حالتی که سفیری از محل مأموریت خود انفصال یابد و معیّن کردن یک نفر مصلحت گذار اصالتاً یا موقّتاً در جای خود اقتضا کند آن مصلحت گذار را باید بوزیر امور خارجیّه تقدیم نماید

مصلحت گذارهائیکه از درجهٔ اوّل باشند به مصلحت گذاران موقّتی تقدیم مینمایند

در نظامنامهٔ (وین) مقصود از عبارت (مأمورین دیپلوماتیکی که بنزد وزیر امور خارجه مأمور میشوند) مصلحت گذاران درجهٔ اولی است



مصلحت گذار موقتی هم که بجای سفیر کبیر معین میشود به مصلحت گذاری که بمقام وزیر مختار معین شده است تقدم مینماید .

(فصل هفدهم)

(در بیان کومیسرها و مأمورین است)

کومیسرهائیکه بممالک خارجه مأمور میشوند با صفت کومیسری به هیچیک از امتیازات مخصوصهٔ سفرا مظهر نشده فقط چنانکه گاهی در حق کومیسرهائیکه برای تحدید حدود و یا تسویهٔ امور حسابیه تعیین میگردند مجری شده بانها نیز صفت سفیر توجیه میتواند شد در هر صورت تعیین صفت رسمیهٔ کومیسرها عاید بحکومتی است که آنها را میفرستند .

مأمورینی که برای تسویهٔ بعض مصالح مخصوصه معین میشوند و مأمورینی که از تبعهٔ خارجه بوده و بعضاً صفت وکالت و یا مستشاری سفارت و یا عنوان آتاشی را حائز میشوند از اعضای هیئت سفرا معدود نشده و نمیتوانند مدعی نائلیت هیچگونه رسوم و تشریفات و امتیازات و معافیات دیپلوماتیکی بشوند اگر از تبعهٔ اصلیهٔ دولتی که بنزد



او فرستاده شده است بشود یا از تبعهٔ آن دولت معدود و در حق آنها بهمان قرار معمول رفتار میشود و بهمین لحاظ در دست اینچنین مأمورین اعتمادنامه نشده فقط توصیه نامه داده میشود .

(باب رابع)

در بیان تعیین صفت رسمیه و صورت ارسال مأمورین دیپلوماتیکی است

(فصل هیجدهم)

(در حق اعتمادنامهها است)

سفرای کبار صفت وکالت خود را که از طرف متبوع مفخم خودشان دارند مثل سفرای سایره بتقدیم اعتمادنامههای خودشان بدولتی که مأمور باو هستند اثبات مینمایند بهمین لحاظ نامهٔ را که از طرف دولت متبوعه سفیری خطاب بحکمران دیگر که سفیر مأمور بنزد او است نوشته شده است اعتمادنامه اطلاق میشود اگرچه این اعتمادنامهها نوعاً مشابه رخصتنامه است چون تنها حاوی صفت مأموریت سفیر است بمأموریت او و در اجرای مکالمهٔ مادهٔ جداگانه بهیچوجه حاوی رخصت و مأذونیت نخواهد گردید



وصورت

وصورت تحریر اعتماد نامها نسبت بدرجات حکمران مُرسِل و مرسولٌ الیه است .

(استطراد)

سفرای بزرگ و کوچک پاپ در مقام اعتماد نامه و رخصت نامه نامهائی را که (بل) گفته میشود حایل میباشد مصلحت گذارها هم فقط خطاب بوزیر امور خارجهٔ دولتی که مأمور باقامت در نزد او هستند اعتماد نامها خواهند داشت .

مقدّماً در فرانسه اعتماد نامها بسفرائیکه نزد دول خارجه معیّن میکردیدند داده میشد از طرف حکمداری و یا هیئت وکلا و یا وکیل اوّل نوشته میشد . (انتهی)

یک سفیر که نزد دولتی مأمور میشود در اوّل امر یکقطعه صورت صحیحهٔ اعتماد نامه را که حامل آنست بوزیر امور خارجه آندولت ارسال کرده و اگر موافق اصول مملکت باشد نسخهٔ اصلیّه آن را علناً یا خفیاً در هنگام عزیمت حضور حکمداری بحکمدار تقدیم مینماید مذاکرهٔ این مسئله که آیا سفیری نزد حکمدار



صغیر مأمور بشود وکیل السلطنه حکمدار مزبور صلاحیت و قبول اعتماد نامجهای اوراادار دیانه در سال ۱۸۴۱ میلادی از طرف دولت اسپانیا بمیان آمد در همان اوقات ایزابل ملکه اسپانیا در حالت صباوت بود وکیل السلطنه او (دوقه دلاویکتوار) در این ادعا بود که (ماری کریستین) والده ملکه صغیره یعنی وکیل السلطنه سابق سفیر را نزد خود قبول کرده من هم باید بکنم و حال آنکه ماری کریستین با جائز بودن بعنوان قرالیچه در اثنای وکالتش حق و صلاحیت خود را به پذیرائی سفرا نتوانسته بود بفهمد در عهد صباوت لوی پانزدهم از سلاطین فرانسه (دوک داورلیان) وکیل او اعتماد نامجهارا در خارج از حضور پادشاه صغیر قبول کرده بهمین صورت تبعیت وکیل مشارالیه را با صول و عادات قدیم بدولت اسپانیا بیان و اخطار کرده بود.

از آنجا که سفرا و کلای دول متنوعه خود شان هستند در حالتی که هیئت اداره دولت اساساً متبدل شود و یا موکلین آنها که حکمداران هستند وفات یابند و یا ترک حکومت نمایند



و یا حکمداراینکه مأمور بنزد او هستند ترک حیات نمایند حکم اعتماد
نامه در خصوص نامهائیکه حامل آن هستند منفسخ خواهد گردید فقط
در اگر او وفات انقطاع سفیر از مأموریت خود که نتیجهٔ حالات مذکوره است
امتداد نیافته اگر بتجدید صفت مأموریت آن مأمول باشد در حق
او همانی السابق رفتاریکه با او میکردند مجری و باقی خواهد بود .

(استطراد)

پاپ در صورت وصفت حکمران جسمانی با هیچیک از رؤسای
جماهیر فرقی نداشته در حال تبدل او مثل انکه رخصت نامهای
سفرای پاپ تجدید میشود در وفات او نیز مسند پاپ خالی میماند
و در حین وفات پاپ از طرف حکمداران سائره اجرای مراسم
ماتم وسوگواری نمی شود (انتهی)

در حالتی که رتبه سفیری تبدیل بشود اعتماد نامهائی را که حامل آن
بود حکم واعتباری نمانده وتجدید آنها لازم میاید .
سفیر همینکه دائر بتجدید صفت رسمیهٔ خود اعتماد نامه که مقتضی آن
تبدل صفت است گرفت بحکمداری که در نزد او اقامت دارد



تقدیم کرده و در حضور حکمدار بر وجه معتاد نطقی مینماید و غیر از این هیچ‌ گونه رسم و تشریفات مجری میشود اگر از طرف دولتی یک و یا چند سفیر متحد المراتب فرستاده شود یک اعتماد نامه کافی تواند بود ولیکن بسفیر یکه نزد چند دولت مأمور است چند قطعه اعتماد نامها داده میشود .

جواب نوشتن باعتماد نامه نادر الوقوع است همین قدر اگر حکمدار از سفیر یکه نزد او فرستاده شده است خشنود بشود محض ابراز مأثر حرمت و رعایت در حق او اعتماد نامه را جواب نوشته و محظوظیت خود را از آن سفیر بیان و اظهار میدارد چون مقصود از اعتماد نامه بیان مأموریت سفیر است بناءً علیه قبول آن اعتماد نامه در مقام جواب آن قائم است بعضاً سفرا غیر از اعتماد نامه از جانب حکمدار متبوع خود و یا از طرف وکیل آن به بعض اعضای خاندان حکمداری که مأمور نزد اوست و یا بمأمورینی که از اصحاب نفوذ آن دولتست و حتی بمأمورین محلیه نیز بعضی توصیه نامها را حامل میشود

(فصل نوزدهم)



(در بیان رخصت نامها است)

اگر سفیری در نزد یک دولت دیگر مأمور بشود به یک مادهٔ مخصوصه مثل عقد مصالحه نامه و اتفاق و سائره بشود موافق اصول حامل یک رخصت نامه و یکقطعه تعلیمات میشود.

(استطراد)

این رخصت نامها اگر دائر بیک مادهٔ معلوم باشد رخصت نامهٔ مخصوص و اگر شامل هر نوع امور و خصوصات و حاوی امر مباشرت سفیر به مکالمات بشود رخصت نامهٔ عمومی گفته میشود اگر رخصت نامهٔ مذکور خصوصی بشود رخصتی که داده شده است محدود بوده و اگر رخصت نامه عمومی باشد رخصت غیر محدود گفته میشود اگر یک سفیر به مکالمهٔ چند دولت مأمور شود باید اسامی آن دولتها در رخصت نامهائیکه حامل آنها است تصریح و بیان کرده شود (انتهی)

اگر چه اعتماد نامهای سفرائیکه بمأموریت دائمه تعیین میشوند در مقام رخصت نامه است ولیکن اگر بیک مادهٔ جداگانه و مکالمهٔ مخصوصه مأمور شوند غیر از اعتمادنامها بدست آنها رخصت نامها



داده میشود

سفرائیکه بمجلس مکالمات دولیه و یا بیک جمعیت عمومیه فرستاده میشوند اعتماد نامها لازم نداشته فقط بمحض اثبات مأموریت از طرف دولت متبوع خودشان یک رخصت نامهٔ مخصوص داده میشود سفراهم صور صحیحهٔ این رخصت نامهارا یا در بین خودشان مبادله و یا آنکه برحسب ایجاب برئیس مجلس اعطا مینمایند .

(استطراد)

در این باب مستثنا بوده سفرای دول خارجه که در (فرانقفورت) نزد هیئت متفقهٔ آلمان فرستاده میشود بجهة تقدیم بجمعیت عمومیهٔ هیئت مشارالیها هرکدام یکقطعه اعتماد نامه را حامل میشدند چنانکه قدیماً در شهر (راتیسبون) در حق جمعیت عمومیهٔ حکومت امپراطوری آلمان که (دیت) تعبیر میشود مجری میگردید . رخصت نامهائیکه در بین سفرای مرخص مبادله میشود هم در مضبطهٔ مجلس که دفعهٔ اول منعقد میشود و هم در عهدنامهائیکه امضا خواهند کرد مذکور میگردد .



در ازمنهٔ ماضیه بیک سفیر برای مکالمه با کافهٔ دول یک رخصت نامهٔ عمومی داده میشد اکنون این اصول لغو و از میان برداشته شده است اعلیحضرت پادشاه انگلیس در مکالمات مصالحهٔ (اوترخت) برای گفتگو کردن با سفرای کافهٔ دول که در آن مجلس حاضر بودند بسر کاتب سفارت خود که در شهر لاهای پای تخت دولت فلمنک اقامت داشت یک رخصت نامهٔ عمومی ارسال کرده است . (انتهی)

(فصل بیستم)

(در بیان تعلیماتی است که بسفرا داده میشود)

چنانکه مذکور شد تعلیماتیکه بسفرا داده میشود حدود رخصت نامهارا معین مینماید همیشه رخصت نامها بدولتهائیکه با او مکالمه خواهد شد تقدیم میشود و تعلیمات محض اینکه دستور العمل باشد در نزد سفیر محفوظ میماند .

استطراد

چون این تعلیمات در صور مختلفه است تعیین و تحدید مآل آنها

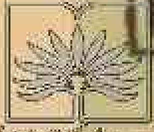


در این محلّ غیر ممکن است ولیکن همین قدر میتوانیم تصریح و بیان کنیم که در تعلیمات هر مسلکی که سفیر در هر نوع مکالمات اتخاذ باید بکند تشریح کرده میشود و دائر بشأن و حیثیّت مأمورین دولتی که بنزد آن مأمور میشود و سفرای خارجه که در انجا اقامت دارند اطّلاعات داده میشود در خصوص مسلک پولتیک متخذّه و درجه مناسبات دوستانه و کارهائیکه در حالت عطالت مانده و مؤخّراً تسویه شده است خلاصه در حقّ ایفای همهٔ وظایف مأمورهٔ سفیر محض اینکه راهنمای حرکات او بشود بطور اختصار تعلیمات داده میشود.

(انتهی)

مجبور کردن یک سفیر را بارائه تعلیماتیکه از جانب دولت خود گرفته است مغایر احکام حقوق ملل است یک سفیر محض اینکه اظهارات واقعه او در نزد دولتی که بطرف آن مأمور است مقبول و معتبر شود نشان دادن اعتماد نامه او رخصت نامهائیکه صفت مأموریّت او را اشعار میکند کافی بوده هیچوجه محتاج بارائه تعلیمات نیست.





(استطراد)

دراینجا شرح و بیان بعض اصطلاحات مناسب دیده شد
چنانکه اگر سفیری ازجانب دولت متبوعهٔ خود درحق یک مسئله تعلیمات
قطعیه بگیرد بمکتوبیکه در آن مسئله بدولتی که بنزد او مأمور است بنویسد
تکلیف آخر اطلاق میشود (الّتیماتُم) دراین چنین مکتوب مسئلهٔ
که مطلوب قطعی است آشکار ابیان گردیده وجواب دادن بآن سریعاً
قطعیاً مطالبه میشود اگر بسفیری تکلیفی کرده شود که اساساً مباین افکار
دولت متبوعهٔ خود باشد محض اینکه برای استیذان از دولت خود
اختلاس وقت نماید بشرط مراجعت آن تکلیف راقبول میکند
اگر تکلیفی واقعشود که بانفای بعض حالات ضروریه و بعد مسافت
حالاکت باید از فور ردّ یاقبول نماید باین شرط متقبل میشود
که اگر در ثانی ازجانب دولت خود تصدیق کرده شود ردّ
ویاقبول آن حکم وتأثیر داشته باشد (انتهی)

تعلیماتیکه بسفرا داده میشود یاعمومی است ویاخصوصی ویا
خفی ویا علنی است یاتحریریست ویاشفاهی دراثنای جریان

یک مکالمه دائرهٔ احکام آن یا توسیع و یا حصر و تحدید میشود .
سفیریکه از طرف دولت متبوعه خود حامل تعلیمات خفیّه باشد تا از
دولت خود امر صریح نگیرد نمیتواند تعلیمات خود را نشان بدهد
وگر تعلیمات علنی داشته باشد محض حسن تمشیت و جریان
امور مأمورهٔ او برحسب اقتضا ارائه کردن تعلیمات به رأی
خود سفیر محوّل و منوط است .

(فصل بیست و دویم)

{ در بیان جریان مخابرات است بواسطهٔ شِفره
یعنی رمز که عبارت از رقم و حروف است }

اما چون مطّلع نبودن هیچکس به مخابراتیکه دولتها با مأمورین خود
در ممالک خارجه دارند باقتضای منافع مخصوصهٔ آنها است
لهذا خواه اوامر و تعلیمات که از طرف وزارت امور خارجه
بسفرا فرستاده میشود و خواه تحریرات و لوایح که از طرف سفرا
بوزارت خارجه مرسول میگردد بواسطهٔ رقم و یا حروف بطور
رمز نوشته میشود بجهة آن در نزد وزیر امور خارجه و سفیری که

که در خارج است یکی برای تحریر محررات بواسطهٔ رقم و حروف

و یکی هم برای حل آن قبیل محررات دو جدول که مفتاح گفته

میشود موجود است اکثر مؤلفین که از علم دیپلوماسی بحث

مینمایند در خصوص تحریر محررات با رقم و حروف در مؤلفات

خودشان یک فصل و یا چند باب منحصر داشته اند نظر به تعریفات مبهمهٔ

آنها که در این باب کرده اند اینچنان گمان برده میشود که از افشای

سرّی خوف و حذر نموده اند و چون اصول و قاعده که دولتها در

خصوص شفره اتخاذ کرده اند مختلف است اگر در اینجا از کتابهائیکه

دائر باین خصوص است نمونه درج و بیان بشود بحقایق این فن

بطور سزاوار کسب استحضار نخواهد گردید بناءً علیه از تفصیلات

بی لزوم و از بیان نمونه هائیکه بیفایده است صرف نظر نموده

فقط به بیان بعض اصول و قواعدیکه در محررات سفرا و وزرای امور

خارجه استعمال میشود مبادرت میگردد.

به بیان حروف هجائیه یعنی بذکر اشکال مستعمله در غیر معانی اصلیهٔ

آنها کاهی باشارات مخصوصه و بعلاوهٔ ارقام عادیه و کاهی هم



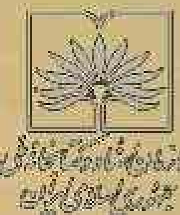
باجرای اصولیکه (قفس) گفته شده و گاهی هم بتحریرات تمام خالیه
اکتفا کرده میشود

(استطراد)

اگر تحریراتیکه موافق اصول شفره که (قفس) گفته میشود نگاه کرده
شود انچنان استنباط میشود که عبارات مندرجه عبارت از
بعض کلمات درهم و بیمعنی است ولیکن بطوری ترتیب شده است
که کسیکه باو فرستاده شده است بمفتاحی که در دست دارد
از کلمات مزبوره معنای صحیح و تام استخراج مینماید .
این (قفس) در شکل یک قفس معتادی لوحه ایست که از
مقوا ساخته شده است موافق علامات مخصوصهٔ آن تحریراتیکه
بروی او گذاشته شود عباراتیکه شامل معانی صحیحه است از میان آن
قفس دیده و خوانده شده و عباراتیکه زاید و از قبیل حشویات است
در زیر آن قفس مانده و دیده نمیشود ولیکن کسیکه مفتاح در دست
ندارد وقتیکه این تحریرات را به بیند عبارات صحیحه را از غیر صحیحه
فرق و تمیز نمیتواند بدهد و بمال و مقصود آن مطلع نمیتواند بشود

وکسیکه تحریرات را میفرستند قفس را روی کاغذ گذاشته میان آن قفس مقصود خود را مینویسید و بعد از آن قفس را برداشته میان عبارات منقطعه بعض عبارات بمعنی مینویسید بحال این قسم تحریرات احدی مطلع نمیشود اصول شفره که بحروف واشارات مخصوصه ترتیب کرده میشود علاوه بر اینکه موجب اضاعهٔ وقت است کسانیکه در کار ید خلّیت دارند آن قسم تحریرات را با اینکه در دست مفتاحی نداشته باشند میتوانند حلّ نموده بحال آن آگاه نشوند خیلی دیده شده است که بعضی از مدققّین وقّت نموده و بسیاق و سباق کلام نگاه کرده و کیفیّت مندرجات آن از نظر تقریب حال خیال کرده و تحریرات شفره را حل نموده است اگر چه اجرای اصول قفس هم موجب اضاعهٔ وقت بوده و تنها در تحریرات مختصره استعمال میشود در هر حال این اصول قفس بقاعده که بواسطهٔ حروف واشارات نوشته میشود ترجیح تمام دارد ولیکن نوشته شدن محرّرات بواسطهٔ ارقام بهر یک از این دو اصول مذکوره مرجح بوده و سبب رجحانیّت آن این است که





اوّلا بواسطه ارقام هر قدر عبارات که خواسته شود ترکیب میشود و ثانیاً خواه در ترتیب و ترکیب آن و خواه در حلّ آن سرعت و سهولت تامّه دیده شده است .

برای حفظ مکتومیّت خفایای دیپلوماتیکیه طریق اسلم و اوفی اخراج و راه انداختن پوسته مخصوصه است با اینکه اجرای آن محتاج بمصارف کلیّه است باز هر یک از کافّهٔ دول معظّمه برای ارسال تحریرات پوستهای مخصوص دارند و دولتهائیکه نخواهند متحمّل مصارف کلیّهٔ ارسال پوست بشوند تحریرات خود را بقوطیهائیکه از جلبی کلفت ساخته شده و روی آن شمع گرفته شده است میگذارند و بتوسّط پوستهای معتاد ارسال میدارند قوطیهای مذکور را دو مفتاح میباشد یکی در نزد وزیر امور خارجه و دیگری در نزد ایلچی محفوظ است .

(فصل بیست و دویم)

(در بیان پسپاپورتها و تذکره های امنیّت است)

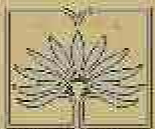
مأدّین و عابرین که پسپاپورت آنها از جانب حکومت

داده شده است در زیر حمایت مأمورین ملکیه و عسکریه بوده از محلی بمحل آخر میتوانند بآزادی آمد و شد نمایند باقتضای قاعدهٔ متخذهٔ عمومیهٔ حالیه است که در هنگام صلح کسانیکه پاسپورت داشته و مظنهٔ بد در حق آنها میرود موافق نظام هر دولت بمرور از ممالک خود بدون مانع مساعدة مینمایند و واضح است در حق سفرائیکه بمأموریت سیاحت میکنند بوجه مزبور رفتار خواهند گردید.

(استطراد)

در کتاب دعاوی مشهوره حقوق ملل نام که مسیو مارتنس تألیف کرده مینویسد که در اثنای معلومه که مدتی برای وراثت اسپانیا امتداد یافت (بل ایل) از مارشلهای فرانسه باصولیکه در این باب مجری بود یعنی بقاعدهٔ داشتن تذکرهٔ مرور رعایت نکرده از شهر (فرانقفورت) که در آنجا بسفارت فوق العادة مقیم بود بصفت سفیر فرانسه بدولت پروس تعیین گردیده هنگامیکه بطرف (برلین) عزیمت مینمود وقت مرور از شهر البنجور





که از ممالک هانوره بود والی آن شهر که از طرف قرال انگلیس
در انجا گذاشته شده بود مشارالیه را توقیف و از ممالک انگلیس
بشهر (ویزور) فرستاد و از طرف دولت فرانسه مخل
بودن این امر باحکام حقوق ملل ادعا کرده نشد (انتهی)

در اثنای محاربه برای اینکه سفرا بکمال امنیت بمحل مأموریت خودشان
عزیمت نمایند علاوه براینکه از دولت متبوعهٔ خودشان پاپورت
خواهند گرفت از دول محارب که از ممالک آنها مرور خواهند
کرد باید یک تذکرهٔ امنیت تحصیل نمایند .

در هنگام محاربه بسردارهای اردو و در حین احتیاج بصاحبمنصبان
بزرگ میتوانند تذکرهٔ امنیت اعطا نمایند .

سردارهای اردو و ضابطان عسکریه محض ملاحظهٔ وخامت
احوال و لزوم مخابرات وکالةً از طرف حکومت متبوعهٔ
خودشان میتوانند بوجه مسطور تذکرهٔ امنیت بدهند و الا
اصلاً درین خصوص به هیچگونه حق و صلاحیت ندارند .

(باب پنجم)



(در بیان مأمورین سفارت است)

مأمورین سفارت بنسبت بدرجه سفیر زیاد و خواه کم باشد بدو
صنف منقسم هستند مأمورین درجه اولی مستشار سفارت و سرکاتب
واتشه ها و مأمورین شانسلریه یعنی دفترخانه و مأمور روحانی است
سفرا و اینها از طرف حکمدار متبوع خودشان معین میشوند برای
اینکه از مأمورین رسمیه هستند با متیازات دیپلوماتیکیه نایل
میشوند مأمورین صنف دوم که مخصوص شخص سفیر هستند
سرکاتب و خدام سفارت و اصطبل هستند که اینها از مأمورین
رسمیه سفارت شمرده نمیشوند بطور مذکور مأمورین رسمیه سفارت
فقط عبارت از صنف اولی است و چون این اوقات در
کافه ممالک متمدنه دقت و اعتنا مینمایند که مأمورین سفارت
از اصحاب لیاقت و استعداد بشوند باین قبیل مأموریتها
جوانانیکه از ارباب معلومات هستند انتخاب و معین میشوند.

بعضی دولتها به ممالک خارجه بسفارتهای خودشان بدون
امتحان اتشه ها معین کرده و معاش میدهند آتشه ها و سرکاتب ها

که موظف هستند در هر جا نسبت بدرجات خودشان امتحان کرده شده و معین میکردند مثل اینکه آتشه ها باید حقوق ملل و تاریخ اعصار اخیره و علمهای ثروت ملل را تحصیل کرده و از السنهٔ خارجه لااقل یکی را تکلم کنند سرکاتبها نیز باید بالطبع زیاده براین از اصحاب معلومات وسیعه باشند غیر از این امتحانات باید آتشه ها و سرکاتبها در اول امر در یکی از اطاقهای تحریرات خارجه بسمت محرری استخدام شوند.

نظاماتیکه دائر باین خصوص است بالطبع مثل القابیکه مخصوص بمراتب و درجات است اختلاف دارد تا حال سفارتهای انگلیس فقط سرکاتبها داشته و اکنون باتشه هائیکه دارای معاش هستند عنوان و لقب سرکاتبی داده میشود.

مثل اینکه سفارتهای فرانسه سه صنف سرکاتب دارند همهٔ دولتها نیز نسبت باهمیت معاملات پولتیکیه سه صنف سرکاتب دارند بعضی دولتها سرکاتب اولی سفارت خودشان را عنوان مستشار بزرگ و یا مستشار کوچک سفارت را میدهند



طی مراتب کردن مأمورین سفارت موافق قاعدهٔ تسلسل میشود چنانکه آتشه های موظف از آتشه های غیر موظف و سرکاتبها از آتشه های موظف و ایلچیهای کوچک از سرکاتبهای اول انتخاب میشوند وگاهی از وزرای قدیمه و امرای عسکریه و از اعضای پارلمنت که از صاحبان اهلیت ولیاقت باشند بصفت سفیر نصب و معین میشوند .

اگر سفیری را واقعهٔ رو دهد و از جانب دولت متبوعهٔ خود سفیر علیحده معین نشود سرکاتب خود را میتواند بصفت مصلحت گذاری بوزیر امور خارجهٔ آن دولت که در نزد او اقامت دارد تقدیم نماید .

در ایام ماضی اگر یکی از سفرای دولت انگلیس میخواست محل مأموریت خود را موقتاً ترک نماید بسرکاتب اول سفارت صفت و مأموریت وزیر مختاری مرخص را میداد اکنون چند سال است که آن عادت را ترک کرده است سرکاتبهای بزرگ و کوچک سفارتها در هنگام غیبت سفیری که



در معیت اوست داخل مجالس مکالمات شده و صلاحیت
ازادارند که تحریرات و مکتوبات امضا شده را ارسال نمایند
همین قدر و لو اینکه گاهی موقتاً مصلحت گذار هم معین بشوند
نمیتوانند بحقوق قائم مقام بودن سفیر نائل گردند .

(استطراد)

سفرای حکومتهای مختلفهٔ آلمان از شهر فرانکفورت در نزد جمعیت
عمومیه که (دیت) نامیده میشد در وقت غیبت
خود و یا در خصوصات دیگر سرکاتب سفارت را قائم مقام
خود کرده وظایف سفیر را اجرا میکرد ولی هرگز داخل مجلس جمعیت
(دیت) نمیشد و سفیر غایب بجهة رأی دادن در
مجلس (دیت) یکی از سفرای دیگر را وکیل میکرد .

(انتهی)



سرکاتب و آتشه های بزرگ و کوچک سفارت مأمور هستند
که تبلیغات سفیر را که در معیت اوست بوزیر امور خارجه

دولتی که مأمور بنزد او هستند و سفرای سائره برسانند و اوراق سفارت و دفاتر آنرا محافظه و تحریراتی را که از روی رمز باید نوشته شود بنویسند و حل نمایند و مسوده نوشتجاتی را که بحکومت محلیه و سفرای سائره نوشته خواهد شد بنویسد و نوشتن صورت مجالس و تصدیق کردن سندات و تحریر تذکره های متولدین و عموم تبعه و تصدیق اوراق مذکوره و پسا پورتها نیز داخل در وظایف و مأموریت آنهاست .

اگر در معیت سفارت مأمور های شانسلریه باشد خصوصات اخیره که داخل در وظایف سرکاتب نوشته شد عاید بمأمور شانسلریه بوده و این مأمورین درجهٔ ثانیه که حائز صفت رسمیه هستند از هر کدام درجه باشند مجبورند که عموماً سفیر را که در معیت او هستند معاونت نمایند .

(فصل بیست و چهارم)

(در بیان عیال و متعلقین سفیر است)



اهل و عیال سفیر از امتیازاتی که خود او حائز است حصه مند بوده

ولیکن چون اینها رسماً بسفارت منسوب نیستند مظهر امتیاز بودن
آنها از حقوق شخصیهٔ آنها نشده محض روابط قویهٔ قرابت سفیر که
حائز امتیازاتست در حق آنها نیز شامل گردیده و این امر بحکم
عادات جاریه درآمده است .

چون کسانیکه قرابت بسفیر دارند در زیر سایهٔ مظهر امتیازات
میشوند متعلقات سفیر که در زیر حکم و نفوذ او نباشد هر قدر قرابت
آنها نزدیکتر باشد بامتیازات دیپلوماتیکیه نائل نمیشوند .

مراسم و تشریفاتیکه در حق زوجات سفرا در هنگام عزیمت
برای حکمداری و محال رسمیه باید مجری شود در بابی که از
مراسم دیپلوماتیکی است شرح و بیان خواهد شد .

(فصل بیست و پنجم)

(در بیان مأمورین غیر رسمیه است که در معیت سفیر میباشند)

سر کاتب و مأمورین سائره که مخصوص بشخص سفیر و بهیئت سفارت
ربطی نداشته و تابع اقامتگاه سفیر هستند بامتیازات
دیپلوماتیکی نائل نمیشوند . ولیکن چون او را صفت



رسمیّهٔ سفیر بکافهٔ اشخاصی که درمعیّت او هستند منعکس است
حکومت محلیه در اجرای معاملاتیکه بضرر منسوبین سفارتست باید
از حرمت و رعایتی که لازم است قصور و خودداری ننماید .

(استطراد)

سفرا بعد از وصول بمحل مأموریّت خودشان باید اسامی کسانی را
که در معیّت او است در دفتری نوشته و بوزارت خارجه
ارسال دارد و تبدلاتی را نیز که در مدّت مأموریت او واقع
میشود بیان و اخطار نماید و مطالبهٔ اظهار وزارت خارجه این
دو فقره را بحکم عادات جاریه در آمده است .

(فصل بیست و ششم)

(در بیان پوسته است)

اگر چه مکاتبات و محررات دولتها با سفرا و مأمورینی که در
ممالک خارجه دارند که بواسطهٔ پوسته های عادی ردّ و بدل
میشود بموجب قاعدهٔ حقوق ملل از تطرّق نقض و خلل مصون و
محروس میباشند ولیکن چون در بعض حالات مستقیماً و سریعاً



ایصال تحریرات از مقتضیات منافع مخصوصه آنها است بناءً علیه پوستهای مخصوص براه می اندازند.

(استطراد)

در وقت صلح و مسالمت شخص مأمورین پوست تجاوز کرده نشده و چون معاینهٔ تحریرات مذکوره و ضبط آنها در ملتها درجهٔ ممنوع است هرگونه معاملات جبریه که واقع شود اعم از اینکه در مملکت دولتی باشد که سفیر در آنجا اقامت داشته و مأمور پوست بآنجا میرود و اعم از اینکه در شهرهای دیگر دولتی باشد که پوست از آنجا خواهد گذشت مغایر احکام حقوق ملل است (انتهی)

بعض سفرا برای عدم موافقت دولتهائیکه در نزد او اقامت دارند از حقوق راه انداختن پوست محروم میمانند مثلا در سال ۱۸۰۰ میلادی (سر چارلس ویتقورت) سفیر دولت انگلیس که در پطربورغ اقامت داشت محض راه انداختن پوست از دولت روس پاسپورت خواست و دولت روس نداد ناچار تحریرات خود را نفرستادن با پوستهای معتادی مجبور



گردید و هر قدر در این باب بدولت متبوعهٔ خود شکایت کرد مثمر
ثمری نگردید
همین قدر اگر سفیری در ضرر دولت حکمداری که در آنجا نزد او
مقیم است تشکیل جمعیت فساد نماید و یا آنکه به تشکیل آن مساعدت
نماید که مخل آسایش و امنیت مملکت و دولت باشد و احکام حقوق
ملل را اخلال کند محض ظاهر شدن ارباب فساد و رفع این قبیل
حالات و خیمه امتیازات مذکوره سفیر قطعاً مانع نتواند شد که
مکاتبات سفیر ضبط نشود زیرا دولتی سفیر را که صاحب امتیازات
باشد قبول نماید متحمل نتواند شد که محض استناد و استظهار و با امتیازات
و معافیات باعث حدوث مفسدت و اختلال شود خواه
دولتی باشد و خواه شخصی همینکه بقای وجود خود را در تهلکه دید برای
اینکه نتایج وخیمهٔ آن بغیر راجع شود محض محافظت شخص خود حق
آزادی دارد که باتخاذ تدابیر مفرطه قیام و اقدام نماید .
و برای اینکه پوست از تطرق خلل مصون و محفوظ باشد مأمورین
پوست باید دائماً علامت فارقه را حامل بوده و مخصوصاً و



در دست او پساپورت منظمی باشد که مأموریت او را اشعار نماید

اگر دولتها محض تسریع و تسهیل سیر و حرکت پوستها اصول معاینه کردن اشیاء او را در سرحدات لغو و ابطال نموده اند بعضی از مأمورین پوست که این قسم مظهر مساعده شده اند این مساعدات را در صورت غیر لایقه استعمال میکنند و واضح است در حالتی که اشیاء ممنوعه نقل نمایند درجه درجه تفتیح کرده شده و از نتایج مؤلمهٔ وخیمه که از این عمل قبیح مترتب میشود خودشان مسئول خواهند گردید ولیکن معافیت مذکوره دائماً جاری نشده تنها پاکتهائیکه بمهر رسمی ممهور هستند نطقاً معاینه نمیشوند .

اگرچه در اثنای محاربه در خصوص آمد و شد نمودن پوستهای دشمن و یا متفقین او در کمال امنیت مقاوله بسته نشده است دول محارب در ضبط و توقیف تحریرات و پوستهای مذکور خود را محق میدانند بهمین جهت است که در مکالمهٔ اول که دائر بصلح واقع میشود از همه چیز مقدم باستحصال اسباب تأمین و

ازاد



و آزادی آمد و شد پوستها مسارعت میشود .

در حالتی که بجهة نقل تحریرات اشخاص مخصوصه باسم مامورین پوست استخدام نشود بجای آنها سرکاتب سفارت و اتشه ها و اگر سفیر از امرای عسکریه باشد از ضابطان عسکریه مثل ماژور در این امر استخدام میشود و بعضاً در صورت دائمه کسانیکه در خدمت دولت نبوده و لیکن شایستهٔ وثوق و امنیت هستند باینکار مامور میشوند و این قبیل اشخاص که از خارج در خدمات پوست استخدام میشوند امانت آنها در پاسپورتشان مقید میگردد .

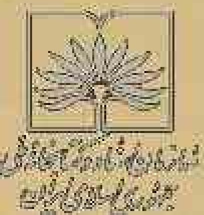
مامورین وزارت امور خارجه هم بسفرای دولت متبوعهٔ خودشان که در ممالک خارجه هستند گاهی تحریرات برده و بصفت مامورین پوست معین و ارسال میشوند .

(باب ششم)

(در بیان حقوق و امتیازات مامورین دیپلوماتیکی است)

(فصل بیست و هفتم)

در بیان محفوظیت مامورین دیپلوماتیکی است از هر گونه تجاوز

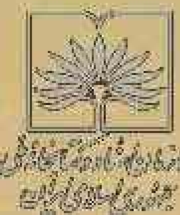


وحرمت ورعایتی که درحق آنها باید مرعی الاجرا بشود محض اینکه
مأمورین دیپلوماتیکی وظایفی را که محوّل بعهدهٔ آنهاست با منتهی
تامه ایفا نمایند علی العموم بعض امتیازات معقوله ومتخذه را حائز
میباشند یکی از این امتیازات معتنابها عدم تجاوز است
چون مأمورین دیپلوماتیک بشخصه مقدس وپاک هستند هرگونه
افعال ومعاملاتیکه از آنها سر میزند اخلال این امتیاز نماید صفت
رسمیهٔ آنها را یکنوع حقارت شمرده میشود چون سفیر با یفای وظایف
مهمه از قبیل ختام دادن بمصائب ناگوار حرب وحفظ نمودن
صلح ومسالمت که درمیان دو دولت جاری است مأمور
میباشد مظنون است کسانیکه از انقطاع رابطهٔ اتفاق دو دولت
ویا دوام محاربات ومخاصمات مستفید میشوند سفیر را هدف
ونشانهٔ تیر حیل ودسایس خود خواهند نمود علاوه براین در
هر مملکت که سفرا مقیم هستند بعضی اشخاص ومأمورین بزرگ
بهم میرسند که آنها را یعنی (سفرا را) سعی وتلاش کننده
برضدّ حکومت محلیه حساب نموده ودرحق آنها دائماً بعض

وخصوصیت میورزند

چون این قبیل تحقیرات و تجاوزات در حق سفرا مسبوق الامثالست
برای منع وقوع این قسم حالات نالایقه لازم است که سفرا
بحکم حقوق ملل که قانون جمیع دولتها است مصون و محفوظ باشند
هم چنین اقامتگاه و خدام و اشیاء سفرا معاف بوده
و این از قواعد کلیهٔ حقوق ملل موضوعهٔ اروپ معدود گردیده است
همچنین قاعدهٔ محفوظ بودن سفرا از تجاوزات مستلزم آن است
که از متابعت بقوانین موضوعهٔ مملکتی که در انجا است معاف
باشند

این معافیت مبنی بیک لزوم قوی است چنانکه اگر سفیری
بیک جهة جزئی در تحت تابعیت حکمداری که در مملکت او است
باشد نمیتواند امور مأمورهٔ خود را بقدر حیثیت و آزادی و امنیت
ایفا نماید بدان لحاظ باید از تبعیت احکام موضوعه و قوانین
مملکتی که در انجا اقامت دارد معاف گرد ولی اینقدر هست
که اگر سفیر بشخصه قدر و حیثیت خود را فراموش کرده قضیهٔ حقارت



کردن و دیدن آنرا از نظر خود دور نماید و بواسطه بعضی تعدیات
و تجاوزات آسایش عمومی را اخلال و اهالی و مأمورین را تحقیر نمود
و بایقاع فسادات مبادرت نماید الحاصل اگر بارتکاب جنایت
صفت رسمیهٔ خود را لکه دار نماید بطوریکه مذکور گردید معافیتی
که سفیر بآن نایل شده است موجب عدم مجازات او نشده
بالعکس از طرف دولت متبوعهٔ خود مظهر مجازات خواهد گردید
حکمداری که این چنین سفیری در نزد او بوده و در حق او سوء ظن
داشته باشد برحسب وقت و حال میتواند تدابیر مقتضیهٔ
امنیت را اتخاذ نماید مثلا با آن قبیل ایلچی کلیهٔ مناسبات
و مخابرات را قطع مینماید و برای قطع مناسبات او با خارج
میتواند که اطراف سفارتخانه را بقوهٔ عسکریه محصور و احاطه
نموده و حتی از ممالک خود طرد و ابعاد کند و اگر سفیر مقاومت
نماید حکمدار حق آنرا دارد که باستعمال قوهٔ جبریه او را از مملکت
خود اخراج نماید و چون سفیر علی ملاء بوضع و حرکت خصمانه مبادرت
کرده و خود سبب اجرای معاملات جبریه در حق خود شده است

ومغایر وظیفهٔ خود که عائد بسمت رسمیّه است حرکت نموده و در این
حرکت مجرمانه صفت رسمیّه و امتیازاتی را که حائز آن است محو
ازاله کرده است مظهر این قسم مجازات شدن لازم و جائز است
حتّی سفرا در این قبیل حالات توقیف هم شده اند چنانکه پرنس
(روسلامار) بجهة مدخلیّت او در یک اتفاق خفی که قاردینال
(البرونی) نام وکیل اول اسپانیا تشکیل کرده بود متّهم شده
و در سال ۱۸۰۸ میلادی در هنگام استیلای (فنیلانده)
مسیو (دالوپاقوس) سفیر روس که در (استقولوم) اقامت
داشت توقیف گردیدند ولیکن چون بر حسب حقوق توقیف
سفرا جائز نیست توقیف سفرا در حالات مذکوره باقتضای
حقوق ملل تجاوز کردن بحدود معیّنه محسوب میشود .
اگر چه شناخته شدن سفیر بصفت رسمیّه که حائز آنست و مظهریّت
او بحقوق کامله فقط منوط بتقدیم اعتماد نامه و رسمی شدن
آن است ولیکن از اصول و قاعده متّخذه جمیع دولتها است از
هر آنی بممالک حکمداری که مامور نزد او بوده و حکمدار مزبور او را نوربت



آن اطّلاع وارد قدم گذاشته تا از ان ممالک عزیمت نماید باید
عدم تجاوز بحقوق راکه مخصوص بصفت رسمیّهٔ اوست جائز باشد
مبنی برانیکه این قاعدهٔ عدم تجاوز بکافّهٔ احوال وحرکات سفیر مخصوصاً
بمعاملاتیکه داخل در دائرهٔ وظایف مأموریّتی اوست شمول دارد
هنگام صلح وآسایش با مرحکومت بازنمودن تحریرات اصلیّهٔ دولتی را
ومخصوصاً محرّراتی راکه بسفرا ارسال مینمایند اخلال کردن
حقوق ملل است .

(استطراد)

بازنمودن این قسم تحریرات خفیّه مقدّماً کثیرالوقوع بود دولتها
برای اینکه تحریرات را بازکرده وبمآل آنها کسب اطّلاع نمایند
باسم (اطاق تاریک) اداراتی تشکیل کرده واز لوازم میشمردند
ولیکن فی یومنا هذا اسرار مکاتیب زیادتر مکتوم ومحفوظ است
وعلی الخصوص درکافّهٔ ممالک که باصول مشروطه اداره میشود
محافظت ومکتومیّت مکاتیب بموجب قانون ونظام
تأمین کرده شده است وعلاوه برآن تحریرات مخصوصه



افراد ناس هم کسب تزاید و ترقی نموده است و چون کسب
اطلاع کردن بمندرجات مکاتیب صعوبت و اشکال بهم رسانیده
مأمول است که عنقریب اطاقهای تاریک کلیةً لغو و محا بشود

(انتهی)

چون محفوظیت حال سفرا در یک قاعده مطلقه است ولو اینکه
درمیان دولتی با دولت سفیری که در نزد او اقامت دارد
برودت حاصل شده و یا آنکه قطع مناسبات کرده و باجرای مخاصمات
مباشرت بشود باز شخص سفیر را از تجاوزات و معاملات غیر
لایقه حفظ و وقایه مینمایند .

(استطراد)

حتی مقالات نالایقه را که روزنامههای غیر رسمی در حق سفیری
بنویسند باید تقبیح کرده شود :

و اگر دولتی از سفیری شکایت نماید باید اول بالتصراحه بخود او
بیان کیفیت نماید و اگر اهمیت مادّه لزوم داشته باشد
کیفیت را بدولتی که سفیر را فرستاده است اشعار نماید .

اگر سفیری بتألیف کتب اشتغال نماید صفت رسمیهٔ او از تعریضاتیکه در حق سایر مؤلفین جایز نیست نمیتواند او را حفظ و وقایه نماید حتی تعریضاتیکه زیادتر از همه محل ناموس و اعتبار است ولو اینکه مضر صفت رسمی سفیر باشد بنظر تحقیرات عادیه نگاه کرده میشود اگر سفیری در جمعیت اسافل و اوباش بوده و در آنجا حقارت به بیند مشکل است که در مقام ادعای ترضیه برآید .

(انتهی)

مأمورهائیکه از طرف دولتی بصفت نیم رسمی قبول کرده میشوند ولو اینکه حکومتی که او را فرستاده است شناخته نشود و باین سبب با امتیازات سایره سفرا حق نداشته باشند باز امتیاز عدم تجاوز را حائز خواهند گردید .

(فصل بیست و هشتم)

(دربیان استقلالیت سفر است)

چنانکه پیش از این مذکور گردید محروس بودن شخص سفیر از هرگونه تجاوزات باقتضای قاعدهٔ حقوق دولیه بصفت رسمیهٔ آن

سفیر مخصوص بوده مثل اینکه استقلالیّت مطلقهٔ او قاعدهٔ ونیز ولا
نتیجه مصونیّت حالت مذکورهٔ اوست استقلالیّتش هم نتیجهٔ استقلالیّت
دولت متبوعهٔ اوست که آن دولت حائز آن استقلالیّت میباشد
سفیر محض تکمیل محافظت این استقلالیّت با وقایهٔ حرّیّت معنوی از دادن
استقلالیّت خود بتحت تأثیر هرگونه حالات جنابش لازم است باین
معنی از حکمداری که نزد او مقیم است هیچگونه مأموریّت و باهر اسم
و صورت که باشد خواه علناً و خواه خفیّاً وظیفه و مرسوم قبول نکرده و
التماس و خواهشی نباید بکند و حتّی باقتضای شرف و ناموس و صداقت
و خلوصی که بدولت متبوعهٔ خود دارد از این قبیل چیزها دوری کردن
از واجبات ذمّهٔ اوست .

(استطراد)

اقامت سفیری در یک دولت و ملازمت دائمهٔ ان بحکمدار
ان مملکت و مناسبات دوستانهٔ اش با مأمورین و اهالی آنملکت
بعض اوقات مستلزم تکوّن پارهٔ تأویلات غیر مساعد میگردد بهمین
ملاحظه برای منع وقوع محاذیری که از اقامت طویلهٔ سفیر



حاصل میتواند شد باقتضای وقت وحال تبدیل سفرا لازم میآید

(انتهی)

سفیر بدون امر واجازهٔ متبوع مفخّم خود از دولتی که در نزد او مقیم است و یا از سایر دول خارجه رتبه و نشان وعطیّه واحسان بهیچ عنوان نمیتواند قبول بکند .

(استطراد)

این قاعده منحصر بمأمورین دیپلوماتیک نبوده بلکه درحقّ جمیع تبعه که در ممالک خارجه مقیم اند جاری میباشد چنانکه هرکس در هر حال ورتبه باشد تا از دولت متبوعهٔ خود استیذان نکند نمیتواند از دولت دیگر نشان باعنوان وعطیّه واحسان قبول کند (انتهی)

واگر بالاستثنا سفیری که در نزد دولتی اقامت دارد از تبعهٔ اصلیّهٔ او بوده و دولتی که او را فرستاده راضی گردد که سفیرش بهمان صفت قبول واعتبار کرده شود در این صورت سفیر مذکور در کافّهٔ خصوصات که بمأموریّت رسمیّهٔ او عاید نباشد تابع قوانین آن دولت میشود که از تبعهٔ اصلیّهٔ اوست . دلیلش این سفیر اگر

چه از تبعهٔ دولتی است که مأمور بنزد اوست ولیکن هر مدت که
در نزد آن دولت بسفارت اقامت دارد استقلالیت و کافهٔ
معافیات و امتیازات را که عائد بصفت رسمیهٔ اوست حائز
میشود مگر اینکه دولتی که این سفیر در اقامت بنزد او مأموریت
دارد شرط صحیح و صریح کرده باشد که آن سفیر را مطلقا از
تبعهٔ خود معدود دارد.

فصل بیست و نهم

در قواعد اینکه اقامتگاه سفیر مثل مملکت دولت متبوعهٔ خود باید اعتبار کرده شود

امکنه و اقامتگاههای مأمورین دیپلوماتیکی مثل ممالک دول متبوعهٔ آنها معدود گردیده و کافهٔ امتیازات و معافیات که سفرا حائز آن هستند داخل درین خصوص است همین است که بحکم این قاعده سفیری هر قدر که در ممالک خارجه است مثل آن معدود میشود که در مملکت متبوع متخم خود اقامت دارد.

وبدین جهة در حق حقوق تصرفیه و امور ذاتیهٔ خود که بمقادله



وارث و یا بوصیت با و انتقال مینماید تابع نظامات و قوانین

مملکت و وطن خود میشود . و اگر او لادی هم از او در ممالک

خارجه تولد نماید مثل آن محسوب میشود که در مملکت خود زائیده

شده است .

سفیر بمحکمهای مملکتی که در آن مقیم است جلب و احضار نشده و اقامهٔ

دعوا نکرده و حبس و توقیف نمیگردد برای قروضی که پیش از

مأموریت و یا بعد از آن کرده است اموال و اشیاء آن حتماً

وقطعاً ضبط و تصرف نمیشود باین امتیازات زوجهٔ سفیر و مأمورین

سفارت نیز نائل هستند .

اقامتگاه سفیر در زیر یک معافیت کامله بوده مثل شخص خود که خارج

از مملکت خود معدود میگردد ضابطان محلیه نمیتوانند باقامتگاه

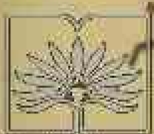
آن داخل شوند .

(استطراد)

در پاریس برای سوء قصدی که در حق مسیو (دوبالش) که از

اتشه های سفارت روس بود واقع گردید در میان دولتهای

فیلم



فرانسه و روس مباحثهٔ غریبه ظاهر گردید چنانکه فقرهٔ قصد
مزبور در سفارتخانهٔ روس واقع گردید که بقاعدهٔ حقوق ملل
در ممالک روس واقع شده است اگرچه تسلیم شدن این صاحب‌منصب
روس را که بجنایت متهم بود دولت روس از دولت فرانسه طلب
نمود ولیکن وزیر امور خارجهٔ فرانسه اظهار داشت که این جانی
از جانب سفارت روس به پنجهٔ قانون دولت فرانسه داده
شده است و باید بحکم و قرار محکمهای فرانسه که در این باب داده
خواهد شد انتظار کرده شود آخرالامر دولت روس تصدیق و قبول
کرد که دولت فرانسه حق و صلاحیت آنرا دارد که این امر در
محاکم آن قطع و فصل شود و محاکم فرانسه نیز محض ابراز یک
احترام مخصوصی شاهدهائی را که از مأمورین سفارت روس بود جلب
و احضار نکرده مخصوصاً مأمورین ارسال کرده و شهادت آنهارا
استماع نمودند . (انتهی)

رها یاب شدن سفرا از قوانین و نظامات محلیه برای حسن ایفای
وظایف مأمورهٔ خودشان مؤسس بمنافع مشترکه است که از





لزوم استقلالیت کلیهٔ آنها از حکومات محلیه مترتب گردیده است

برای عدم وقوع حرکات و اطواری که مأمورین کوچک که سبب
اخلال امتیازات سفرا توانند شد و برای اینکه حسن اتفاق که در بین
دو مملکت جاری است خلل پذیر نشود باید از طرف دولتها نهایت
دقت و اعتنا کرده شود زیرا اگر در دولتی از طرف مأمورین جزو
بعض حرکات واقع شود که اخلال امتیازات سفرا نماید باعتقاد
اینکه آن دولت میخواهد بدین وسیله باسرار و خفایای خارجه
مطلع باشد بر طرف شدن سوء آثاری که از این حال حاصل خواهد شد
قدری باشکال خواهد رسید و لو اینکه آن دولت در این حرکات
واقعه مقصدی نداشته و عدم مدخلیت خود را در این قبیل کارها
باعطای ایضاحات لازمه بیان و آشکار نماید .

کیفیت تعیین و ارسال سفیر از طرف دولت متبوعهٔ خود و قبول
شدن آن از طرف دولتی که نزد او فرستاده میشود در مقام
یک معاوله نامهٔ ضمنی است که دایره تبعیت آن سفیر بحکومت
دولتی که منسوب باوست درمیان دولتین منعقد میگردد .



درخصوص معاف بودن محلها یعنی خانهائیکه درحوالی اطراف اقامت
گاه سفیر هستند ولو اینکه نشان و (ارمه) را که مخصوص بحکمداران
سفیر است بیاویزند و خود را از اتباع بقوانین مملکت معاف و آزاد بدانند
چون این عادت آشکارا داخل در استعمالات غیر حسنه است و در زمانهای
گذشته در اکثر ممالک جاری بود و لیکن این اوقات عموماً لغو و
باطل گردیده است .

(استطراد)

معافیت مذکوره در رسم تتوج امپراطور آلمان در رم و مادرید
و وندیک و فرانقفورت جاری بود . (انتهی)

(استطراد)

اکنون هم در رم با سفارتخانهای بعض دولتها مثل فرانسه و اسپانیا
یکنوع امتیازات محله را حائز بوده برای بودن نشان حمایت
در روی درب خانها ارمه های ملتی تعلیق کرده شده است .
در سال ۱۷۵۹ میلادی سفرای فرانسه که در جنوه اقامت داشتند
حائز این حقوق بودند که رخصت نمیدادند مأمورین پولیس از پیش

سفارتخانها مرور و عبور نمایند بعلاوهٔ اینکه این حقوق شایستهٔ رشخند واستهزا بود در حق حکومتی هم که باجرای آن موافقت میکرد یکنوع حقارت شمرده میشد امتیازات مذکوره در اسپانیا در اواخر عصر هفده هم لغو وابطال گردید . (انتهی)

اگرچه معاف بودن سفارتخانه که مخصوص باقامتگاه سفیر است نتیجهٔ قاعدهٔ دولیه است که آن سفارت از ممالک دولتی که منسوب باوست محسوب میشود ولیکن اگر سفیر دایرهٔ معافیت مذکوره را توسیع نموده شخصی را اعم از خارجی و داخلی که برای ایقاع جنایت و یا جرم و قباحتی که از طرف حکومت تعقیب میشود بسفارتخانه قبول نماید و مساعدت کردن تا آن درجه که جریان احکام قوانین و نظامات مملکت را تعطیل کند بمثابهٔ آنست که استقلالیت دولتها را اخلال نماید .

اگر التجا نمودن یک متهم بسفارتخانهٔ دولت خارجه تحقق نماید علاوه بر اینکه حکومت اطراف آن سفارتخانه را احاطه نموده و مانع فرار آن متهم میشود اگر موافق اصول و نظام متهم را از سفیر مطالبه نموده و سفیر در تسلیم آن ممانعت کند در حال میتواند که از خانهٔ آن متهم را



جبراً نیز اخراج نماید

(استطراد)

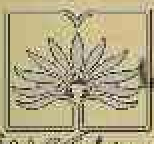
در تاریخ سنه ۱۷۲۹ میلادی در اسپانیا دک روربیر انام باتفاق لورد هارنگتون سفیر انگلیس ملتجی شد چون اگر او را جبراً از سفارتخانه میگرفتند اصول موسسه برای جریان مناسبات و مخابرات فیمابین حکمداران اخلال میکردید و مبنی بر اینکه امتیازات سفارتخانها در حمایت به تبعهٔ طرفین متدرجاً عمومیت بهم رسانیده نشر یکسانی میکرد که اموال و عساکر و خفایا و اسرار دولت در ید اداره و کتمان آنها بوده و در امور محوله بخود خطا و قصور میکردند و دولت حال مذکوره بکافهٔ دول در منتها درجه مضرت داشت بناءً علی ذلک از طرف مجلس (قتل) مقرر شد که دک روربیرای مذکور جبراً از سفارتخانه گرفته شود .

(انتهی)

آراء و افکار صاحبان قلم که در این باب دارند متغایر یکدیگر بود و بعضی از آنها اگرچه مدعی این هستند که برای فرار نکردن ملتجی



حکومت حق و صلاحیت آن دارد که اطراف سفارت را به
محافظین احاطه نماید ولیکن حق و صلاحیت حکومت را باخراج کردن
متهم از سفارتخانه بقوهٔ جبریه تعریض کرده و گفته اند که حکومت
استرداد متهم را باید بواسطه و بمعرفت وزارت خارجه از سفیر
بخواهد و اگر سفیر مخالفت نماید آنوقت از حکمداری که متبوع مفخم
اوست مطالبه نماید و بعضی از مؤلفین ارباب قلم نیز ادعا کرده اند
که مجرم را مستقیماً مجالس دعاوی از سفیر مطالبه نماید و اگر سفیر جواب
رد بدهد مجالس دعاوی مأذون هستند که سفارت را تحری و جستجو
کرده متهم را بدست بیاورند ولیکن باید از معاملات نالایقه
که عائد بشخص سفیر و مأمورین و مستخدمین بوده و مخل مراعاتی باشد که
بحقوق شخص آنها ضرر برساند مجانبت و دوری نمایند .
بعقیدهٔ عاجزانه ما اگر اختفاء وجود متهم در سفارتخانه محقق بشود و
در تاخیر دست آوردن آن وقوع مخاطره ملحوظ شود آنوقت جستجوی
سفارتخانه موافق حقانیت میشود و چون امتیازات سفیر شخص او را
از ارتکاب او باین قبیل استعمالات سیئه نمیتواند محافظه نماید اداره



پولیس بارعایت کردن حقوق تصرفیهٔ سفیر میتواند که در داخل سفارت اجرای تحریات کرده و شخص جانی را بدست بیاورد اگرچه پس از آنکه شبههٔ قویه حاصل شد که سفیر امتیازاتی را که مخصوص باقامتگاه خود او است بد استعمال کرده است و آنوقت از خود او ایضاحات خواسته شده و بحکومت آن سفیر عرض و شکایت کرده میشود ولیکن باز داخل شدن بسفارت خانه بطور جبر و عنف جایز نیست و همچنین اگر بودن متهم در سفارتخانه محقق شده و از فرار کردنش بیم بشود اطراف سفارتخانه احاطه کرده شده و بیرون رفتن سفیر از آنجا به خود او اخطار و بیان کرده میشود و حتی بسرحدات هم میشود ایصال کرد ولی باندرون سفارتخانه نمیتوان داخل شد.

مثل اینکه سفیری نمیتواند اشخاصی را که از طرف محکمهای مملکت بجنایت متهم هستند معاونت در فرار او نماید و یا آنکه در ادخال اشیای ممنوعهٔ مملکت بطریق حیله و خدعه همراهی کند مدخلیت مأمورینی را که در معیت او هستند باین قبیل چیزها نمیتواند تجویز نماید



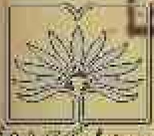
(استطراد)

اگرچه در روما (مارکی دو فونتونه) سفیر فرانسه اشقیا و منفیهای ناپولرا بنزد خود قبول نموده و آنهارا بکالسکهای خود سوار و میخواست که از شهر بیرون ببرد ولیکن هنگام بیرون آمدن عرادها از شهر محافظین پاپ آنهارا توقیف و اشقیای مذکور را الحبس القا نمود سفیر مشارالیه در این خصوص بشدت تمام شکایت و در تصاحب اصحاب فساد جرأت نمود پاپ اظهار داشت که من حق و صلاحیت از اوام که بصفت حکمداری اهل فساد را در هر جائی که باشند اخذ و توقیف نمایم و امتیازات سفرا آنقدر شمول ندارد که اشقیا را تصاحب و حمایت نماید ولیکن با همهٔ اینها در ایام ماضی در روما سفرا تا یکدرجه حق و صلاحیت آزاد داشتند که التجا کنند با محافظت نمایند ولیکن این صلاحیت در سال ۱۸۱۵ لغو و باطل گردید.

(فصل سی‌ام)

{ درخصوص معاف بودن مأمورین دیپلوماتیکی آت از حاضر شدن به محاکم جنایت }

برای آنکه مأمورین دیپلوماتیکی از تابع شدن بحکام موضوعه



مملکتی که در آن هستند معاف میباشند برای جرم و جنایتی بمحاکم مملکتی
که در آن اقامت دارند احضار نمی توانند گردید باین قاعدهٔ دولتیه
که الیوم مقبول و متخذ عموم دول است در ایام گذشته ایراد و اعتراض
کرده میشد رؤیت و رسیدگی کردن بجرم و جنایاتیکه سفرا بالذات
مرتکب آن میشوند در محاکم محلیه از طرف هیچ دولتی ادعا نکرده
وحتی در سال ۱۷۶۳ میلادی حاکم (هتس قاسل) اگرچه بتهمت
اینکه سفیر دولت فلمنک مال دیوان را اختلاس نموده است
او را توقیف نمود ولیکن چون این امر مغایر احکام حقوق ملل بود
آخرالامر بترضیه دادن درین خصوص مجبور گردید واما در خصوص
عدم رعایت بمعافات و امتیازات مأمورین دیپلوماتیک
که حائز آن هستند و مجازات کردن آنها به قصاص و اعدام فقط
یک واقعهٔ مشهوره مضبوط صحایف تواریخ است .

(استطراد)

در سال ۱۶۵۳ میلادی (دون پانتالیون سا) برادر سفیر پرتکیز
که در لندن اقامت داشت و از مأمورین معیت سفیر بود

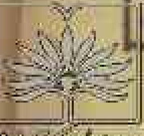
در بورس اشتدن یکنفر انگلیس را متعمداً بقتل رسانید و بخانه برادریش التجا نمود آنوقت (فرا مویل) نام شخص مشهور که بعنوان حمایت در انگلیس اجرای حکومت میکرد ترتیب جزای این جنایت فجیعه را تصمیم کرده دعوا را بمحکمه متعینان حاله نمود و هرقدر (دون پانتالیون سا) بودن خود را از مأمورین سفارت خارجه و معافیت خویش از تبعیت بقوانین مملکت ادعا نمود اما اعتماد نامه خود را نتوانست تقدیم نماید و هم بجهة اینکه بودن او از مأمورین معیت برادریش بجائز شدنش با متیازات دیپلوماتیکی دلیل کافی نمی توانست بشود بقتل و اعدام او حکم کردید.

حتی رئیس محکمه مزبوره گفته بود که اگر (دون پانتالیون سا) ولو اینکه صفت سفارت خود را هم اثبات میکرد باز برای محاکمه بمحاکم مملکتی که منسوب باو بود فرستاده میشد خواه سفرا و خواه مأمورین معیت را چون امتیازات دیپلوماتیکی را نائل هستند (لانج) نام که از مؤلفین مشهور آلمان است این معامله را که مغایر احکام حقوق ملل است تقبیح نموده است (انتهی

برای جنایاتیکه در حضور دولتی واقع شود در حق معافیت محاکمه شدن سفرا در محاکم محلیه اعتراض واقع گردیده است چنانکه (روس) نام سفیر کبیر (ماری استوارت) از پادشاهان (اسقوچیا) در حضور (الیزابت) از پادشاهان انگلیس بایقاع حیله و فساد متهم گردیده (لورد بورلیک) که آنوقت صدر اعظم دولت انگلیس بود مدعی شد اگر سفیری در نزد حکمداری مصدر حرکتی بشود که شان و شوکت آن حکمدار را اخلال نماید امتیازات دیپلوماتیکیه سفیر که حائز آنست در این باب حکم و تأثیری نداشته و برای این حرکت که از او سرزده است باید مظهر مجازات بشود بالعکس اگرچه سفیر مذکور از امتیازات دیپلوماتیکیه خود که بصفت او عائد است گفتگو نموده و مدعی گردید که امتیازات دیپلوماتیکی حقاً اخلال نشده بلکه بالقوه مضمحل و مختل میشود ولیکن دولت انگلیس سفیر مزبور را مدتی در حبس نگاهداشته پس از طی دعوا تحت الحفظ از سرحدات طرد و اخراج نمود



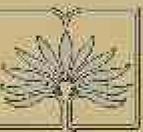
درسال ۱۷۱۷ میلادی دولت انگلیس (کنت جلانبورغ)
سفیر (اسوج) راکه درلندن اقامت داشت بخیال اینکه در
حیل وسیاسی که درضرر خاندان هانور واقع گردید مدخلیت
داشت تحریرات اورا توقیف نموده وازتحریرات مذکوره
دلائل مثبته یک اتفاق خفی راکه عائد بمنافع خاندان (استوارت)
بود کشف واستخراج کرده وسفیر مذکور را توقیف واوراق اورا
مصادره نمود وتوقیف (بارون غورتز) سفیر دولت
(اسوج) راکه در (لاهای) اقامت داشته ومؤسس
این اتفاق خفی بود از دولت (فلمنک) مطالبه واستحصال
نمود ودر مقابل این پادشاه (اسوج) (شارل) دوازدهم
نیز سفیر کوچک انگلیس راکه در (استقولوم) اقامت داشت
توقیف نمود همین قدر که بحسن همت ووساطت صدراعظم
دولت فرانسه این سه سفیر از محبس خلاصی یافتند.
اگرچه (لورد ماهون) توقیف شدن (بارون غورتز) را
تقبیح کرده ولیکن گفته است بملاحظهٔ اینکه اگر سفیری درامر حکومتی که



که در نزد او اقامت دارد ایقاع فساد نماید بموجب احکام حقوق ملل از حمایتی که حق مظهریت آن را دارد ساقط گردیده و آن حکومت حق و صلاحیت آن را دارد که در باره او موافق اقتضای منافع خود حرکت نماید پس در این صورت توقیف شدن جلابورغ موافق قاعدهٔ حقانیت بوده است

اگر یک سفیر در حالت و حرکتی باشد که مغایر احکام حقوق ملل بشود لازم نمی آید حکومتی که آن سفیر در نزد او اقامت دارد مقابلهٔ بالمثل نموده و مخالف قواعد حقوق ملل مصدر حرکتی بشود سوء استعمال سفرا امتیازاتی را که حائز آنها است و جرم و جنایتی که از او در حق دولتی که در نزد او مقیم است هر قدر دخالت داشته باشد نمیتوان سفیر مزبور را عاری از صفات دیپلوماتیکی مشاهده نمود و چون در مجازات این قبیل سفرا فقط بطرد و اخراج آنها از ممالک اکتفا کرده میشود بنا بر علیه توقیف سفرائیکه متهم میشوند بهیچوجه مجاز و معقول نخواهد گردید آرای (لورد ماهون) و (فیلومور) نام اشخاص فوق الذکر را سائر ارباب قانون





انگلیس بکلی جرح و رد نموده اند

چنانکه در حق قضیه (مندوزه) سفیر دولت اسپانیا که برای
خلع نمودن (الیزابت) از پادشاهان انگلیس در مادهٔ ادخال
عساکر خارجه بخاک انگلیس بجنایت اتفاق متهم گردید از
(الیریقوس ژنتلیلس) که از مشاهیر اهل قانون بود سؤال شد
در جواب اظهار نمود (سفیری ولو اینکه در حق حکومتی که در نزد او
مقیم است در حالت ایقاع فساد توقیف کرده بشود و او را به
جزای اعدام مجازات نکرده محض اینکه موافق دلخواه متبوع او
تأدیب بشود بطرف دولت او باید اعاده و ارسال گردد)
بدین وجه به بیرون آمدن (مندوزه) از انگلستان و رفتن
به مملکت خود امر داده شد و مأمور مخصوصی ارسال اسپانیا
گردید که از او شکایت کند

همچنین در زمان (جاک) از پادشاهان انگلیس از (سر روبرت قوتن)
سؤال کرده شده که در طور این قبیل مواد بچه وجه باید حرکت کرد
و او در جواب اظهار داشته که چون سفیر وکیل حکمدار متبوع خود است

باقتضای حقوق ملل از حاضر شدن بمحاکم محلیه معاف شمرده و لازم است که حرکات و افعال سفیر را مثل آنکه از حکمدار متبوع او سر زده است معدود داشت .

این رای و افکار خواه در ممالک انگلیس و خواه در جاهای دیگر محل قبول و اعتبار گردیده است محفوظ بودن حقوق و امتیازات مأمورین دیپلوماتیکی بدرجهٔ قوی و آزاد است که یک سفیر بجهة عدم تعلقی که بمحاکم جنایات دارد حق و صلاحیت آن را ندارد که معافیت خود را که حائز آن است باختیار خود ترک نماید .

و چون این معافیت مبنی بحفظ منفعت شخص سفیر نبوده بلکه برای منافع ملت و حکمداری که تابع اوست وضع و تأسیس شده است لهذا هیچ مادهٔ مثل جلب و محاکمه شدن مأمورین دیپلوماتیکی در محاکم جنایت بشأن و شوکت ملت و حکومتی که متبوع اوست نقص و اخلال نتواند کرد .

اگر چنانچه سفیری مأموریت خود را ترک کرده و از امتیازات خود فراغت حاصل نماید امتیازات دیپلوماتیکی او بالطبع

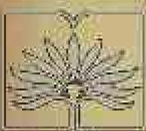


زایل میشود

(استطراد)

وچون درسال ۱۷۴۳ میلادی (قونت دپلیلو) سفیر فرانسه مقیم (کوپنهاک) براهنمائی غیرت جاهلیهٔ خود برای معاونت کردن بشهر (دانزیق) مأموریت خودرا ترک نمود بناءً علیه ازکافهٔ حقوق وامتیازاتیکه عاید بصفت سفیر بود محروم گردید میسو (دُفلاسان) نام شخص دائر باین خصوص مطالعهٔ مقرون بحقانیت بیان نموده باین طوراگرچه بلارخصت ترک کردن سفیری محل مأموریت خودرا وتبدیل جامهٔ صلح وصلاح بزره جنک وجدال بظاهر یکنوع حرکت غیورانه معدود میشود ولیکن چون باالذات مبنای فضل وهنر ایفای وظایف مأموریت است بناءً علیه این قسم حرکت سفیر الحق شایان تقبیح است

(مارکی دمونتی) سفیر فرانسه نیز درلهستان این قسم بی مبالاتی نموده بقلعه های (دانزیق) بالارفته وبعساکر انجا فرمان روائی نموده است ولیکن درضبط واستیلای انشهر سفیر بود مانند



اسیر حبس و توقیف گردید

چون در سال ۱۷۰۳ میلادی اسلحهٔ عساکری که در خدمات عسکریّهٔ دولتهای فرانسه و اسپانیا بودند گرفته شد بناءً علیه لأجل الانتقام معاملات ظالمانه که (ویکتور آمده) والی (ساووا) در حقّ سفیر فرانسه اجری نمود در دعاوی مشهورهٔ کتاب موسوم به حقوق ملل مندرج گردیده است (انتهی)

چون شخص سفیر از حاضر شدن بمحاکم محلّیه معاف است در دعاوی سائره به صفت گواه نمیتواند بمحاکم محلّیه احضار و دعوت کرده شود فقط تحریراً میتوان اخذ معلومات و اطّلاعات از سفیر کرد واگر خودداری نماید نمیتوان در حقّ او به هیچوجه معاملهٔ جبریّه اجری شود

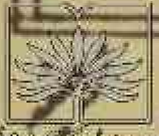
(استطراد)

در سال ۱۸۵۶ میلادی در شهر (واشنگتون) که مقرّ حکومت جمهوریتهای مجتمعهٔ امریکا بود در حضور مسیو (دبوا) سفیر فلمنک قتلی واقع شده واگرچه برای رؤیت و محاکمهٔ این



دعوا شهادت سفیر مزبور مقتضی شد ولیکن چون موافق اصول معتاده محکمه حق و صلاحیت آنرا نداشت که مشارالیه را مستقیماً مانند گواه جلب و احضار نماید بناءعلیه وکیل دعاوی مشارالیه را بواسطهٔ وزارت امور خارجه دعوت نمود سفیر مزبور باقتضای حقوقی که حائز آن بود این دعوت را رد کرده و اظهار داشت که اگر از طرف دولت متبوعهٔ خود اذن داده شود بعد ازیاد قسم مشهودات خود را در آن باب اظهار و بیان خواهد کرد و اگر چه از طرف دولت متبوعهٔ او استحصال اذن و رخصت گردید معهذا سفیر مزبور در این مادّه مواجهة عدم امکان استنطاق شدن و تابع نشدن خود را باصول و مراسم معتاده و در این خصوصات علاوه گفتار نمود وکیل اوّل دعاوی هم عدم وثوق و اعتماد باظهارات او را در ین خصوص اشعار نموده و شهادت او را قبول ننمود. (انتهی)

مسئله اینکه یک سفیر در دعوای جنایت مدّعی میتواند بشود یا نه بموقع مباحثه گذاشته شده است (واتل) نام مؤلف مشهور گفته است که نمیتواند سفیر درین باب مدّعی بشود بلکه میتواند که بجهة تحصیل



ترضیه تکلیف را به متبوع مفخم خود احاله نماید

سفیری در مادهٔ جنایتی نمیتواند بدون رضای متبوع مفخم خود مدعی بشود ولیکن اگر در این باب استحصال رخصت نماید ممکن است که برای محاکمهٔ جانی و اجرای احکام قوانین موضوعه بتوسط وزیر امور خارجه کیفیت را به محکمه میتواند بیان نماید همچنین اگر سفیر ولو اینکه موافق اصول استحصال رخصت نماید و برای ادعای جنایت و یا اینکه احضار مدعی علیه مستقیماً صلاحیت داشته باشد باز این قسم حرکت سفیر نادر ادیده شده است.

(فصل سی و یکم)

{در بیان معاف بودن مأمورین دیپلوماتیک از حاضر شدن بمحاکم ملکیه است}

از قاعده مسلمه است که در حق هیچ دیپلومات در محاکم مملکتی که در انجا اقامت دارد از برای حقوق مدنیه بهیچوجه اقامه دعوا نتواند گردید فقط تنها امتیازات و حدود استثنا آنکه از مقتضیات امور مترتب میگردد در اینجا به بیان آن اَمیاد درنت میشود

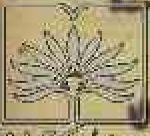


استقلالیتی که سفرا حائز آن هستند تنها بشخص آنها عاید نبوده بلکه بکافهٔ اشیائی که مقتضی ایفای وظایف مأمورهٔ آنها هستند شمول دارد (واتل) نام مؤلف میگوید بملاحظهٔ صفت رسمیتی که سفیر حائز آنست کافهٔ اشیاء مخصوصه که بوجود سفیر و منزل او عاید است باستقلالیتی که سفیر نائل آنست داخل بوده حکومت و ادارهٔ مملکتی که سفیر در انجا اقامت دارد بهیچوجه حکم و تأثیری بآنها نخواهد داشت .

(استطراد)

در میان حکومتهای پروسیا و آمریک مباحثه که شایستهٔ دقت است در کتاب (ویطون) نام مؤلف که بعنوان حقوق دولیه تألیف کرده مندرج است اینک بوجه ذلیل بیان میشود

سفیر حکومات مجتمعهٔ امریک در برلین اقامت داشت مالک آن خانه در حین نقضای مدت اجاره ضبط کردن اثاث البیت سفیر را در مقابل تضمینات ضرریکه باو وارد آمده بوده است



ادّعا نموده وچون باقتضای قوانین موضوعهٔ پروسیا مالک خانه
در ادّعای این قسم مدعیات حق وصلاحیت داشت اگرچه دولت
پروسیا مقرر داشته بود که جائز بودن مأمورین دیپلوماتیک
بمعافیات حاضر نشدن در محاکم محلّیه ابداً باین امر شمول ندارد
ولیکن حکومت آمریک مدعی آن بود که اگر تعرضی بر معافیت اموال
واشیاء سفیر که مخصوص شخص اوست بشود رفته رفته محروم وباز
ماندن سفیر از امتیازات ومعافیات سائره اسهل خواهد بود لهذا
قوانین محلیه نمیتوانند امتیازات ومعافیات سفیر را حصر وتحدید
نماید واین ادعای او مقرون بقاعده وصواب یافته شد .
بموجب احکام قوانین دولت پروس اشیای موجوده مستأجر
برای موجر بعوض یکنوع رهن بوده اگر از طرف مستاجر در تادیهٔ
وجه اجاره بکنوع قصوری دیده شود صاحب ملک حق دارد
که اموال واشیاء مستاجر را ضبط نماید اینقدر هست که اگر شخص
مستاجر از سفرای دول خارجه بوده ودر مقابل قروضات خود
اشیاء موجوده خود را دریکصورت صریحه رهن نگذارد



واز معافیتی که حائز آن است دست نکشد حکم و تأثیری برای

آن رهن باقی نخواهد ماند . (انتهی)

از این قرار حکومت محلیه اشیاء منقوله سفیر را میتواند ضبط

و خود او را توقیف کرده و یا اینکه تذکره مرور ندهد .

(استطراد)

در سال ۱۷۷۲ میلادی مسیو (دیغلیون) وزیر امور خارجهٔ

فرانسه بسفیر حکومت (هس) تذکرهٔ مرور نداده و ارباب

طلب بضبط اموال و اشیاء آن مأذون شده اند .

اگرچه بهمه حال حرمت و رعایت صفت رسمیهٔ سفیر مقتضی است

معهذا حکمداری که سفیر در نزد او باقامت مأمور است بلی

اینکه وظایف مأمورهٔ سفیر را صدمه زند حق و صلاحیت

آن را دارد که سفیر را قبل از آنکه قروضات خود را بدهد از

رفتن باز داشته و در آن باب اجرای معاملات ممانعت را

معمول دارد و دولت فرانسه در سال ۱۷۷۲ بالعموم سفرائیکه

در نزد خود اقامت داشت این فقره را مخصوصاً نوشته است

ودر کتاب فلاسان نام مؤلف موسوم به (امور دیپلوماتیکی فرانسه

این فقره مندرج است .

در قرارنامهٔ که در پنجم نیسان سال ۱۸۱۳ از محکمهٔ امپراطوری صادر

گردید مصرح است در مملکتی که سفیر اقامت دارد و در مقابل

قروضائیکه پیش از مأموریت یا بعد از آن عقد نموده اموال و

اشیاء سفیر ضبط نمیشود .

در سال ۱۷۰۰ میلادی بجهة اینکه سفیر روس که در انگلستان اقامت

داشت من غیر حق توقیف گردید برای همین مادّه بوجه مزبور

ذیل یک قاعدهٔ مخصوصی نشر و اعلان کرده شد .

حبس و توقیف سفیر کبیر و یا سفرای سائره و خدام آنها که از طرف

یکدولت خارج و یا حکمداری معیّن شده و از جانب پادشاه

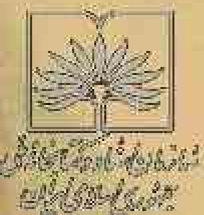
انگلیس و یا وراث آن قبول شود ضبط کردن اموال منقوله و

غیر منقولهٔ آنها کان لم یکن انگاشته خواهد گردید .

(یعنی حق ضبط و تصرف ندارند) (انتهی)

اگر سفیری در اداء دیون خود امتناع نماید ارباب طلب میتوانند



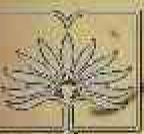


که بواسطهٔ وزارت امور خارجه بحکومت متبوعهٔ او و یا بمحکمه های
مملکتشان مراجعت نمایند

(استطراد)

چون امتیاز یک سفیر عبارت از اعتباریست مثل اینکه در مملکت
متبوع خود اقامت دارد بنا براین رفتار شود لهذا کافهٔ وسائط حقوقیه
که در حق او در مملکت و اقامتگاه او مجری میشود از طرف دولتی
که در نزد او اقامت دارد بموقع اجرا گذاشته شدنش را
هیچ مانعی نیست . (انتهی)

اگر دعوت کردن سفیری بمحاکمه لازم شود باید درین خصوص
طوری حرکت کرد که شخص غائبی بمحکمه احضار و دعوت میشود زیرا
سفیر علاوه اینکه در یک موقع مقیم است که خارج آن مملکت
حساب میشود استقلالیت را نیز حائز است بنا علیه جائز نیست
که مستقیماً بواسطهٔ محصل حکومت یا فرستادن محضر او را احضار
کرد و چون این معافیت برای محافظت وقع و حیثیت
سفیر تأسیس کرده شده و در موادی که عاید بصفت رسمیهٔ او ست



جاری میشود لهذا درحق اموال و اشیائیکه مناسبتی بصفت
رسمیهٔ او نداشته و بشخص او عائد است احکام حقوق ملل درحق
آنها شامل نخواهد بود .

بغیر از سفارتخانه کافهٔ اموال منقوله و غیر منقولهٔ سفیر در مملکتی که
اقامت دارد و بخود او عائد است قطعاً مناسبتی بصفت
رسمیهٔ او نداشته و تابع قوانین مملکت میگردد .

(استطراد)

(واتل) نام مؤلف میگوید اگر حکمداری از ظهور عواقب
و نتایج تابعیت اموال منقوله و غیر منقولهٔ سفیر خود بقوانین محلیه
مملکتی که سفیر او در آنجا اقامت دارد احتراز کند میتواند که سفیر
علیحدهٔ تعیین و مأمور نماید . (انتهی)

اگر سفیری بتجارت اشتغال کند درخصوص کافهٔ اموال و امتعه
و نقود و دیونات و مطلوبات که متعلق بامور تجارت او
بوده و دعاوی و منازعات بحاکم مملکتی که در آنجا اقامت
دارد تابع خواهد گردید .

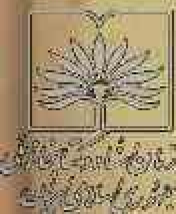


و مثل اینکه مستقیماً به شخص سفیر توجیه شکایت نمیشود در حق اشیائی هم که بوظایف مأموره و شخص او لازم است هیچگونه حکمی بموقع اجری گذاشته نمیشود ولیکن حکم اعلامیکه در حق او صادر خواهد شد بتصرف اموال منقوله و غیر منقوله سفیر که داخل در دائره معافیت او نیست مجری میگردد .

(استطراد)

با قتضای حرمت و رعایتی که بصفت رسمیّه سفیر مخصوص است همیشه لازم است که در هر چیز منفعت صفت رسمیّه سفیر ملاحظه شود یعنی اگر در اختصاص چیزی بخود سفیر و یا اقامتگاه آن اشتباه کرده شود مقتضی این است باید بنحوی تعبیر کرده شود که منفعت سفیر در آن ملحوظ بشود . (انتهی)

تدابیریکه در محافظهٔ حقوق اشخاص سائره اتخاذ کرده شود مخلّ امتیازات سفیر نبوده مثلاً در حالتی که براتی بعهدهٔ یکی از مأمورین دیپلوماتیک کشیده شود در صورت ادا نشدن وجه آن کسیکه حامل برات است برای اثبات اجرای معاملات



لازمهٔ خود در حق کسیکه برات بعهدهٔ او فرستاده شده لازم است
به برات کننده یک پروتست نماید .

غیر از این قیود و شروطیکه از امتیازات دیپلوماتیکی نشأت میکند
سفرای خارجه در حالات آتیه تابع محکمه های محل میباشند اوّلاً باوجود
قبول کردن مأموریّت حکمدار خارج را بار از اتباع دولتی که در نزد او اقامت
دارد معدود شدن ثانیاً بعد از استیذان و استعفای ضمنی یا صریحی
از متبوع مفخم خود از مأموریّت فارغ بودن ثالثاً در حالتی که در حضور
محاکم محلیه شخصاً اقامهٔ مرافعه و دعوا نموده و برای تادیهٔ مصارف محکمه
محکوم شده و در این باب به محکمه احضار شدن رابعاً در خصوص دعوائی
برای اعلام استحصالی خود شان بر علیه ایشان یعنی سفرا استیناف دعوی
شدن خامساً در مقابل دعوای که خود شان اقامه کرده اند از طرف
مدّعی علیه بر ضد او اقامهٔ دعوا شدن .

(استطراد)

اگرچه در سال ۱۸۵۴ میلادی میسیو (درویه) که از سرکاتبهای سفارت
بلجیک در لندن و رئیس شرکت معدنی بود که شرکای آن مرتکب



از اهالی بلجیک و انگلیس بودند هرچند مشار الیه دعوی را که در حق او از محکمه واقع شده بود قبول نموده و یکنفر وکیل دعوی فرستاده بود بعهد بعد از آن صفت دیپلوماتیکی خود را ادعا نموده از رفتن بمحکمه خود داری کرد مستر (هول) حاکم محکمه مزبور این معافیت را قاعدة قبول و تصدیق کرده ولی ادعا نمود که چون سرکاتب مشار الیه بخستین دعوت محکمه اجابت نمود بنا علیه نمیتواند که از این معافیت استفاده نماید . (انتهی)

هریک از مأمورین دیپلوماتیک مثل آنکه مختار هستند که در حق اهالی مملکت اقامه دعوا نمایند بهمان درجه مجبور میباشند به نتایجی که از این دعوا مترتب میشود امتثال و تبعیت نمایند .

(فصل سی و دوم)

(در بیان حال و مواقع مأمورین نیم رسمی است)

کافه مأمورین که تابع سفارت هستند مثل سرکاتب و آتشه و سایرین بالطبع داخل در دائره امتیاز و معافیت بوده اگرچه سفیر از امتیازات خود و کسانیکه در معیت او هستند میتواند فراغت نماید ولیکن چون



مأمورین و خدّام سفارتخانه و سایر اشخاص که مخصوصاً متعلق با قامتگاه سفیر هستند باین معافیت و امتیاز نایل نیستند در حقّ آنها در صورت دیگر معامله میشود .

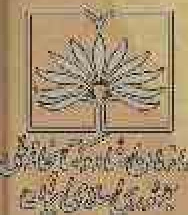
اگرچه بدیهی و آشکار است در موادّ دیگه متعلّق بجنایت است اکسانیکه بهیچوجهی استحقاق امتیازات دیپلوماتیکی را ندارند محاکم محلّیه معاف نمیشوند ولیکن اگر جنایت در سفارتخانه واقع شود استثنائاً احضار این قبیل اشخاص بمحاکم محلّیه تجویز نمیشود .

چون باقتضای حقوق دولیّه سفارتخانه در هر مملکتی که باشد خارج از آن محلّ اعتبار میشود بنا علیه جنایتی که در آنجا واقع شود مثل این است که در مملکت خود سفیر واقع شده در این حال مجازات جانی بمحاکم مملکت سفیر عائد میشود و اگر جنایت در محلّی که خارج از سفارتخانه است واقع بشود در آن هنگام ترتیب جزای آن بحکومات محلّیه راجع میگردد .

(استطراد)

در سال ۱۷۹۱ میلادی در شهر (مونیک) که پای تخت دولت



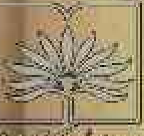


(باویر) است شکارچی (کنت دبرهل) سفیر پروسیا در یک مهمانخانه خود را اعدام کرد اگرچه سفیر مزبور جسد مقتول مرقوم را مطالبه نمود ولیکن حکومت (باویر) اظهار داشت که چون مقتضی است کسانیکه اصالتاً در معیت سفیر هستند تا آنهائیکه خدام سفارت و بشخص سفیر ربط داشته و تابع احکام قوانین محلیه میباشند تمیز بدهند لاجرم حکومت محلیه باعاده جسد مقتول موافقت ننموده کرد. (انتهی)

خدام سفارتخانه که از امتیازات دیپلوماتیکی محروم هستند در حالتی که جنایتی را مرتکب شوند خواه از اهالی مملکتی که سفیر در آنجا اقامت دارد بشوند و خواه از جای دیگر تابع محاکم مملکت میباشند

(استطراد)

قرارهائیکه بعکس مراتب مزبوره فوق داده شده است مشهود گردیده چنانکه در سال ۱۸۱۲ میلادی شکارچی سفیر (باویر) که در برلین اقامت داشت در خارج از سفارتخانه یکنفر خدمتکار سفیر مزبور را کشت و سفیر قاتل را در سفارتخانه حبس نموده و بجهة



اینکه قاتل مزبور از تبعهٔ دولت پروسیا بود ترتیب جزای جانی
و تحقیق مادّهٔ قتل را حکومت باویر ترک نمود بناءً علیه قاتل مرقوم
بمعرفت عساکر دولت باویر تحت الحفظ بشهر (مونیک)
فرستاده شد فقط رئیس محکمهٔ (برلین) به کشف و معاینه
جسد میّت و استماع شهادت شهود اکتفا نمود. (انتهی)
در هنگام وقوع جنایت از طرف مأمورین تابع سفارت و لو اینکه
ترتیب و تعیین مجازات بمحاکم مملکتی که در انجا اقامت دارند عائد
نشود ولیکن رؤیت دعوا در محاکم مزبوره اقتضا مینماید.
معافیّات و امتیازات مأمورین دیپلوماتیکی که مرتکب جرم و
قباحت باشند بهر درجه و مرکز که باشد در این باب معذور
و برای تحقیق و تدقیق دعوای شخص مدّعی بمحاکم محلّیه مراجعت نمودن
باقتضای حقوق ملل معافیّات و امتیازات مذکوره ابداً دخلی
باین مراجعت نخواهد داشت.
حکومت محلّیه برای تحقیق مادّه و استماع تقریر و شهادات کافّهٔ
اشخاص میتواند هرکس را به محکمه دعوت و احضار نماید بشرط اینکه



استماع این تقریرات بمنافع پولتیکیّهٔ دولت متبوعهٔ مدّعی علیه حقیقةً ایراث خلل نماید .

زیراکه این تحقیقات برای اقامهٔ دعوای شخص مدّعی در حضور محاکم خارجه استناد کاهی میشود مرعی الاجرا بودن این قاعده هم در حقّ موادّ حقوقیّه مقتضی میباشد .

خدمتکار سفیر بجهة قرضی که دارد توقیف و اشیاء او که در خارج از سفارتخانه است ضبط میشود خلاصه تا سکته بامور و مصالح متبوع او وارد نیامده است حکومت محلیّه اورا در مقام یک شخص عادی حساب میکند ولیکن اگر مدیون بصفت وکالت سفیر حرکت و معامله مینموده خود او شخصه تعقیب کرده نشد مسئولیّت او امری که او مجری داشته است بسفیر راجع میکردد

(استطراد)

(واتل) نام مؤلّف میکوید که اگر مؤلّفین ادّعا مینمایند که نباید باشخاصیکه در معیّت سفیر هستند مطلقاً تعرّض نمود ولیکن لازم است قاعده تمیز و تفریق که در حقّ املاک سفیر اتخاذ کرده شده است

در این موضع هم موقع اجرا گذاشته شود چنانکه نباید خدّامی را که مربوط به شخص سفیر است متعرّض گردیده و باید با متیاز ات قائمگاه سفیر رعایت کرده شود .

ولیکن با مورات شخصیّهٔ کسانیکه حائز صفت دیپلوماتیکی نیستند نباید امتیازات دیپلوماتیکی تعمیم کرده شود . (انتهی)

(فصل سی و سیم)

(در بیان حکم و نفوذ سفراست بمأمورین سفارت که در معیّت وهستند)

سفیر با امر صریحی از متبوع مفخّم خود نداشته باشد بمأمورین سفارت و یا تبعهٔ دولت متبوعهٔ خود صلاحیت اجرای هیچگونه حکم را نمی تواند داشت چنانکه در مملکت عثمانی است . (استطراد)

کاهی حکومت زجریّهٔ یک سفیر کبیر تا یکدرجه تحدید و توسیع کرده شده است که حقّ و صلاحیّت قتل داشته باشد چنان که (مارکی دو زورنی) نام اصل زاده که در لندن در معیّت سفیر کبیر فرانسه بود برای اینکه بجنایت قتل نفس مرتکب شده بود سفیر مزبور چند نفر از معتبرین اهالی فرانسه را جمع پس از رؤیت و تسویهٔ دعوای



جنایت حکم بقتل و اعدام او نمود .

این قبیل حالات نادر الوقوع است مخصوصاً در این اوقات که هیچ دولتی مساعده نمی نماید که سفیر آن حائز این حکم و صلاحیت باشد . (انتهی)

اگر در ممالک اروپ و آمریک یکی از اتباع سفارت در خارج از سفارتخانه یا در داخل مصدر جرم و جنایتی بشود وظایفیکه بعهدهٔ سفیر در این باب مترتب میشود عبارت از فقرات ذیل است

اولاً اگر متهم یا جانی در داخل سفارت خانه باشد اورا توقیف و یا اینکه در خارج از سفارت خانه بمعرفت حکومت محلیه حبس و توقیف شده باشد اورا مطالبه نمودن

ثانیاً مادهٔ قباحت و یا جنایت را تحقیق نموده پس از تنظیم اعلام و مضبطهٔ آن کافهٔ وسائط لازمه را از حکومت محلیه خواستن

ثالثاً شهادت کسانی را که از مامورین سفارت هستند استماع کردن

رابعاً برای اجرای احکام لازمه متهم را بمحاکم دولت متبوعهٔ خود دادن

خامساً در هنگام لزوم تدابیر و تشبثاتی را که برای استحصال معلومات کامله از طرف محاکم مزبوره مطالبه میشود اجرا نمودن . ولیکن سفیر هیچیک از مأمورین رسمیه را که در معیت خود هستند نمیتواند که برای ارتکاب جرم و قباحتی بحکومت محلیه تسلیم نماید .

کارهای مأمورین سفارتخانه را که عائد بمواد حقوقیه باشد سفیر رؤیت و تسویه مینماید مثل اینکه سفیر علی العموم میتواند وصیتنامهای مأمورین سفارتخانه را اخذ و اسناد آنها را تصدیق و امضا نموده و در هنگام وقوع وفات آنها اشیاء آنها را مهر کند .

شمول این حکم اختیاری که از طرف سفیر مجری میشود در حق اتباع سائره که از مأمورین سفارت نباشند مخصوص بقوانین و نظامات هر مملکت است .

(استطراد)

بموجب حکم فصل چهل و هشتم قانون مدنی فرانسه اسناد اعلان و اخبار تولدات و وفیات و ازدواج فرانسویها که در ممالک خارجه اقامت دارند بمأمورین دیپلوماتیک و یس قونسولهای



قرار نسبه داده میشود .

در سال ۱۸۳۲ میلادی روز بیست و سیوم از ماه تشرین ثانی بموجب
قراری که داده شد بدون اینکه حکم فصل مزبور منفسخ بشود از دو پس
قونسولها گفتگو کرده شده اصول و رسوم دقّت و رعایت
مقتضیهٔ آنها در این خصوصات تحدید و معیّن گردید (انتهی)
دولتی که سفیر در نزد آن اقامت دارد مجبور نیست که این اسناد
علم و خبر را مقبول و معتبر شمارد .

اگر در محاکم دولتی که سفیر در نزد او اقامت دارد برای بعض
دعاوی شهادت یکی از مأمورین سفارت اقتضا نماید حاضر
شدن اشخاصی که برای شهادت بمحاکم مذکوره دعوت میشوند
و یا شهادت آنها مطالبه میشود بمعرفت سفیر و یا سر کاتب نوشته
شده و بعد با با اصول و نظام محاکمه تبلیغ آن بتوسط وزیر امور
خارجه از سفیر مطالبه میشود و این از عادات جاریهٔ حالیه است

(فصل سی و چهارم)

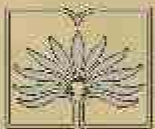
(در بیان رعایت کردن سفیر است بنظامات ضابطهٔ محلّیه)

چنانکه مذکور گردید سفیر از حاضر شدن بمحاکم ملکیه و جنایت مملکتی که در انجا اقامت دارد معاف است سایر رعایای خارجه علی العموم که در انجا اقامت دارند بمحاکم ضابطهٔ آن ملک تابع هستند شخص سفیر بالطبع نمیتواند تابع بمحاکم مذکوره بشود .

(استطراد)

اگر اقامتگاه سفیر مشرف بخرابی بوده و در یک مخاطرهٔ قریب الوقوع مشاهده شود حکومت محلیه حق و صلاحیت آزادارد که در حق سفیر تدابیر لازمه اجری نماید ولیکن سفیر مجبور است دقت نماید که در داخل سفارتخانه حرکاتی راکه خلاف نظام بوده و در خارج امنیت عمومیه را اخلال کرده و مخل قوانین موضوعه باشد بعمل نیاورند بناءً علیه مثل اینکه لازم است بر سفیر استعمال اسلحهٔ ناریه راکه مخل امنیت عمومیه است در سفارتخانه منع نماید و اگر در داخل سفارت قمار کرده شود همین طور واجب است باقتضای قانون مملکت داخل شدن اهالی مملکت را باین قبیل لعبیات در سفارتخانه ممانعت نماید و نباید مساعده نماید مأمورینی که در





معیّت او هستند بتجارت اشیاء ممنوعه مشغول شده و به صنعتی که
مخلّ منافع اهالی اصلیّهٔ مملکت است اشتغال ورزند . شخص
سفیر خواه در ایّام مخصوصه و خواه در اوقات سائره باید بنظامات
و قوانین پولیس اتّباع و امتثال نماید مثل مرور و عبور کردن
کالسکه با در اوقات معیّنه از جاهای معلوم و غیره .

(استطراد)

بی قید و لاابالی بودن مأمورین دیپلوماتیک در مجالسی که اهالی
مملکت اجرای ماتم و سوگواری و یا اظهار مسرّت و شادمانی
مینمایند خطا است .

اگر چه این قبیل ماتم و مسرّتها عائد شخص مأمورین دیپلوماتیکی
نیست ولیکن محض اینکه باهالی مملکت یکنوع حرمت و رعایت بشود
و بدولتهائیکه تابع او هستند تنفّر اهالی را دعوت ننمایند از
هواد ماتم و مسرّت باید خودشان هم حصّهٔ بردارند .

یکی از دو دولت محارب که نائل فتح و ظفر باشد در شهر اجرای
آئین مینماید اگر متبوع سفیر درین محاربه بیطرف بوده است

بالطبع



بالطبع آن سفیر میتواند در این قبیل مسرّات اشتراک کند. (انتهی)

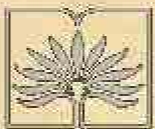
درخصوص افعال و حرکاتیکه بخلاف نظام از مامورین معیّت سفیر صادر میشود چون علی العموم قاعده اینکه سفارتخانه از ممالک متبوع مفخّم سفیر اعتبار کرده میشود مرعّی الاجراست لهذا مجرمی را که بواسطه جنحه حکومت محلّیه در خارج سفارتخانه توقیف کرده است باید بسفارت خانه اعاده و تسلیم نماید .

(فصل سی و پنجم)

(دربیان معافیّت سفراست از رسومات و عوارضات)

اگرچه سفیر طبعاً معاف است که در اقامتگاه او عساکر اسکان کنند و یا انکه رسوماتیکه بدل و عوض عسکر باشد از او تحصیل شود ولیکن از رسوماتیکه باملاک طرح میشود معاف نخواهد بود . درواقع اگر اقامتگاه سفیر از املاک مخصوص یکی از اهالی مملکت باشد هیچ دلیلی نیست از کافّه املاکی که رسوم بآنها طرح میشود استثنا داشته باشد . اگر سفیر در خانه سکنا نماید که متعلّق به متبوع مفخّم او بشود محض رعایت متبوع او از آن خانه رسومات





مطالبه نمیشود . این قبیل معافیات داخل در امتیازات
دیپلوماتیکی نبوده محض از آثار لطف و عنایت است .

(استطراد)

سفارتخانهای دولتهای انگلیس و روس و پروس در پاریس ملک مخصوص
دول مزبوره بوده و سفارتخانهٔ پروس که در لندن هست ملک
طلق اعلیحضرت پادشاه پروس است .

دولتهای فرانسه و پروس برای معاف بودن سفارتخانهای
خودشان از هر قسم رسومات بالمقابله عقد اتفاق نموده اند . (انتهی)
باقتضای امتیازات دیپلوماتیکی که سفیر حایز آن است خواه خود
سفیر و خواه مأمورین معیت او از دادن بده و رسوم املاک
که تبعهٔ آن دولت میدهند معاف خواهند بود .

ولیکن اشیائیکه سفیر برای لوازم ذاتیهٔ خود جلب مینماید از گمرک
و سایر رسومات معاف نخواهد گردید .

زیرا که این رسومات بده شخصی نبوده در دست هر کس که باشد
بده حقیقی است که از کافهٔ اشیاء گرفته میشود . معهذا معافیت



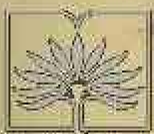
سفرا از این قسم رسومات هم از مقتضیات عادات قدیمه است
حتی در اوقاتیکه قاعدهٔ مأموریت دائمهٔ سفرا اتخاذ کرده شده
و عادت اینکه کافهٔ مصارفات و یا یک جزو آن از طرف دولتی
که نزد او فرستاده میشد داده میشد لغو و ابطال گردید متعاقبت
آنها از رسومات مذکوره ابقا گردید فقط چون این قسم معافیت سفرا
از رسومات باعث بعضی سوء استعمالات میشد اکثر دولتها محض
تحدید دایره این معافیت مجبور باتخاذ بعض تدابیر لازمه گردیدند
چنانکه برای آوردن اشیائیکه از ممالک خارجه با قامتگاههای سفرا
لازم است سفرا را علی العموم شش یا نه ماه مهلت داده میشود و برای
حوایج یومیهٔ آنها نیز در هر سال مبلغی که گمرک لوازمات است معین
شده و از دادن آن معاف میکردند اگر مقدار لوازمی که گرفته میشود
از مبلغ معین تجاوز نماید سفیر مجبور است که رسومات و گمرک اشیائیرا
که از قدر معین تجاوز کرده است تأدیه نماید ولیکن اگر در امتیازات
دیپلوماتیکی علناً سوء استعمال دیده نشود هیچ دولت در گرفتن
رسومات مذکوره اصرار نمیکند.



در انگلیس در هر سال حد معینی نیست اگرچه سفرائیکه در پای تخت هستند
هرانچه راکه بخواهند میتوانند به مملکت ادخال نمایند ولیکن همیشه مجبور
هستند که برای یک جزئی چیز هم از وزارت خارجه بواسطهٔ یکقطعه
سند استحصال رخصت نمایند و حال انکه در شهرهائیکه در هر سال مبلغ
معینی تخصیص شده است امتعه که باسم سفیر وارد میشود در مقابل
یکقطعه سند که بمهر معادی سفارت ممهور ولزوم آنرا مخصوصاً
شخص سفیر اثبات مینماید داده میشود.

معاف بودن از رسومات گمرک فقط مخصوص سفرا بوده هیچ
سرکاتب نمیتواند این معافیت را مطالبه نماید مگر انیکه بطور استثنا
بصفت مصلحت گذاری موقتاً بسفیر وکالت کند.

پاکتهای هر قسم اشیاء که بمهر دولت متبوعهٔ سفیر ممهور بوده خواه
بواسطهٔ ساعی و قاصد و خواه بتوسط پوست بسفیر وارد شود
از هر قبیل اشیاء که باشد بهیچوجهی در گمرک باز و معاینه نمی شود)
فی یومنا هذا هرکس که بواسطهٔ راههای آهن سیاحت و مسافرت
مینماید تفحص خدام سفرا نادر الوقوع است و چون اصول تفحص



مخل امتیازات دیپلوماتیکی است کلیتاً باید ممنوع شود .

هم چنین سفری که سیاحت مینماید در حالتی که تذکرهٔ مرور خود را

ارائه و صفت رسمیهٔ خود را اثبات و اشاعه نمود صندوقهای او

نباید تفحص و معاینه بشود .

سفرا مثل انکه از رسومات گمرک معاف هستند از رسومات

احتساب که رسوم محلیه است معاف بوده هنگام مطالبه شدن

آن از طرف حکومت محلیه سفرا باداء آن مجبور میباشند .

و چون رسومی که از مارین و عابرین برای محافظهٔ طرق و معابر و

پلها و راههای سنگ فرش یعنی شوسه و جویها و جدولهای مصنوعی

گرفته میشود در مقابل مصارفی است که باینها کرده شده است

مامورین دیپلوماتیکی از اداء رسومات مذکوره مستغنی نخواهند بود

هر سفیر در نزد هر دولتی که اقامت دارد باید با امتیازاتیکه آن دولت

در حق سفرای سایره مساعده نموده و از حیثیت رتبه برابر هستند

قناعت نماید مگر آنکه امتیاز مخصوصی داشته باشد که مستند

بمعاهدهٔ مخصوصه و یا بقاعدهٔ معامله بالمثل بشود .



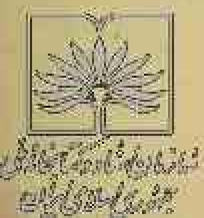
(فصل سی و ششم)

(در بیان اجرای رسوم و آئین عبادت در سفارت خانه‌ها)

باقتضای عادات عمومیّه که از ظهور مذهب پروتستان بانظر متخذ گردیده است و از روی عهود و مقاولاتیکه درمیان دول مسیحیّه اروپ منعقد و تأسیس شده است اگر آئین و مذهب سفرائیکه از کافّه صنوف و درجات هستند در مملکتی که اقامت دارند بطور علنی اجرا نشود و یا آنکه هم مذهبان او حقوق اجرای آئین را حائز نباشند و در حالتی که سفیر دیگر در آنجا نباشد که بکلیسای او بروند میتوانند که در اقامتگاههای خودشان بطور نیم علنی بحقوق اجرای آئین خود مظهر شوند.

(استطراد)

از پادشاهان اوستریا (ژوزف) دوم بعد از مساعدت نمودن باجرای رسم آئین کسانیکه از مذهب پروتستان در (وین) بودند اصرار داشت که سفرای حکومات متفقهٔ آلمان در کلیساهای کوچک خود که در اقامتگاههای خودشان داشتند



از اجرای رسم آئین فراغت نمایند . (انتهی)

اگرچه انشا نمودن کلیسای کوچک در سفارتخانه‌ها موقوف بامر و رخصت حکمدارانی است که سفرا ارسال مینمایند ولیکن اگر از سفرا خصوصاً سفرائیکه از درجه دوم و سیوم هستند از طرف حکمدارانیکه باقامت در نزد آنها مأمور میباشند از اینباره عدم ممانعت اجرای آئین خودشان مستفید نمی باشند .

دول مسیحیه در کافه معاهداتیکه با حکومات اسلامیه منعقد کرده اند حقوق ساختن یک کلیسای کوچک را برای سفرا و قونسولهای خودشان شرط نموده اند .

چون اجرای عبادات ملل خارجه در اقامت گاههای خودشان طبعاً مباح است هر یک از ملل خارجه حق و صلاحیت آزادارد در حالتی که باقامت او در مملکتی رخصت داده شد از این مساعده جزئیه محروم نمیدارند یعنی یکنفر خارجی که بمملکتی آمده در آنجا اقامت نماید نه بآئین و مذهب او و نه باجرای حرفت و صنعت او بهیچ وجه مانع نمی شوند



ولیکن چون اجرای عبادت نیم علنیّه که متوقّف بوجود یک
مأمور مخصوص روحانی است باقتضای قرارهای مجالس عمومیّهٔ
مذهبیّه و حقوق روما (شاید) که از دائرهٔ حرّیت طبیعی
اخراج شده و یک صفت مخصوصه احراز کند بناءً علیه درجهٔ
رخصت و صلاحیّت سفرا در خصوص اجرای آیین در اقامتگاههای
خودشان بالنّسبه برتبه و صفتی است که حائز آن میباشند،
مظهریّت یک سفیر بحقوق اجرای آیین و مذهب خود در
کمال آزادی و حرّیت از لوازم و وظایف مأمورهٔ او نخواهد بود
اگر مذهبی که سفیر تابع آنست در مملکتی که اقامت دارد علناً
مجری نشود و یا آنکه کلیسای آن مذهب در آن مملکت نباشد
باید سفیر بکافّهٔ قواعد مرعیّهٔ مذاهب و ادیان مراعات نموده
در اقامتگاه خود باجرای عبادت اکتفا نماید.
و چون منحصر بودن محلّ عبادت سفرائیکه در مملکتی با عیال خودشان
بمأموریّت دائمه هستند باقامتگاههای آنها مقرون بحقانیّت
نیست مذهبی است که اینحال بمرور زمان مبدّل بحق و صواب

خواهد گردید

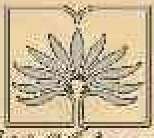
اجرای آئین نمودن سفرا در سفارتخانهای خودشان بطور علنی بایک مأمور روحانی و تعیین ترتیب خدّام کلیسا و ایفای کافّه رسوم مذهبیّه که اجرای آن در کلیسا ممکن است صلاحیتش باینجا نیز شمول دارد .

(استطراد)

معهذا کافّه حکومات محلیّه حق و صلاحیت آزادارند که عدد مأمورین روحانیّه آنجارا تحدید و تعیین نموده و مخصوصاً نگذارند از رهبانانیکه از اهالی مملکت است در آنجا مأموریّت داشته باشد . مأمور روحانی که مربوط بسفارت باشد از اتباع به محاکم محلیّه معاف است . (انتهی)

(استطراد)

هیچ سفیری حق و صلاحیت آزاد ندارد کلیسائی را که در داخل سفارتخانه است در شکل و هیئت کلیساهای بزرگ ساخته و در آنجا ناقوس و ارغنون استعمال کرده و اجتماعات مذهبی اجرا نماید (انتهی)



اجرای حقوق رسم آئین در سفارتخانه فقط مخصوص بسفیر و مأمورین معیّت
او است بعلاوه اینکه مأمور روحانی در خارج سفارتخانه مأذون نیست
در اجرای عبادات پیشوا بشود از اهل ملّتی هم که سفیر با او تابع است خواه
سفیر با او هم مذهب بشود خواه نشود همچنین از اهالی مملکت را حکومت
مجبور نیست که اذن بدهد بکلیسای سفارتخانه رفته اجرای رسم
آئین کنند .

(استطراد)

از این قبیل است که حکومت پاپ خبردار شد که در روما مأمور
روحانی که مخصوص بسفارت پروس بود بزبان ایتالی اجرای نصایح
مذهبیه مینماید لاجرم حکومت مشار الیها بیان و اشعار نمود که زبان
مذکور را دیگر استعمال نکند و اگر بکند کلیسای مزبور را کلیّةً لغو
و مسدود خواهد کرد .

(انتهی)

معهذا چون دولتها زیادتر از همه در خیال آزادی و حریّت هستند
و مخصوصاً در حقّ ملل خارجه خواه باقتضای عهود و خواه از راه مساعدهٔ
مخصوصه در این خصوصات بآن درجه شدّت نمینمایند .

(استطراد)



درمیان دولتهای فرانسه وفلمنک واسوج ودانمارک واوتریا

وسایر دولتها دراین خصوص عهدنامها منعقد شده است . (انتهی)

وحتی اکثراوقات بمامور روحانی سفارتخانه اذن داده شده است

که درخارج اجرای وظیفه نماید وگاهی بالذات اجرای رسم آئین بودن

مامور مذکور درخارج ازسفارتخانه ازطرف حکومت محلیه خواسته شده است

هروقت که سفیر محل ماموریت خود را ترک بنماید اصول اجرای آئین

درصورت نیم علنی درداخل سفارت بالطبع زایل میشود اگر سفیر بعضی از

اتباع وخدمه خود را درسفارت گذاشته موقتاً بجای دیگر برود

آنوقت باجرای رسم آئین درسفارتخانه مساعده میشود واگر کلیةً بواسطه

عزیمت سفیر ماموریت آن ختام پذیر بشود اجرای آئین عبادت نیز

معطل میشود .

درفرنگستان نادراً دیده شده است بیک مامور دیپلوماتیک

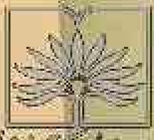
که از درجه اول بوده وبتسویه مصالح سفارت معین بشود رخصت داده شود

که دراقامتگاه خود اجرای رسم آئین نماید .



(استطراد)

اگرچه مصلحت گذارها در اقامتگاههای خودشان مخصوص بمذهب
و آیین خود یک کلیسای کوچک دارند و اگرچه مثل اینکه از طرف حکومت
محلّیه ممانعتی نیست که ایلچیهای کبیر و صغیر در داخل سفارتخانه معبد ایجاد نمایند
مصلحت گذارها نیز میتوانند که در اقامتگاههای خودشان یک معبد
کوچک تأسیس و احداث کنند ولیکن اکثر دولتها که متبوع سفرا هستند
محض رعایت بقاعدهٔ تصرفیّه بانشای معبد مخصوص مساعده نمینمایند .
معهذا اگر مأموریّت سفیر بوقوع وفات متبوع معظّم او و یا حکمداری که در
نزد او اقامت دارد ختام پذیر بشود از حیثیّت سفارت هیچوجه
تبدّلاتی مجری نگردیده و از قواعد مرعیّه است که سفیر منتظر شود بورود
خبری که از طرف حکومت او در عدم ابقای خود در مأموریّت سفارت
مگر اینکه حاکمی که وفات کرده رئیس یک حکومت انتخابیه بوده باشد در
اینحال نیز حال و موقع موقّتی سفیر در نزد حکومت محلّیه سبب کافی نتواند بود
که اجرای رسم آیین تعطیل و منع نماید
اگر استفسار بشود که آیا برای زوجهای سفیر کبیر و سایر متعلّقین سفیر و دیگر
مأمورین دیپلوماتیکی که تابع مذهب زوجهای خود نباشند حقوق صلاحیت

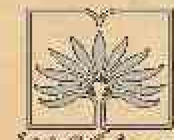


آزادارند که در اقامتگاههای خودشان یک کلیسای کوچک تخصیص و
انشا نمایند یا نه ما باین سؤال این قسم جواب میدهیم که اگرچه این حقوق
و صلاحیت بمقاولات مخصوصه و عادات محلیه و بحسن ارادت حکمدار
مملکت منوط و مربوط است باز قطعاً شبهه نیست که باین فقره رخصت
داده میشود . در این باب در میان دو دولت مقاولات مخصوصه
قاعده حقیقیه نباشد که اساس اتخاذ شود همان مراسم و تشریفات و امتیازاتیکه
در حق هریک از مأمورین دیپلوماتیک که با خود او هم رتبه و شان هستند
مساعده میشود اونیز در حق خود و مأمورین معیت خود حق مطالبه این امتیاز را
خواهد داشت .

(فصل سی و هفتم)

{ در بیان حقوق و امتیازات مأمورین دیپلوماتیکی است
در ممالک و دولت هائیکه نزد آنها مأمور نیستند }

یک سفیر که باقامت در نزد حکمداری و یا در ممالک آن مأمور است
میتواند هیئت خود را با امتیازات خود در یکصورت مطلقهٔ مکمله طلب و ادعا
نماید اما الحکمان نمودن این را که یکسفیر در شهرهای دولتهائیکه مجبور بمرور از آن
ممالک است مثل یک سیاح عادی و از صفت رسمیه بکلی عاری است



محض خطا است بجهة اینکه صفت سفیر معلوم است لهذا موجب احکام حقوق ملل حق و صلاحیت آنرا دارد که خود و مأمورین معیت او مظهر حرمت و رعایت شوند و این مظهریت آنها بحرمت و رعایت باید مدخلیتی بحسن ارادات و اختیار حکمداری که از خاک او عبور خواهند کرد نخواهد داشت .

در اثنای مرور سفیری از ممالک حکمداری که مأمور نزد او نیست باید اقدام و اهتمام کرده شود که آن سفیر مظهر امنیت کامله بشود .

مثل اینکه یکی از آحاد ناس در اثنای مرور از مملکتی باید از هر گونه تجاوزات مصون و محروس باشد سفیری هم که برای انفاذ اوامر متبوع معظم خود و یا برای رؤیت مصالح ملتی سیاحت مینماید باید بطریق اولی مظهر رعایت و حمایت بشود زیرا که حقارت کردن بسفیری مثل تحقیر نمودن به دولت و ملت او است توقیف و اجرای معاملات ظالمانه در حق او اخلال نمودن حقوق سفارتهای کافهٔ دولتها است بناءً علیه در زمان سابق در حالتی که مأمورین امپراطور آلمان نیز مدخلیت داشتند ایلچیهای (فرانسوای) اوّل از پادشاهان فرانسه مقتول گردیدند و پادشاه فرانسه هم از وقوع این امر شکایت نمود (شارل کن) امپراطور آلمان نیز از دادن ترضیه امتناع کرد ناچار پادشاه فرانسه با امپراطور

مذکور اعلان حرب نمود و در این اخبار جنگ هم محقق بود

فقط این معافیت و امتیاز در حق سفرائیکه بخیال خود از مملکت مرور بنمایند جاری بوده باعتقاد قول (واتل) نام مؤلف اگر سیاحت یکسفیر داعی سوء ظن بشود و از مملکت حکمداری که او خواهد مرور کرد از دخول سفیر بطور آزادی بمملکت خود اندیشناک بوده و از ایقاع فسادات و اجرای بعضی تبلیغات سفیر بدشمنهای او و یا دشمن نمودن اهالی مملکت را در حق خود شبهه نماید میتواند که مرور آن سفیر را از ممالک خود منع کند همین قدر باید دقت نماید که در حق سفیر معامله بد واقع نشود و اگر منع کردن سفیر از مرور ممالک اسباب قویه در دست نباشد محض اینکه سوء حرکات سفیر را ممانعت نماید حکومت حق و صلاحیت آزادانه دارد که تدابیر احتیاطیه را اتخاذ کند.

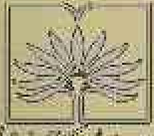
(استطراد)

در فصل ششم همین کتاب بیان کردیم مسیو سوله که فرانسوی الاصل بود در سال ۱۸۵۴ از طرف حکومات مجتمعه آمریکا بشهر مادرید سفیر تعیین شده بود از جانب دولت فرانسه باقامت او در شهر پاریس مساعده نشد مسیو (ماسون) سفیر آمریکا که آنوقت در پاریس اقامت داشت



از دولت فرانسه استیضاح کرده علّت این سؤال بود مسیو (درون دلوی)
وزیر امور خارجهٔ فرانسه در مراسلهٔ رسمیّهٔ مورّخ اوّل تشرین ثانی که بمسیو
ماسون) فرستاد سبب معاملهٔ مذکوره را بدین وجه بیان و ایضاح
کرده شده سفیریکه برای اجرای مأموریّت از فرانسه عبور کرده به
محلّ اقامت خود عزیمت نماید حکومت امپراطوری در داعیهٔ ممانعت
بعزیمت او نیست ولی افسوس بواسطهٔ سوابق احوال یک خارجه
که نظر دقّت و اشتباه هیئت حکومتی را که مأمور بحفظ آسایش عمومی
میباشند دعوت کرده لهذا ما بین عبور ساده و توقّف او فرق کلّی
هست اگر نیّت و افکار مسیو (سوله) مستقیماً عزیمت بشهر مادرید
میبود از راه فرانسه بعزیمت او هیچگونه ممانعت کرده نمیشد.
امّا او در این خیال میبود که آمده در فرانسه اقامت بکند با این مساعده
نمیشد نظر باحوال مذکور بقدر اینکه از خودش سؤال کنند که در قبول
کدام یک از دو شقّ مزبور جازم است وقت و فرصت داده نشد و
چون مشارالیه از فرانسه وطن اصلی خود بامریکا رفته و انجا را وطن کرده
و از جانب جمهوری آمریکا مأمور بسفارت بود بجهة نداشتن ثابت دو

نامه



نایبهٔ لازمه از دولت فرانسه در نظر ما مثل یک شخص عادی محسوب

شده و تابع قانونیست که در حق عموم مُرعیّ الأجری میباشد

مسیو سوله دراین باب اطمینان داد که جز برای رفتن بمادرید از خاک

فرانسه خیال دیگر ندارد تا مرور وعبور او رخصت داده شده حال در

این مرکز مانده باوجود این موافق تقریر فوق الذّکر یک سفیر را در مقام

یک شخص عادی حساب کردن بعقیدهٔ مؤلّف یک معاملهٔ متجاوز از حد است

(انتهی)

امتیاز بلا مانع بآزادی عبور و مرور کردن از مملکت سفرای دولی عائد است

که در حالت صلح ومسالمت باشند درصورتیکه یک دولت با دولت

آخر در حالت جنگ ونزاع باشد آندولت مجبور نیست که سفیر

دشمن مساعده کند که در مملکتش بآزادی گشت وگذار نماید .

سفیر دولت محارب اگر در دست تذکرهٔ امنیّت نداشته

باشد نمیتواند بخاک دشمن قدم بگذارد هرگاه تذکرهٔ امنیّت

نداشته باشد بعلاوهٔ انکه بمرور او ممانعت میشود توقیف هم میگردد

(استطراد)

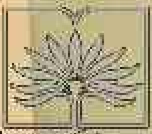
مارشال (دبل ایزل) سفیر فرانسه مقیم برلن در سنه ۱۷۵۶ میلادی
از یک قریه مملکت هانور که تابع انگلیس و دولت مشار الیها با فرانسه
در محاربه بود در اثنای مرور توقیف کرده بانگلیس فرستاده شد
چون در این باب دولت هانور بحقوق محاربه موافق حرکت
کرده بود دولتهای فرانسه و پروسیا از دولت هانور شکایت نکردند

(انتهی)

یکدولت برای اینکه بحرکت کردن در صورت مشروحه فوق حق
و صلاحیت داشته باشد حالت محاربه را رسماً باید اعلان کند .

(استطراد)

در سال ۱۷۴۴ میلادی کنت (دهولدرنس) سفیر انگلیس بامور
ونذیک در حین عبور از مملکت اوتریش با اینکه دولت اوتریش با
دولت انگلیس محاربه نداشت معهذا از صاحب منصبان اوتریش
بایراد اینکه دولت انگلیس متفق اعدای اوتریش است سفیر مزبور را
توقیف کرد چون اینحرکت مخلّ احکام حقوق ملل بود دولت اوتریشیا
خطای صاحب منصب خود را اقرار و بیان معذرت کرده بود .



(انتهی)

از مأمورین سفارت هیچکدام حق این را ندارند از اشیائی که همراه خود نبوده از ممالک غیر مرور دهند معافیت آنها را از رسوم گمرک مطالبه بکنند بعضی استثناءات خواه بحسب عادات مخصوصه و خواه بجهة معامله متقابله و یا از طرف دولتهای درجه ثانیه که محض حرمت و رعایت معامله میشود قاعده عمومیه نبوده و به تأسیس یک حقوق سبب کافی نتواند شد .

اوایل حال سفرا و مأمورین دیپلوماتیک که بمأموریت موقته تعیین میشدند مخارج راه و مصارف ایام اقامت ورا از خزانه دولتی که سفیر نزد آن مأمور بود داده میشد در این روزها این قاعده لغو شده است .

(استطراد)

در این اواخر سفرای دولت جاپون و سیام که نزد دول فرنگستان آمده بودند مصارف و مخارج آنها از جانب دول فرنگستان داده شد

تمام شد جلد اول فی شهر شوال سنه ۱۳۰۱ حرره میرزا محمد علی کشکول











